



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

بیتو ارمان از تو بگم

سلام علی

فاطمه کاظمی آرانی

مجموع جهانی شیعه شناسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جامعه آرمانی از دیدگاه علی علیه السلام

نویسنده:

فاطمه کاظمی

ناشر چاپی:

مجتمع جهانی شیعه شناسی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	جامعه آرمانی از دیدگاه علی علیه السلام
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۶	تقدیم به:
۱۷	فهرست مطالب
۲۵	مقدمه استاد انصاری بویراحمدی
۳۱	پیشگفتار
۳۱	اشاره
۳۳	۱. عدالت محوری
۳۴	۲. آزادی
۳۴	۳. مشارکت
۳۴	۴. حق محوری
۳۵	۵ - وحدت
۳۵	۶-آرمان
۳۶	معتقدات اولیه نگارنده
۳۶	نظرات در مورد جامعه آرمانی
۴۱	فصل اول: هدف از ایجاد جامعه آرمانی از دیدگاه امام علی (ع)
۴۱	اشاره
۴۳	هدف از ایجاد جامعه آرمانی از دیدگاه امام علی (ع)
۴۶	آثار تقوا:
۵۱	فصل دوم: ویژگی های جامعه آرمانی از دیدگاه امام علی (ع)
۵۱	اشاره
۵۳	ویژگی های اصلی جامعه آرمانی از دیدگاه امام علی (ع)

۵۳ اشاره
۵۳ گفتار اول: عدالت محوری
۵۳ اشاره
۵۴ تعریف عدالت از دیدگاه امام علی(ع)
۵۴ اشاره
۵۴ ۱. عدالت به معنای مساوات و تبعیض قائل نشدن میان مردم
۵۵ ۲. عدالت به معنای رعایت حقوق
۵۵ ۳. عدالت به معنای دادن حق افراد متناسب با شایستگی و تلاش
۵۵ اشاره
۵۶ الف) عدالت در نظام اقتصادی
۶۰ ب) عدالت در نظام سیاسی
۶۶ ج) عدالت در نظام قضایی
۶۸ گفتار دوم: حق محوری
۷۷ گفتار سوم: آزادی همراه با مسئولیت در برابر خدا
۷۷ اشاره
۸۰ انواع آزادی
۸۰ اشاره
۸۱ ۱. آزادی انتخاب
۸۱ اشاره
۸۲ شروط انتخاب آزادی
۸۴ ۲. آزادی بیان و عقیده
۸۴ اشاره
۸۶ با چه کسانی مشورت نکنید
۸۶ اشاره
۸۶ ۱. بخیل:
۸۶ ۲. ترسو:

۸۶	۳. حریص:
۸۸	۱ - ۲ - آزادی انتقاد
۸۹	۲ - ۲ - آزادی پیشنهاد
۹۱	مرزهای قانونی آزادی
۹۱	۱. رعایت مقررات شرعی
۹۱	۲. رعایت مصالح عمومی
۹۲	۳. رعایت حریم خصوصی مردم
۹۲	گفتار چهارم: وحدت حول محور الهی
۹۲	اشاره
۹۹	عوامل و محورهای وحدت از دیدگاه امیرالمؤمنین(ع)
۹۹	۱. خدا و پیامبر(ص)
۱۰۰	۲. دین و مکتب
۱۰۱	۳. کتاب و قانون مدون الهی
۱۰۱	۴. امام و رهبر
۱۰۲	۵. انبوه های مردم
۱۰۲	۶. انسانیت
۱۰۳	اقسام وحدت در قرآن :
۱۰۳	۱. وحدت بشریت
۱۰۳	۲. وحدت ادیان الهی (توحیدی)
۱۰۴	۳. وحدت امت اسلامی
۱۰۷	گفتار پنجم: مشارکت فعال مردم
۱۰۷	اشاره
۱۰۸	۱. اهمیت حضور مردم در بیعت با رهبران
۱۱۰	۲. نظارت
۱۱۳	۳. نصیحت و بیان حقایق تلخ
۱۱۹	فصل سوم: راهبردهای رسیدن به جامعه آرمانی

۱۱۹ اشاره
۱۱۹ گفتار اول: محور قرار دادن قرآن کریم
۱۲۲ گفتار دوم: محور قرار دادن سنت پیامبر اکرم
۱۲۴ گفتار سوم: محور قرار دادن پیشوایان معصوم علیهم السلام برای هدایت و رهبری جامعه اسلامی در مسیر عمل به کتاب الهی و سیره پیامبر اسلام(ص)
۱۲۷ گفتار چهارم: پیروی از عقل
۱۳۱ فصل چهارم: راهکارها و موانع رسیدن به جامعه آرمانی
۱۳۱ اشاره
۱۳۳ الف - راهکارهای رسیدن به جامعه آرمانی
۱۳۳ اشاره
۱۳۳ گفتار اول: عرصه سیاست و حاکمیت
۱۳۳ اشاره
۱۳۳ برگزیدن مدیر شایسته و صاحب صلاحیت برای رسیدگی به تمام امور جامعه
۱۳۹ گفتار دوم: عرصه اقتصادی
۱۳۹ اشاره
۱۳۹ ۱. مبارزه با تبعیض و بی عدالتی اقتصادی
۱۴۰ ۲. عمران و آبادانی
۱۴۱ ۳. افزایش رفاه و درآمدهای مردم برای رفع نیازهای فردی و اجتماعی آنان
۱۴۲ ۴. نظارت بر بازار و تنظیم آن
۱۴۳ ۵. جمع آوری و تنظیم مالیات
۱۴۳ اشاره
۱۴۴ روش گرفتن مالیات در نامه ۲۵ نهج البلاغه
۱۴۵ ۶. مساوات در تقسیم بیت المال
۱۴۷ گفتار سوم: عرصه حقوق عمومی
۱۴۷ اشاره
۱۴۷ ۱. رعایت حقوق عمومی
۱۴۷ ۲. تأمین اجتماعی

۳. عدالت قضایی ۱۴۷
- اشاره ۱۴۷
- ویژگی های قاضی از نظر امیرالمؤمنین علی (ع) ۱۴۸
- آداب قضاوت در کلام امیرالمؤمنین(ع) ۱۵۰
- وظیفه دولت در برابر قاضی ۱۵۱
- گفتار چهارم: عرصه فرهنگ و آموزش ۱۵۳
- اشاره ۱۵۳
۱. تعلیم و تربیت و آشنایی مردم با معارف دینی ۱۵۳
۲. توجه به اوضاع زمان و تغییر و تحول نیازهای فرهنگی جامعه ۱۵۶
۳. محافظت از دین و فرهنگ الهی و مبارزه با بدعت ها و خرافات ۱۵۷
۴. تربیت و رشد اخلاق و فضایل اخلاقی در میان مردم ۱۵۸
- گفتار پنجم: عرصه خانوادگی ۱۵۸
- اشاره ۱۵۸
۱. ازدواج ۱۵۹
۲. تربیت فرزندان ۱۵۹
۳. حفظ و بقای خانواده ۱۶۱
- گفتار ششم: امنیت اجتماعی ۱۶۲
- اشاره ۱۶۲
- ارتش و فرمانده نظامی ۱۶۳
- ویژگی فرمانده سپاه و وظایف او از نظر حضرت امیرالمؤمنین(ع) ۱۶۴
- الف) ویژگی های فرمانده ۱۶۴
- ب) وظایف فرمانده ۱۶۴
- ب - موانع جامعه آرمانی ۱۶۵
- فهرست منابع و مؤخذ ۱۶۸
- اشاره ۱۶۸
- الف) منابع اصلی ۱۶۸

ب) منابع پژوهشی - ۱۷۲

ج) منابع نشریاتی - ۱۷۳

درباره مرکز - ۱۷۴

مشخصات کتاب

سرشناسه : کاظمی آرانی، فاطمه، ۱۳۵۶ -

عنوان و نام پدید آور : جامعه آرمانی از دیدگاه علی علیه السلام / فاطمه کاظمی؛ [برای] مجمع جهانی شیعه شناسی؛ ویراستار علمی خلیل بخشی زاده.

مشخصات نشر : قم: آشیانه مهر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۱۶۰ ص.

شابک : ۴۸۰۰۰ ریال (شومیز): ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۶۴-۶-۲۶-۷؛ ۷۰۰۰۰ ریال (گالینگور)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۵۵ - ۱۶۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- دیدگاه درباره مدینه فاضله

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- دیدگاه های سیاسی و اجتماعی

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. . نهج البلاغه -- سیاست و حکومت

موضوع : اسلام و دولت

موضوع : مدینه فاضله -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده : مجمع جهانی شیعه شناسی

رده بندی کنگره : BP۳۸/۰۹/م ۴۱۵ ک ۲ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۱

شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۰۷۳۷۹

ص: ۱

نام کتاب:

جامعه آرمانی از دیدگاه امام علی (ع)

نام مؤلف فاطمه کاظمی آرانی

ناشر: انتشارات آشیانه مهر

ویراست علمی (محقق): خلیل بخشی زاده

صفحه آرا: علی اکبر احسانی تیرگر

ویراستار: سید علی سجادی بهسودی

چاپخانه: گلها

تعداد صفحات: ۱۶۰ ص

سال نشر: ۱۳۹۱

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۳۰۰۰

قیمت شومیز: ۴۰۰۰ تومان

قیمت گالینگور: ۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۱۶۴ - ۲۶ - ۷

قم-۴۵ متری عمار یاسر-پلاک ۹۰-ص پ ۶۴۴-۳۷۱۵۸ تلفن: ۷۷۱۳۷۷۳-۷۷۵۶۰۹۲ / دورنگار: ۷۷۱۳۷۷۴

کلیه حقوق محفوظ است.

ص: ۴

تصوير

ص: ٥

تقدیم به:

برگ سبزی است تحفه درویش

چه کند بینوا ندارد بیش

کجا شد امام مؤمل که زود

کند زنده قرآن پاک و حدود

پیشکش به محضر مبارک جان عالمیان، سرور شیعیان، عدالت گستر جهان و احیا کننده قرآن امام عصر حجه بن الحسن (عج)

ص: ۶

فهرست مطالب

مقدمه استاد انصاری بویراحمدی ۱۳

پیشگفتار / ۱۷

پیشگفتار ۱۹

۱. عدالت محوری ۲۱

۲. آزادی ۲۲

۳. مشارکت ۲۲

۴. حق محوری ۲۲

۵ - وحدت ۲۳

۶ - آرمان ۲۳

معتقدات اولیه نگارنده ۲۴

نظرات در مورد جامعه آرمانی ۲۴

فصل اول / ۲۹

هدف از ایجاد جامعه آرمانی از دیدگاه امام علی (ع)

هدف از ایجاد جامعه آرمانی از دیدگاه امام علی (ع) ۳۱

آثار تقوا: ۳۴

ص: ۷

ویژگی های جامعه آرمانی از دیدگاه امام علی (ع)

ویژگی های اصلی جامعه آرمانی از دیدگاه امام علی (ع) ۴۱

گفتار اول: عدالت محوری ۴۱

تعریف عدالت از دیدگاه امام علی (ع) ۴۲

۱. عدالت به معنای مساوات و تبعیض قائل نشدن میان مردم ۴۲

۲. عدالت به معنای رعایت حقوق ۴۳

۳. عدالت به معنای دادن حق افراد متناسب با شایستگی و تلاش ۴۳

الف) عدالت در نظام اقتصادی ۴۴

ب) عدالت در نظام سیاسی ۴۸

ج) عدالت در نظام قضایی ۵۴

گفتار دوم: حق محوری ۵۶

گفتار سوم: آزادی همراه با مسئولیت در برابر خدا ۶۵

انواع آزادی ۶۸

۱. آزادی انتخاب ۶۹

شروط انتخاب آزادی ۷۰

۲. آزادی بیان و عقیده ۷۲

با چه کسانی مشورت نکنید ۷۴

۱. بخیل: ۷۴

۲. ترسو: ۷۴

۳. حریص: ۷۴

۱ - ۲ - آزادی انتقاد ۷۶

۲ - ۲ - آزادی پیشنهاد ۷۷

مرزهای قانونی آزادی ۷۹

۱. رعایت مقررات شرعی ۷۹

۲. رعایت مصالح عمومی ۷۹

۳. رعایت حریم خصوصی مردم ۸۰

گفتار چهارم: وحدت حول محور الهی ۸۰

عوامل و محورهای وحدت از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) ۸۷

۱. خدا و پیامبر | ۸۷

۲. دین و مکتب ۸۸

۳. کتاب و قانون مدون الهی ۸۹

۴. امام و رهبر ۸۹

۵. انبوه های مردم ۹۰

۶. انسانیت ۹۰

اقسام وحدت در قرآن: ۹۱

۱. وحدت بشریت ۹۱

۲. وحدت ادیان الهی (توحیدی) ۹۱

۳. وحدت امت اسلامی ۹۲

گفتار پنجم: مشارکت فعال مردم ۹۵

۱. اهمیت حضور مردم در بیعت با رهبران ۹۶

۲. نظارت ۹۸

۳. نصیحت و بیان حقایق تلخ ۱۰۱

فصل سوم / ۱۰۵

راهبردهای رسیدن به جامعه آرمانی

گفتار اول: محور قرار دادن قرآن کریم ۱۰۷

گفتار دوم: محور قرار دادن سنت پیامبر اکرم | ۱۱۰

گفتار سوم: محور قرار دادن پیشوایان معصوم علیهم السلام برای هدایت و رهبری جامعه اسلامی در مسیر عمل به کتاب الهی و سیره پیامبر اسلام | ۱۱۲

گفتار چهارم: پیروی از عقل ۱۱۵

فصل چهارم / ۱۱۹

راهکارها و موانع رسیدن به جامعه آرمانی

الف - راهکارهای رسیدن به جامعه آرمانی ۱۲۱

گفتار اول: عرصه سیاست و حاکمیت ۱۲۱

برگزیدن مدیر شایسته و صاحب صلاحیت برای رسیدگی به تمام امور جامعه ۱۲۱

گفتار دوم: عرصه اقتصادی ۱۲۷

۱. مبارزه با تبعیض و بی عدالتی اقتصادی ۱۲۷

۲. عمران و آبادانی ۱۲۸

ص: ۱۰

۳. افزایش رفاه و درآمدهای مردم برای رفع نیازهای فردی و اجتماعی آنان ۱۲۹

۴. نظارت بر بازار و تنظیم آن ۱۳۰

۵. جمع آوری و تنظیم مالیات ۱۳۱

روش گرفتن مالیات در نامه ۲۵ نهج البلاغه ۱۳۲

۶. مساوات در تقسیم بیت المال ۱۳۳

گفتار سوم: عرصه حقوق عمومی ۱۳۵

۱. رعایت حقوق عمومی ۱۳۵

۲. تأمین اجتماعی ۱۳۵

۳. عدالت قضایی ۱۳۵

ویژگی های قاضی از نظر امیر المؤمنین علی (ع) ۱۳۶

آداب قضاوت در کلام امیر المؤمنین (ع) ۱۳۸

وظیفه دولت در برابر قاضی ۱۳۹

گفتار چهارم: عرصه فرهنگ و آموزش ۱۴۱

۱. تعلیم و تربیت و آشنایی مردم با معارف دینی ۱۴۱

۲. توجه به اوضاع زمان و تغییر و تحول نیازهای فرهنگی جامعه ۱۴۴

۳. محافظت از دین و فرهنگ الهی و مبارزه با بدعت ها و خرافات ۱۴۵

۴. تربیت و رشد اخلاق و فضایل اخلاقی در میان مردم ۱۴۶

گفتار پنجم: عرصه خانوادگی ۱۴۶

۱. ازدواج ۱۴۷

۲. تربیت فرزندان ۱۴۷

۳. حفظ و بقای خانواده ۱۴۸

گفتار ششم: امنیت اجتماعی ۱۴۹

ارتش و فرمانده نظامی ۱۵۰

ویژگی فرمانده سپاه و وظایف او از نظر حضرت امیرالمؤمنین (ع) ۱۵۱

الف) ویژگی های فرمانده ۱۵۱

ب) وظایف فرمانده ۱۵۱

ب - موانع جامعه آرمانی ۱۵۲

فهرست منابع و مؤاخذ ۱۵۵

الف) منابع اصلی ۱۵۵

ب) منابع پژوهشی ۱۵۹

ج) منابع نشریاتی ۱۶۰

ص: ۱۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال علی(ع): «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا- التَّمَّاسِ شَيْءٌ مِنْ فُضُولِ الْخَطَامِ وَلَكِنْ لِنَرِدَ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمُظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَتُقَامَ الْمُعْظَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ»(۱): خدایا تو می دانی که درگیری ما برای به دست آوردن قدرت، حکومت و ثروت دنیا نبود. بلکه می خواستیم، نشانه های حق و دین تو را به جایگاه خویش باز گردانیم. در سرزمین های تو اصلاح کنیم، تا بندگان ستم دیده ات در امن زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا گردد.

رسیدن به کمال مطلوب و به دست آوردن جامعه ی آرمانی، منتها آرزوی رهبران و مصلحان بزرگ بشری به ویژه دغدغه ی اصلی همه ی رهبران الهی در طول تاریخ بوده است. چنین جامعه ای در سایه ی عملی شدن فلسفه ی اخلاق والا و گسترش معارف متعالی اسلام ناب به دست می آید. البته معارفی که از سرچشمه ی پاک قرآن و سیره و سنت رسول الله | و اهل بیت پاکش به ما رسیده است.

ص: ۱۳

مهم ترین دست آورد در جامعه ی آرمانی، رشد و تعالی انسان ها، رسیدن به کمال مطلوب، ایده ال ها و سعادت دنیا و آخرت است.

برخی از شاخصه های جامعه آرمانی، عدالت گستری، هدایت، به پا داشتن سنت حسنه ی الهی و مبارزه با انحرافات و بدعت های باطل و جاهلی است.

امام علی (ع) می فرماید: «بدان که برترین بندگان خدا در پیشگاه او رهبر عادل است که خود هدایت شده و دیگران را هدایت می کند، سنت شناخته شده را برپا دارد و بدعت ناشناخته را بمیراند.»^(۱)

اما نقطه مقابل جامعه ی آرمانی، جامعه غیر آرمانی و حکومت طاغوت است.

دست آوردهای جامعه ی غیر آرمانی و طاغوتی دردآور و تأسف انگیز است. فراموشی احکام و دستورات دین، بی توجهی به ارزش های اسلامی، انجام محرمات، انجام کارها و اعمال زشت و گناه آلود، کفران نعمت های الهی، رخت بر بستن اخلاق نیکو و عواطف بشری، کم رنگ شدن نوع دوستی و احترام متقابل، رواج چاپلوسی و تملق، نفاق و دورویی، دروغ و نیرنگ، تعدی و تجاوز، رواج تعصبات جاهلی، فخر فروشی و غرور، هتاک و بی پروایی، حرص و طمع نامشروع سیاهکاری های رندانه، فریب و خدعه، فساد و فحشاء، ازدیاد آه و ناله و حسرت، بی حرمتی به جان و مال و ناموس مردم، ناامنی و ناهنجاری، دنیاطلبی، غفلت زدگی، تفرقه و استبداد، بی عدالتی، حاکم شدن زر و زور و تزویر و هزاران مفسده کوچک و بزرگ دیگر تنها بخشی از دست آوردهای جامعه ی غیر آرمانی و طاغوتی است.

در تحقیقات مربوط به جامعه ی آرمانی بررسی موضوعاتی چون هدف از ایجاد جامعه آرمانی، ویژگی های جامعه ی آرمانی اعم از عدالت، خدامحوری، حق محوری، آزادی، وحدت، مشارکت عمومی و... و همچنین بررسی راهبردهای رسیدن به جامعه ی آرمانی و شناخت راهکارها و موانع آن در عرصه های مختلف فردی و اجتماعی از ارزش و اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.

ص: ۱۴

در این تحقیق وزین، جامعه ی آرمانی از دیدگاه امیرالمؤمنین امام علی(ع) بررسی شده است، او که قرآن ناطق است و کلامش دل نشین و زبان بیانش متصل به منبع علم الاهی؛ دروازه ی شهر علم پیامبر | و خزانه دار علم خداوندی است.

پیامبر گرامی اسلام | فرمودند: «أَعْلَمُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ»^(۱): داناترین امت پس از من، علی بن ابی طالب است.

و به همین سبب که وجود مقدس حضرت علی(ع) اقیانوس بی کران علوم و معارف است، بررسی جامعه ی آرمانی از دیدگاه امام علی(ع) انتخاب گردیده است.

چنین انتخابی، بسیار آگاهانه، عالمانه، تأثیر گذار و منشأ برکات فراوانی است.

تبیین و تحقیق چنین موضوع با عظمتی، رسالت اندیشمندان متفکر و نخبه گان اهل قلم است. به همین سبب پژوهشگر ارجمند، سرکار خانم فاطمه کاظمی آرانی با دلایل روشن و براهین علمی و منطقی به تدوین چنین اثر ارزنده ای اقدام نموده اند. به حق ایشان نیز به زیبایی از عهده انجام این مهم برآمده و اثری قابل استفاده و متقن پدیده آورده است.

كثُرَ اللهُ امثالها، جزاها اللهُ عن الإسلام اجراً، ادام اللهُ ظلها ودامت افاضاتها والسَّلامُ عليكم وعلی جمیع اخواننا المؤمنین بولایه
علی بن ابی طالب(ع) فی اقطار العالم ورحمه اللهُ وبرکاته

مسئول مجمع جهانی شیعه شناسی

انصاری بویراحمدی

ص: ۱۵

۱- . طبری، محمد بن جریر، کتاب الولایه، ص ۴۹؛ قاضی نعمان، شرح الاخبار، ج ۱، ص ۱۲۶؛ دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۳۷۰۷ حدیث ۱۴۹۱؛ علامه خوارزمی، مقتل الحسین(ع)، ج ۱، ص ۷۵؛ علامه کشفی ترمذی، مناقب مرتضویه، ص ۸۱؛ علامه مناوی، کنوز الحقایق، ج ۱، ص ۳۳؛ علامه ذهبی، اخبار القضاة، ج ۱، ص ۸۸؛ علامه گنجی شافعی، کفایه الطالب، ص ۱۹۰؛ علامه اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۸۵۰؛ علامه امینی، الغدیر، ج ۳، ص ۹۶، چاپ بیروت؛ شیخ صدوق، امالی، ص

جامعه به مجموعه ای از افراد اطلاق می گردد که برای رسیدن به اهداف معین و مشخص در کنار یکدیگر جمع گردیده، دارای آداب و رسوم و سنت مشترک می باشند؛ حال برای اینکه این جامعه بتواند به اهداف خود دسترسی پیدا کند و استمرار یابد باید مبتنی بر ویژگی ها و ارزش های مشخص و معینی باشد؛ ویژگی هایی که از زمینه و بستر خاصی سرچشمه گرفته و در تمام ابعاد زندگی اجتماعی به مرحله اجرا درآید. از آنجا که جامعه ما، شیعی است سعی بر آن داریم که تمام ویژگی های جامعه مطلوب خود را از مبانی خاصی که ایشان معرفی نموده اند، گرفته و در تمام ابعاد زندگی اجتماعی اجرا کنیم تا بتوانیم به یک جامعه مطلوب و ایده آل که نشانی از ظلم و ستم در آن دیده نمی شود، داشته باشیم، اگر چه بسیاری بر این عقیده اند که طرح جامعه مطلوب کاری لغو و بیهوده است و جوامع را به حقیقت نخواهد رساند، در هر صورت منجر می شود که ضعف جامعه خود را روشن تر کنیم و برای اصلاح آن شوق و همت انسان ها را برانگیزیم.

علت انتخاب این موضوع را می توان چنین بیان کرد:

همواره نظریات و تعاریف متفاوت و گاه ضد و نقیضی را نظریه پردازان در باب ویژگی های یک جامعه برای رسیدن به کمال مطلوب و ایده آل بیان می کنند

که گاه خود این نظریات منجر به تسریع در هلاکت جامعه گردیده و از سوی دیگر فشار بیگانگان در خارج کشور و وجود نابسامانی‌ها و چنددستگی‌ها در داخل کشور ما را وا داشت که ویژگی‌های یک جامعه ایده آل را از زبان حضرت امیرالمؤمنین (ع) که در اداره جامعه در زمان خود یک نمونه به تمام معنا بود بیان کنیم و آن را الگو قرار دهیم تا نابسامانی‌ها و نواقص را در داخل کشور دفع نموده و منجر به همگونی و یکپارچگی افراد در داخل جامعه گردد تا بدین وسیله بتوانیم در مقابل عناصر بیگانه و اندیشه‌ها و نظریات آنان بایستیم و یک جامعه اسلامی را بیان کنیم که اندیشه و نظریات آنان از شیعیان گرفته شده است.

در باب جامعه آرمانی از دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین (ع) سخنان بسیار فراوانی بیان شده است، اما نه به صورت جامع؛ بلکه در باب هر کدام از ویژگی‌های جامعه آرمانی کتاب نوشته شده؛ مخصوصاً در مورد آزادی و عدالت حضرت امیرالمؤمنین (ع) البته لازم به ذکر است که این کتاب‌ها به صورت فارسی و عربی در داخل دیگر کشورهای مسلمان نیز دیده می‌شود از جمله این کتاب‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. دانشنامه امام علی (ع) که زیر نظر علی اکبر رشاد می‌باشد شامل یک مجموعه ۱۰ جلدی است که هر جلد آن مربوط به موضوع مشخص است که با توجه به موضوعات مشخص شده، مقالاتی بیان شده است. موضوعات آن شامل: حکمت و معرفت، مبدأ و معاد، تاریخ، سیاست، سیره نبوت و امامت، اقتصاد، اخلاق و سلوک و حقوق می‌باشد.

۲. دولت آفتاب نوشته ی مصطفی دلشاد تهرانی در مورد اندیشه سیاسی و

سیره حکومتی امام علی(ع) می باشد. این کتاب در ابتدا به مشکلات امیرالمؤمنین(ع) در عصر خلفا پرداخته و ضمن تعریف از دولت و بیعت به بررسی صفات و ویژگی ها و وظایف زمامداران می پردازد.

۳. مسائل جامعه شناسی از دیدگاه امام علی(ع) که نویسنده آن عضو هیأت تحریریه بنیاد نهج البلاغه است به بررسی مسایل جامعه شناسی اعم از «هستی شناسی جامعه، منشأ حیات اجتماعی، حیات و هلاکت جامعه، ویژگی های امور اجتماعی و قوانین اجتماعی و...» در ۱۲ بخش می پردازد.

در این کتاب به دنبال پاسخگویی به چند سؤال درباره ی این موضوع هستیم.

۱- ویژگی های جامعه آرمانی (ایده آل) از دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین(ع)

۲- هدف از ایجاد جامعه آرمانی حضرت امیرالمؤمنین(ع)

۳- راهبردهای حضرت امیرالمؤمنین(ع) برای رسیدن به جامعه آرمانی .

۴- راهکارهای حضرت امیرالمؤمنین(ع) برای رسیدن به جامعه آرمانی چیست؟

در این پیشگفتار به توضیح چند اصطلاح می پردازیم:

۱. عدالت محوری

این واژه بیشتر در دو مفهوم به کار برده شده است: الف) حق هر انسان را به او دادن. ب) تلافی خطا، خواه از طریق جبران زیان کسی که قربانی خطای دیگری شده است و خواه از طریق مجازات خطا کننده.^(۱)

ص: ۲۱

۱- جولیوس گولد، ویلیام - کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، مجموعه ای از نویسندگان، چاپ اول، تهران: انتشارات مازیار، ۱۳۷۶، ص ۵۸۰.

۲. آزادی

مراد از آزادی از دیدگاه جان استوارت میل در کلی ترین معنی، حالت فراغت و رهایی و اختیار، بی قید و بندی، و خلاصی است؛ منقاد کسی نبودن، گرفتار و در بند نبودن، و باری بر دوش نداشتن است.

از دیدگاه فاشیست ها، آزادی وجود زمینه یا فرصت هایی است که برای رشد استعدادهای آدمی ضرورت دارد. هابز معتقد بود که آزاده کسی را گویند که در دست یازیدن به کارهایی که توانایی و فهم انجام دادن آن ها را دارد، چیزی مانعش نباشد تا کاری بکند که می خواهد بکند. (۱)

۳. مشارکت

مشارکت در دو معنا به کار برده می شود.

۱. مشارکت به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت کردن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت). مشارکت در معنای نخست از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می دهد و در معنای دوم شرکتی فعالانه در گروه را می رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد. (۲)

۴. حق محوری

حق محوری دارای معانی زیادی است ولی در این تحقیق به معنای آنچه راست و درست و سزاوار و بایسته است اطلاق می شود.

ص: ۲۲

۱- همان، ص ۷.

۲- آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، دکتر باقر ساروخانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۵، ص ۲۵۷.

گروهی از افراد را گویند که برای رسیدن به هدفی خاص (سعادت و کمال) حول محور خاصی تجمع و توافق می نمایند.

۶- آرمان

آرمان به معنای مطلق، چیزی است که عقل و عاطفه را کاملاً ارضاء می نماید، و بر عقل و عاطفه، از آن جهت که فعالیت و حرکت آن دو این کمال بالقوه را تعیین می بخشد و موجب تعریف مقدماتی آن می شود، اطلاق می گردد. سیای می گوید:

«آرمان از آن نظر که در قوانین زنده فکر تجلی می کند، همان فکر است که در مرحله قوه است نه به صورت فعلیت، این بدان معناست که آرمان بر صورتی کامل دلالت دارد که به طور نهایی تحقق نمی یابد و آن حد و مرز نهایی است که به طرف آن حرکت می کنیم بدون آنکه بدان دست یابیم، و وجود آن شبیه وجود یک موضوع ثابت خارجی نیست، بلکه به وجود گرایش های نامعین شباهت دارد. آرمان به معنای خاص یا نسبی، عبارت است از نمونه ای که ما آن را تصور می نماییم و تا و بود پاره ای از قضایا و مسایل فکری و عملی خویش را بر نورد آن می بافیم».^(۱)

ص: ۲۳

۱- دکتر جمیل صلیبا، واژه نامه فلسفه و علوم اجتماعی، کاظم بزرگ بینی، صادق سجادی، چاپ اول تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۰، ص ۲ - ۱.

معتقدات اولیه نگارنده

۱. خالق عالم و آدم راه های رسیدن به جامعه مطلوب انسانی و ایمانی را از طریق وحی نشان داده است.
۲. اولیای خداوند ترسیم گران جامعه مطلوب بر اساس آیات حق هستند.
۳. جامعه مطلوب جامعه ای است که با توجه به واقعیت های موجود و الگوهای قابل اجرا، طراحی شده باشد.
۴. منشورهای جامعه مطلوب علاوه بر منطقی بودن و عملی بودن، دوست داشتنی و نزدیک باشد.
۵. منشور حکومتی و الگوی باوری و رفتاری حضرت امیرالمؤمنین(ع) کامل ترین و درست ترین و نزدیک ترین راه برای رسیدن به جامعه آرمانی است.

نظرات در مورد جامعه آرمانی

از دیدگاه اوژن فورنیه جامعه آرمانی، جامعه ای است که افزایش خودآگاهی بشر او را قادر سازد تا سرنوشت خویش را به دست خود تعیین کند و شرایط اقتصادی، مکانیکی و غیر اخلاقی جهان کنونی را از میان بردارد و شرایطی جانشین کند که عقل و آزادی بر آن فرمان براند.^(۱)

در جامعه آرمانی مبانی و اهداف و ساز و کارها بگونه ای ساخته می شود که انسان را به کمال نزدیک گرداند.

ص: ۲۴

تامس مور جامعه آرمانی را جامعه ای می داند که در آن تقسیم کار میان افراد، تولید کالای انبوه و حق مداری وجود داشته باشد. ایشان مخالف با وجود مالکیت خصوصی، طمع خواری و خودپسندی، تنبلی، روسپیگری، طلاق و جنگ و خونریزی در جامعه می باشد. از نظر تامس مور نیکخواهی پایه دوستی را استوارتر می کند تا عهد و پیمان. جامعه آرمانی تامس مور دارای یکسری قوانین ساده

بوده که همه باید از آن اطاعت کنند. (۱)

سقراط معتقد است که در یک جامعه آرمانی شایسته ترین افراد برای زمامداری، سالخوردگان و فلاسفه می باشند. ایشان محسنات اصلی جامعه بشری را در داشتن شجاعت (مختص به مردان جنگی یا معاونان و بازرگانان)، حکمت (مختص به طبقه نگاهبانان و زمامداران)، خویشتن داری، یا فرو نشانیدن خواهش های نفسانی و عدالت می داند. سقراط مخالف با مالکیت خصوصی، ابزار شهوت آور و موافق با وجود تعلیم و تربیت و وحدت میان افراد جامعه می باشد. (۲)

ارسطو معتقد به برابری افراد و کسب مناصبات و افتخارات برابر بر حسب لیاقت آنان، و وجود صمیمیت و مهربانی میان افراد جامعه آرمانی می باشد. ایشان معتقد است که

فرمانده و رهبر یک مملکت باید خردمند و دلیر باشد. ایشان پیشوایان دین را شهروندان و عناصر اصلی جامعه را قانونگذاران و جنگجویان

ص: ۲۵

۱- تامس مور، آرمانشهر یوتوپیا، داریوش آشوری، چاپ دوم، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۲، صص ۱۱۴ - ۷۴.

۲- افلاطون، جمهوریت، فؤاد روحانی، چاپ چهارم، تهران: معرفت، ۱۳۶۰، صص ۳۴۰ - ۱۴۵.

دانسته، ارسطو معتقد است که فردی به فرمانداری باید برانگیخته شود که دارای فضیلت باشد و فرمانبرداری آموخته باشد و تمام افراد جامعه آرمانی باید دادگر و از حقوق همسان برخوردار باشند. ارسطو برترین فضیلت را قدرت دانسته است؛ زیرا انسان به یاری آن بر اجرای بخش اعظم کارها توانا می شود. (۱)

جامعه ی فاضله فارابی برخوردار از همبستگی اجتماعی بوده و با توجه به تفاوت استعدادهای فطری و مهارت ها، صناعت خاصی به افراد واگذار شده است. (۲) نظام جامعه از رئیس اول که خادم و مرئوس هیچ کس نیست شروع شده و دارای نقش اول بوده و تدبیر امور، مطابق دریافت رئیس مدینه از سعادت صورت می گیرد. رئیس مدینه فاضله باید فیلسوف، مرتبط با وحی و دارای مهارت و شناخت کافی تجربی بوده و دارای صفاتی از جمله دوستدار راستگویی و راستگویان و دشمن دروغگویی و دروغگویان، دوستدار عدالت و عدالت خواهان، دوستدار تعلیم و تربیت، خوش بیان، خوش فهم، باهوش، خوار و ناچیز شمردن مال و جاه، حریص نبودن در خوردن و آشامیدن، دوستدار تعلیم و تربیت، قاطع و جسور بودن و سست اراده نبودن، باشد. اگر فردی با شرایط رئیس اول در جامعه نباشد گروهی که دارای یکی از شرایط و با یکدیگر هماهنگ باشند، جانشین رئیس اول می شوند. و در صورتی که آن نیز در جامعه وجود نداشته باشد کسی رئیس می شود که فیلسوف، عالم و نگهبان شرایع و

ص: ۲۶

۱- ارسطو، سیاست ارسطو، دکتر حمید عنایت، چاپ سوم، تهران: ۱۳۷۱، خلاصه صص ۳۲۰ - ۹۰.

۲- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۸، صص ۴۵ - ۳۰.

سنت‌ها و دارای قدرت استنباط نسبت به حکم و پدیده‌های اجتماعی باشد و آشنا به متون نظامی و فرمانبرداری باشد. وظایف رئیس عبارتست از: ۱- حفظ تعادل اخلاقی جامعه و جلوگیری از انحرافات، ۲- تدبیر و سازماندهی جامعه (سیاست) و حفظ وحدت جامعه ۳- هدایت یا مجازات کجروها ۴- هدایت و ارشاد انسانها در شناخت سعادت. (۱)

خواجه نصیرالدین طوسی ویژگی جامعه آرمانی را تعاون و همکاری مبتنی بر مساوات و عدالت در میان افراد جامعه دانسته و ایجاد نظم و همبستگی را از راه تقسیم کار و محبت میسر می‌داند. ایشان تحقق عدالت در مدینه فاضله را بسته به آن می‌داند که هر کس بر حسب شایستگی در پایگاه راستین خود قرار گیرد و به کاری پردازد که با سرشت و استعداد او سازگار است و رئیس مدینه فاضله باید دارای صفاتی از جمله خردمندی، شجاعت، استعداد و قدرت مجاب‌کنندگی باشد. (۲)

آنچه گذشت نظرات اندیشمندان بشری است؛ امّا جامعه آرمانی موضوع بحث ما که ضامن تداوم سعادت بشر در دنیا و آخرت و در بردارنده حیات معنوی و روحی از دیدگاه امام علی (ع) است، جامعه‌ای است که برای رسیدن به سعادت کامل خود و تداوم باید مبتنی بر حق محوری، عدالت، آزادی توأم با مسئولیت در برابر خدا، وحدت حول محور الهی و مشارکت مردم در تمام امور جامعه باشد و تمام نهادهای آن وظایف خود را به خوبی انجام دهند و به قرآن،

ص: ۲۷

۱- محمدبن محمد فارابی، آراء اهل مدینه فاضله، جعفر سجادی، چاپ اول، تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۶۱، صص ۲۲۵ - ۲۲۲.

۲- حجت الاسلام اصیل، آرمانشهر در اندیشه ایرانی، چاپ اول، تهران: نشر نی، ۱۳۷۱، صص ۱۲۰ - ۱۱۹.

سنت پیامبر|، و ائمه معصومین(ع) تمسک جویند و از آموزه های آن برای رسیدن به راه رستگاری سود جویند. در فصول آینده به طور تفصیلی به این مبحث می پردازیم.

کتاب شامل یک پیشگفتار، چهار فصل و نتیجه گیری است.

فصل اول با عنوان «هدف از ایجاد جامعه آرمانی از دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین(ع)» می باشد.

فصل دوم در مورد «ویژگی های جامعه آرمانی از دیدگاه امام علی(ع)» است که شامل پنج گفتار عدالت محوری، حق محوری، آزادی توأم با مسئولیت در برابر خدا، وحدت حول محور الهی، و مشارکت مردمی می باشد.

فصل سوم در مورد راهبردهای رسیدن به جامعه آرمانی است که به چهار گفتار، محور قرار دادن قرآن کریم، سنت و سیره پیامبر اکرم| سنت و سیره ائمه اطهار و محور قرار دادن عقل تقسیم می شود.

فصل چهارم در مورد «راهکارها و موانع رسیدن به جامعه آرمانی» است که شامل شش گفتار در عرصه سیاست و حاکمیت، عرصه اقتصاد، عرصه حقوق عمومی، عرصه فرهنگ و آموزش، عرصه خانوادگی، عرصه امنیت اجتماعی و موانع رسیدن به جامعه آرمانی می باشد.

و در آخر نیز به نتیجه گیری می پردازیم.

فصل اول: هدف از ایجاد جامعه آرمانی از دیدگاه امام علی (ع)

اشاره

ص: ۲۹

هدف از ایجاد جامعه آرمانی از دیدگاه امام علی (ع)

امروزه بشر با دست یافتن به علم و دانش توانسته است مسائل اجتماعی را که در اطراف او به وقوع می پیوندد، مورد تفکر و کاوش قرار دهد. یکی از این مسائل که سالیان دراز ذهن بشر را به خود مشغول کرده است، علل شکست یک تمدن بزرگ به دست یک تمدن کوچک است.

بعد از تحلیل و بررسی می توان گفت، یکی از علل اصلی پیروزی آنان استواری در عقیده و ایمان به هدف بوده است.

جامعه ما یک جامعه اسلامی و شیعی است که تعهدات و ایمان و آرمان مسلمانان درون این جامعه، در طلب کمال و سعادت و راهیابی به سوی هر چه که برایشان کمال آور و سعادت آوراست، خلاصه می شود.

کمالی که در جامعه اسلامی هدف و خواست آرمانی همگان است، کمال محدود و موهوم و اهداف میانی و در چارچوب خودخواهی و خودپرستی و شخص پرستی و سودجویی های فردی نیست، چه این نوع کمال جویی، به جای آنکه موجب وحدت و همبستگی گردد، نیرومندترین عامل تفرقه و جبهه گیری و جنگ و جدال افراد و گروه ها می گردد. آرمان ها و مقصدها و اهداف در جامعه و ملت های مسلمان، در یک مسیر و راه به سوی کمال و کمال جویی همگانی کشانده

می شود و هدف و آرمان نهایی از کمالات و کمال جویی ها جز خدا، چیز دیگری نمی تواند باشد. آری همه از اوست و به سوی او برمیگردد؛ {إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ}.

امام علی(ع) می فرماید:

بار خدایا! ستایش نیک و بی شمار، تنها تو را سزد، هر گاه تو را آرزو کنند بهترین آرمانی و آن جا که امیدها به تو پیوندد گرامی ترین نقطه امید باشی. (۱)

سعادت‌مندی و استکمال حقیقی انسان ها جز با خداشناسی، خداپرستی، اطاعت کامل و دقیق از اوامر الهی، کسب رضای خدای متعال و تقرب به درگاه او حاصل شدنی نیست.

پس هدف از آفرینش انسان و غرض از امور و شئون انسانی و اجتماعی زندگی انسان ها، خداپرستی و خداشناسی و ارتباط با خداوند است که این غرض و هدف باید حفظ شود و همه اهداف جامعه به سوی رسیدن به این هدف و غرض سوق داده شود. انسان در صورتی می تواند به این هدف والا دسترسی پیدا کند که در سایه تقوای الهی به رفع نیازهای خود (مادی و معنوی و اجتماعی و فردی...) پردازد.

امام علی(ع) می فرماید:

ای بندگان خدا! من شما را به تقوای الهی توصیه می کنم که راه انسان را

ص: ۳۲

۱- خورشید بی غروب نهج البلاغه، عبدالمجید معادیخواه، چاپ اول، تهران: نشر ذره، ۱۳۷۳، خطبه ۹۰، ص ۱۰۲. - اللهم أنت أهل الوصف الجمیل والتعداد الكثير. إن تؤمل فخير مؤمل وإن ترج فأكرم مرجو. (نهج البلاغه، محمد دشتی، خطبه ۹۱، مناجات توحیدیه) (محقق)

هم توشه است و هم دژ! توشه ای رسا و دژی کارساز! پرطنین ترین دعوت گر به سویش فرا خوانده است و پذیرای این دعوت، بهترین قلبهاست، چنین است که دعوت گرش، پیام خویش را در گوش ها فرو می خواند و شنونده ی این پیام به کامیابی می رسد. (۱)

تقوا عبارت است از تعهد درونی به عقیده اسلامی که از فهم و ادراک کامل سرچشمه گرفته و همچنین، سرکوب شهوت ها از رهگذر اراده ای نیرومند و با صلابت و آگاهی کافی ماست و تنها عمل نیست؛ بلکه عملی است که در پشتوانه آن، تعهد و التزام و تحمل مسئولیت نهفته است؛ تقوا تعهدی است که ازایمان به خداوند متعال و روز واپسین، نشأت گرفته باشد.

حضرت علی (ع) می فرماید:

«إن لأهل الدين علامات يعرفون بها : صدق الحديث وأداء الأمانة ووفاء بالعهد وصله الأرحام ورحمة الضعفاء وقله المراقبه للنساء - أو قال : قله المواتاه للنساء وبذل المعروف وحسن الخلق وسعه الخلق واتباع العلم وما يقرب إلى الله عز وجل زلفى، طوبى لهم وحسن مآب»

برای اهل تقوا، نشانه هایی است که بدان شناخته می شود: راستگویی در سخن، ادای امانت، وفاداری به پیمان ها،

ص: ۳۳

۱- همان، خطبه ۱۱۳، ص ۱۳۱. - أوصيكم عباد الله بتقوى الله التي هي الزاد وبها المعاد : زاد مبلغ ومعاد منجح. دعا إليها أسمع داع واع. فأسمع داعيها وفاز واعيها. (نهج البلاغه، محمد دشتی، خطبه ۱۱۴). (محقق)

نداشتن بخل، صله رحم، ارتباط با خویشاوندان، ترحم و شفقت بر ناتوانان و ضعیفان، کمی اختلاط و نزدیکی با زنان، بذل خیر و نیکی، اخلاق خوش، بردباری زیاد و پیروی از عملی که انسان را به خداوند نزدیک می سازد. پس خوش به حال آنان و چه عاقبت نیکی دارند. (۱)

با توجه به تعریف تقوا و ویژگی های آن ملاحظه می شود که امام علی (ع) در بیشتر خطبه ها و نامه های خود مردم را به آن دعوت می کنند.

آثار تقوا:

۱. تقوا پایه و محوری است که مسلمانان برای دستیابی به آن از یکدیگر سبقت می جویند. این موضوع، جامعه را در حالت جست و جوی ترقی و پیشرفت نگه می دارد و بدین ترتیب جوامع بشری به پیشرفت و ترقی دست می یابند.

۲. تقوا رهبر حقیقی جامعه اسلامی است. (۲)

امام علی (ع) می فرماید:

«بار خدایا! تو نیک می دانی که جنگ و درگیری ما را در کشمکش قدرت و فزون خواهی ثروت انگیزه نبود، که هر آن چه بود، جز برای بازگردان نشانه هایی از دین تو و اصلاح

ص: ۳۴

-
- ۱- سید محمد، تقی مدرسی، اهداف و آرمان های جامعه اسلامی، چاپ اول، تهران: انتشارات امیر، پاییز ۱۳۶۹، ص ۵۸ -
این روایت در کتاب ها حدیثی با تعابیر مشابه ذکر شده است. (کافی، شیخ کلینی، ج ۶، ص ۶۳۹ و ...) (محقق)
۲- همان، ص ۵۹.

سرزمین های تو نبود تا بندگان ستمدیده ات امنیت یابند و حدود به تعطیل کشیده ات، به اجرا درآیند» (۱).

از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع)، حکومت باید مقید به ارزش های اسلامی و احکام دینی باشد و هدف از اجرای آن ارتقای معنوی انسان ها باشد.

از سخنان حضرت امیرالمؤمنین (ع) می فهمیم که توزیع عادلانه امکانات مادی، عدالت اجتماعی و جلوگیری از ظلم و ستم و تبعیض، آرمان نهایی دولت اسلامی به حساب نمی آید.

مبنای روشن این تحلیل آن است که دنیا جایگاه اصلی انسان نیست تا تلاش او بدان محدود شود. بر این اساس هر سیاستی که به آبادانی و بهبودی معیشتی دنیوی بینجامد اما به ارزش های معنوی صدمه وارد کند، از نگاه حضرت مردود است. البته چنانچه این جدایی صورت گیرد و وسائل معنوی قربانی مادیت شود باز هم مصالح دنیوی با شکست مواجه خواهد شد و حتی دنیاطلبان هم به رفاه مطلوب خود نخواهند رسید؛ زیرا حذف گرایش معنوی، خسارات دنیوی فراوانی را بر جای می گذارد و زندگی اجتماعی را با بحران های جدید روبه رو می کند.

اسلام بر وجوب نماز و دادن زکات و خمس و اهمیت راستگویی و وفاداری و ضرورت صلاح و خیرخواهی تأکید کرده است؛ زیرا این عوامل باعث

ص: ۳۵

۱- عبدالمجید معادیخواه، پیشین، خطبه ۱۳۱، ص ۱۴۹. - اللهم إنك تعلم أنه لم يكن الذي كان منا منافسه في سلطان ولا التماس شيء من فضول الحطام، ولكن لئلا نرد المعالم من دينك، ونظهر الإصلاح في بلادك. فيأمن المظلومون من عبادك، وتقام المعطلة من حدودك. (محقق)

به هم پیوستگی مستحکم در درون جامعه از طریق مشروعیت بخشیدن به کیان و موجودیت اجتماعی می شود. (۱)

امام (ع) در فرمان تعیین محمد بن ابی بکر به زمامداری مصر می فرماید:

«بندگان خدا! بدانید، پرهیزگاران نقد دنیا و آینده ی آخرت را یک جا بردند؛ با دنیاداران در دنیایشان شرکت جستند، بی آن که اهل دنیا در آخرت آنان شرکت جویند؛ از خانه و خوراک دنیا چنان بهره بردند که بهترین است از همانی که رفاه زدگان بهره برند، بهره مندانه و به دستاوردهایی همانند دستاورد خود کامگان مستکبر، دست یابند؛ سپس با توشه ای رساننده و کالایی پرسود از این جهان رخت بر بندند. لذت زهد دنیا را - در همین جهان - می چشند و به یقین بر این باورند که فردا - در حیات آخرت - با خدا همسایه اند؛ هر دعایی که کنند پذیرفته باشد و سهمشان از هیچ لذتی کم و کاستی ندارد.» (۲)

این حدیث، فلسفه مهمی را در حیات اسلامی تبیین می نماید و آن این است که

ص: ۳۶

۱- محمد سرور، اهداف و آرمان های حکومت امام علی (ع)، ص ۶۴، دانشنامه امام علی (ع)، چاپ اول، علی اکبر رشاد، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.

۲- عبدالمجید معادینخواه، پیشین، نامه ۲۷، ص ۳۱۵. - واعلموا عباد الله أن المتقين ذهبوا بعاجل الدنيا وأجل الآخرة فشاركوا أهل الدنيا في دنياهم، ولم يشاركهم أهل الدنيا في آخرتهم. سكنوا الدنيا بأفضل ما سكنت، وأكلوها بأفضل ما أكلت، فحظوا من الدنيا بما حظى به المترفون وأخذوا منها ما أخذه الجبابرة المتكبرون. ثم انقلبوا عنها بالزاد المبلغ والمتجر الرابع. أصابوا لذة زهد الدنيا في دنياهم، وتيقنوا أنهم جيران الله غدا في آخرتهم. لا ترد لهم دعوة، ولا ينقص لهم نصيب من لذة. (محقق)

مسلمانان نباید تنها به آخرت بیندیشند و به دنیا و مسائل آن پشت پا زنند. جامعه اسلامی، جامعه قدرت و سلطه و ثروت و پیشرفت در کلیه زمینه های علمی و فنی است؛ این جامعه در حرکت خود، تمدن جامع الاطراف و کاملی را پی ریزی می کند امّا در این روند، جامعه اسلامی بر مبنای اصول و مبادی مشخص با مسائل زندگی و سایر جوامع برخورد می کند که این اصول بر پایه حلال و حرامی که شریعت اسلامی آن را وضع کرده و نیز بر پایه ارزش ها و اخلاق فاضله، استوار است. (۱)

اهدافی که حضرت امیرالمؤمنین (ع) از ایجاد جامعه آرمانی خود در درون جامعه دارند؛ همان اهدافی است که حضرت مهدی (عج) در هنگام ظهور خود در تمام جهان به مرحله اجرا درمی آورد:

۱. تحقق بخشیدن به رستگاری بشر و نه رستگاری فرد یا ملّتی خاص؛

۲. گسترش خداپرستی و اعتلای حق و عدالت؛

۳. رسیدن به کمال از طریق احساس وابستگی به قدرت بی نهایت؛

۴. عبادت کردن بهتر خدا تا بدین ترتیب زمینه تکامل همه جانبه فراهم شود. (۲)

ص: ۳۷

۱- سید محمدتقی مدرسی، پیشین، ص ۲۳.

۲- دکتر علی رضا قائمی، قیام مهدی از دیدگاه جامعه شناسی، نهضت ها، قم: انتشارات هجرت، صص ۹۴ - ۹۰.

فصل دوم: ویژگی های جامعه آرمانی از دیدگاه امام علی (ع)

اشاره

ص: ۳۹

اشاره

ویژگی های اصلی جامعه آرمانی از دیدگاه امام علی × شامل:

عدالت محوری، حق محوری، آزادی توأم با مسئولیت در برابر خدا، وحدت حول محور الهی، و مشارکت فعال مردم می باشد.

موارد فوق ویژگی های اصلی «انسان متعالی» و «جامعه متعالی» است و رشد و کمال انسان ها در گرو حرکت به سوی آنهاست. حال به بررسی یکایک مؤلفه های بیان شده از دیدگاه امام علی(ع) می پردازیم.

گفتار اول: عدالت محوری

اشاره

از نظر امام علی(ع) اصلی که می تواند تعادل اجتماعی را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد و به پیکر اجتماع سلامت و به روح اجتماع آرامش دهد، عدالت است. ظلم و جور و تبعیض قادر نیست حتی روح خود ستمگر و روح آن کس را که به نفع او ستمگری می شود، راضی نگه دارد تا چه رسد به ستمدیدگان و پایمال شدگان.^(۱)

در صورت حاکمیت و اجرای عدالت، امنیت در درون جامعه برقرار می شود و مردم از امکانات برابر استفاده می کنند؛ یعنی از نظر حقوقی با هم برابر می شوند

ص: ۴۱

و هر کس در مقابل وظیفه ای که دارد احساس مسئولیت میکند و آن را به بهترین شکل انجام می دهد.

حضرت امیرالمؤمنین(ع) در نامه ای که به مالک اشتر می نویسد، می فرماید:

«دوست داشتنی ترین چیزها در نزد تو در حق میانه ترین، و در عمل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده ترین باشد»

در نگاه امام، عدالت قانون عامی است که در همه حالات باید بدان اقتدا کرد. حضرت به این قانون عام در حدی بالاتر از ملاک های بشری توجه دارند و آن را میزان خداوندی برمی شمارند.

تعریف عدالت از دیدگاه امام علی(ع)

اشاره

از کلام حضرت امیرالمؤمنین(ع) سه معنا از عدالت به دست می آید:

۱. عدالت به معنای مساوات و تبعیض قائل نشدن میان مردم

حضرت امیرالمؤمنین(ع) در نامه ای به محمد بن ابی بکر می فرماید:

«در برابر مردم فروتن باش و با آنان نرم خویی و انعطاف پذیری پیشه کن، در برخورد با آنان گشاده رو باش و مساوات را - حتی در سطح نگاه و اشاره های تعارف آمیز - پاس دار، تا زورمندان در ظلم تو طمع نبندند و ناتوانان از عدالتت نومید نشوند».(۱)

ص: ۴۲

۱- عبد المجید معادیخواه، خورشید بی غروب نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: نشر ذره، ۱۳۷۳، نامه ۲۷، ص ۳۱۵ - فاخفص لهم جناحک، وألن لهم جانبک، وابسط لهم وجهک، وآس بینهم فی اللحظة والنظره حتی لا یطمع العظماء فی حیفک لهم ولا یأس الضعفاء من عدلک بهم. (محقق)

۲. عدالت به معنای رعایت حقوق

در بعضی از بیان امیرالمؤمنین × که واژه عدل آمده، معنای حقوق را می توان فهمید:

«پس چون رعیت حق والی را بگذارد و والی حق رعیت را به جای آرد، حق میان آنان بزرگ مقدار و راه های دین پدیدار و نشانه های عدالت پابرجا و سنت چنانکه باید اجرا، پس کار زمانه آراسته گردد و طمع و پایداری دولت پیوسته و چشم آزر دشمنان بسته و اگر رعیت بر والی چیره شود یا والی بر رعیت ستم کند، اختلاف کلمه پدیدار می گردد و نشانه های جور آشکار و تبه کار در دین بسیار.» (۱)

۳. عدالت به معنای دادن حق افراد متناسب با شایستگی و تلاش

اشاره

«رنج و تلاش هر کسی را عادلانه ارج بده و به دیگری نسبت مده و در شناخت و بها دادن بدان کوتاهی مکن هرگز مباد که شرافت و شخصیت کسی وادارت کند تا کار و رنج کوچکش را بزرگ شماری یا کار بزرگ و تلاش گمنامی را کوچک بینی.» (۲)

ص: ۴۳

۱- همان، خطبه ۲۰۷، ص ۲۴۵ - فإذا أدت الرعية إلى الوالی حقه، وأدى الوالی إليها حقها، عز الحق بينهم، وقامت، مناهج الدين، واعتدلت معالم العدل، وجرت على أذلالها السنن فصلح بذلك الزمان، وطمع في بقاء الدولة، ويئت مطامع الأعداء. وإذا غلبت الرعية واليها، وأجحف الوالی برعيته اختلفت هنالك الكلمه. وظهرت معالم الجور. وكثر الأذغال في الدين. (نهج البلاغه، محمد دشتی، خطبه ۲۱۶، ص ۴۴۳). (محقق)

۲- همان، نامه ۵۳، ص ۳۵۷ - ثم اعرف لكل امرئ منهم ما أبلي، ولا- تضمن بلاء امرئ إلى غيره، ولا تقصرن به دون غاية بلائه. ولا يدعونك شرف امرئ إلى أن تعظم من بلائه ما كان صغيرا، ولا ضعه امرئ إلى أن تستصغر من بلائه ما كان عظيما. (محقق)

عدالت را از نظر امیرالمؤمنین (ع) به دو قسم فردی و اجتماعی می توان تقسیم کرد و چون عدالت فردی موضوع بحث ما نیست از آن چشم پوشی کرده، به عدالت اجتماعی می پردازیم. عدالت اجتماعی به سه قسم عدالت سیاسی، عدالت اقتصادی و عدالت قضایی تقسیم می شود.

الف) عدالت در نظام اقتصادی

عدالت در نظام اقتصادی مربوط به روابط افراد جامعه با امور اقتصادی همچون کار، دستمزد و شغل است. حق برخورداری از دستاوردهای شخصی، استحقاق های مساوی در برخورداری از منابع ملی و به ویژه برخورداری از بیت المال از مصادیق عدالت اقتصادی است.

امام علی (ع) وجود عدالت در روابط اقتصادی را بسیار مهم می داند حتی آنجا که با وجود عدالت، میزان کارایی و بازده کم باشد، اجحاف در قیمت ها را برای فروشنده و خریدار نفی فرموده و آن را خلاف عدالت می داند چنانچه در یک معامله اقتصادی با وجود رعایت عدالت، میزان کارایی پایین بیاید باز عدالت را مقدم بر کارایی دانسته است.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) مخالف با احتکار و قیمت های اجحاف آمیز است. به مالک اشتر می فرماید:

«اینک سفارش مرا در مورد بازرگانان و صنعت گران در هر رشته بپذیر و خود نیز در موردشان به نیکی سفارش کن... با این همه بدان که در بسیاری شان تنگ چشمی آشکار، بخل زننده، احتکار کالاهای سودآور و زورگویی و داد و ستد دیده

می شود که این به زیان بیشتر مردم و لکه ی ننگی بر دامان زمامداران باشد. پس احتکار را راه بیند که رسول خدا از آن جلوگیری می کرد. باید خرید و فروش به سادگی و با موازین دادگری انجام گیرد؛ با نرخ هایی که به فروشنده و خریدار فشاری وارد نیاید. پس هر که پس از اخطار و

نهی تو، باز هم احتکار کرد، با دوری گزیدن از تندروی، چنان کیفرش ده که عبرت دیگران شود»^(۱).

برای اینکه عدالت اقتصادی در جامعه برقرار گردد باید تمام افراد از حق حیات و حق معاش سهمی برابر داشته باشند. البته دولت نیز در امر اقتصاد بازارها نظارت کند و مردم را به اجرای عدالت در درون جامعه سفارش کند تا مردم به اختیار خود و نه از روی جبر و اجبار عدالت را در جامعه برقرار کنند. پس شرایط عدالت اقتصادی را در قوانین عادلانه و مجریان عادل و عدالت گستر و ضمانت اجرایی می توان دانست.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) مخالف قرار گرفتن ثروت در دست یک عده خاص بود. او معتقد بود که ثروت باید به طور مساوی میان افراد تقسیم گردد؛ زیرا تمرکز ثروت باعث ایجاد شکاف طبقاتی می گردد.

ص: ۴۵

۱- همان، نامه ۵۳، صص ۳۶۱ - ۳۶۰. - ثم استوص بالتجار وذوی الصناعات، وأوص بهم خیرا ... مع ذلك - أن فی كثير منهم ضیقا فاحشا، وشحا قبیحا، واحتکارا للمنافع، وتحكما فی البیاعات، وذلك باب مضره للعامة، وعیب علی الولاة، فامنع من الاحتکار، فإن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم منع منه. ولیکن البیع بیعا سمحا بموازین عدل، وأسعار لا تجحف بالفریقین من البائع والمبتاع، فمن قارف حکره بعد نهیک إیاه فنکل به، وعاقبه من غیر إسراف. (محقق)

«روزی که قرآن بر پیامبر | فرود آمد، دارایی مسلمانان با ۴ عنوان تقسیم پذیر بود؛ دارایی شخصی مسلمانان که بر حسب قوانین ارث میان وارثان تقسیم می شد، دست آورد مادی بعثت که بر تقسیم آن میان مستحقان، حکم صادر می شد؛ خمس که خدایش در جایگاهی مشخص قرار داد و صدقات که حکم الهی آن نیز روشن بود»^(۱).

چنانکه از این خطبه می توان فهمید امام(ع) سفارش می کردند تا دارایی و ثروت به طور مساوی در میان افراد تقسیم گردد. امام(ع) برای ایجاد توازن اقتصادی، مالیات و هر آنچه در درون خزانه بود را به طور مساوی بین مردم تقسیم می نمود تا آنجا که عقیل را که از شدت تهی دستی پیش او آمده بود و گندم بیشتری از خزانه می خواست، آهنی را که در آتش گذاشته بود به بدن او نزدیک کرد؛ عقیل از شدت حرارت آتش فریادی برآورد. امام به او فرمودند:

«ای عقیل! از حرارت آهنی می نالی که انسان به بازیچه آن را گرم ساخته است؛ اما مرا به آتش دوزخی می خوانی که خدای جبارش با خشم خود آن را گذاشته است»

و از دادن گندم اضافه خودداری کرد.^(۲)

ص: ۴۶

۱- همان، حکمت ۲۷۱، ص ۴۶۳. - إن هذا القرآن أنزل على محمد صلى الله عليه وسلم، والأموال أربعة: أموال المسلمين، فقسّمها بين الورثة في الفرائض، والفقير فقسّمه على مستحقّيه، والخمس فوضعه الله حيث وضعه، والصدقات فجعلها الله حيث جعلها. (نهج البلاغه، محمد دشتی، حکمت ۲۷۰، ص ۶۹۵). (محقق)

۲- نهج البلاغه، محمد دشتی، چاپ سوم، قم: انتشارات مشهور، ۱۳۷۹، خطبه ۲۲۴، ص ۴۵۹. - والله لقد رأيت عقیلا وقد أملق حتى استماحنی من برکم صاعا، ورأيت صبیانه شعث الشعور غبر الألوان من فقرهم كأنما سودت وجوههم بالعظم، وعادنی مؤکدا وکرر علی القول مرددا فأصغیت إليه سمعی فظن أنى أبیعه دینی وأتبع قیاده مفارقا طریقى، فأحمیت له حدیده ثم أدنیته من جسمه لیعتبر بها فضیح ضجیح ذی دنف من ألمها وکاد أن یحترق من میسمها. فقلت له ثکلتک الثواکل یا عقیل أثن من حدیده أحمها إنسانها للعبه، وتجرنی إلى نار سجرها جبارها لغضبه. أثن من الأذى ولا أثن من لظى. (محقق)

با رعایت توازن اقتصادی، دیگر طبقات فقیر و ضعیف در جامعه اسلامی وجود نخواهد داشت. عدالتخواهی امام علی (ع) موجب شد تا از تزییع حقوق عده ای به نفع ثروتمندان جلوگیری شود و پدیده فقر از جامعه علوی رخت بریندد و درآمدهای جامعه به صورت متوازن بین افراد توزیع گردد.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) همچنین در مورد کسانی که از نظر جسمانی نیز ضعیف اند و قادر به کار کردن نیستند و کسانی که برای امرار معاش در آمد کافی ندارند، حقوقی قائل می شود که باید رعایت شود.

«پس خدا را! خدا را! در طبقه فرو دین (پایین و محروم) (مستضعف دینی) از مردم؛ آنان که راه چاره ندارند و از مسکینان و نیازمندان و بینوایان و از بیماری بر جای ماندگانند که در این طبقه مستمندی است، خواهنده و مستحق عطایی است به روی خود نیاورنده؛ پس برای خدا، پاسدار حقی باش که خداوند بر ایشان تعیین کرده است و تو را به رعایتش فرمان داده است و از بیت المال و محصول زمین های غنیمتی اسلام - در هر شهری - سهمی برایشان در نظر بگیر؛ چرا که برای دورترین

مسلمانان، همانند نزدیک ترینشان سهمی هست و تو مسئول رعایت حق همگانی» (۱).

حضرت امیرالمؤمنین (ع) ربا و احتکار و تبعیض (۲)، وجود حاکمان ظالم (۳) و حکومت جور و رعایت نکردن حقوق والی از سوی مردم و رعایت نکردن حقوق مردم از سوی والی (۴) را در درون جامعه نشانه بی عدالتی اقتصادی می داند و برای رفع بی عدالتی در جامعه باید این موارد از جامعه حذف گردد.

ب) عدالت در نظام سیاسی

عدالت سیاسی قسمتی از عدالت اجتماعی است، و آن در محیط سیاسی متولد می شود و مراد از آن، این است که در کارهای سیاسی کسانی باید وارد شوند که شایستگی آن را داشته باشند؛ به همین سبب همه نمی توانند در این گونه امور وارد شوند، بنابراین مساوات و برابری در این گونه امور وجود ندارد.

ص: ۴۸

۱- عبدالمجید معادیخواه، پیشین، نامه ۵۳، ص ۳۶۱. - ثم الله الله في الطبقة السفلى من الذين لا- حيلة لهم والمساكين والمحتاجين وأهل البؤسى والزمنى فإن في هذه الطبقة قانعا ومعترا واحفظ لله ما استحفظك من حقه فيهم واجعل لهم قسما من بيت مالک وقسما من غلات صوافى الاسلام فى كل بلد فإن للأقصى منهم مثل الذى للأدنى. وکل قد استرعیت حقه. (محقق)

۲- همان، نامه ۵۳، ص ۳۶۱.

۳- همان، نامه ۵۳، ص ۳۵۲.

۴- همان، خطبه ۳۷، ص ۲۴۵.

آقای بشریه عدالت سیاسی را چنین تعریف می کند:

«عدالت سیاسی عبارت است از نهادهای سیاسی، امکانات مربوط یا منصب ها را بر حسب قواعد عادلانه توزیع کنند».^(۱)

حضرت علی(ع) عدالت را در یک مجموعه بشری به نام جامعه، اینگونه بیان می فرمایند:

«مردم به زمامداری نیک یا بد نیازمندند تا در پناه فرماندهی او، مؤمن بکوشد و کافر نیز از زندگی را سینه بدوشد (بهره مند شوند)، خداوند هر چیزی را به سرانجام مقدرش برساند و از این رهگذر اموال عمومی گردآوری و دشمن سرکوب شود، راهها امن گردد و حق ناتوان از زورمندان گرفته شود، تا نیکان بیاسایند و بدان فرصت آزردن دیگران را نیابند».^(۲)

و در جای دیگر می فرمایند:

«اما به روزگار حاکمی نیکوکار و شایسته، خویشان بانان در تلاش انجام دادن کار شایسته اند و در حکومت بد و بدکار،

ص: ۴۹

-
- ۱- حسین بشریه، دین و عدالت خواهی در نظرخواهی دانشوران، مجله نقد و نظر، سال سوم، شماره دوم و سوم، ۱۳۷۶، ص ۸.
 - ۲- عبدالمجید معادیخواه، پیشین، خطبه ۴۰، ص ۵۴. - وانه لا- بد للناس من أمير بر أو فاجر يعمل فی امرته المؤمن. ویستمع فیها الکافر. ویبلغ الله فیها الأجل. ویجمع به الفیء، ویقاتل به العدو. وتأمّن به السبل. ویؤخذ به للضعیف من القوی حتی یستریح به بر ویستراح من فاجر.... (نهج البلاغه، محمد دشتی، خطبه ۴۰ ص ۹۳). (محقق)

پلیدان امکان کامیابی از زندگی می یابند تا روزگار هر کدامشان به سر آید و آنان را مرگ در رباید»^(۱)

به عبارت دیگر می توان گفت منظور امام(ع) این است که یک جامعه در درجه اول باید دارای یک نظام سیاسی باشد تا ابتدایی ترین و ضروری ترین امور زندگی مردم به چرخش در آید و عملی شود اما در گام بعدی عدالت، هر کدام از اجزای نظام سیاسی از رهبر، والیان و کارگزاران گرفته تا اصناف و نهادهای مختلف اجتماعی باید دارای عدالت خاص خود باشند و هر کدام کار ویژه و خدمات خاص خود را ارائه دهند. به همین دلیل حضرت علی(ع) وقتی به اصرار مردم حکومت را پذیرفت بر این عقیده بود که نظام اجتماعی و سیاسی بر اساس عدالت تنظیم نشده و به همین دلیل تصمیم گرفت تا آن را به هم بریزد و مجموعه جدیدی را مبتنی بر عدالت به وجود آورد چنانکه در یکی از

خطبه های خود فرمود:

«سوگند به خداوندی که او را به حق برگزید، شما همگی در هم شوید و سپس یک بار دیگر غربال می گردید و به سان آمیزه ی محتوای دیگی جوشان زیر و رو می شوید تا فرآمدگان فرو روند و فروماندگان فراز آیند، پیشتازان منزوی پیش افتند و فرصت طلبان پیش افتاده بازپس رانده شوند»^(۲)

ص: ۵۰

۱- أما الإمرة البرة فيعمل فيها التقى. وأما الإمرة الفاجرة فيتمتع فيها الشقى إلى أن تنقطع مدته وتدرکه منيته. (نهج البلاغه، محمد دشتی، خطبه ۴۰، ص ۹۵). (محقق)

۲- همان، خطبه ۱۶، صص ۳۳ - ۳۲ - والذی بعثه بالحق لتبیلن ببله. ولتغریبن غربله. ولتساطن سوط القدر حتی یعود أسفلکم أعلاکم وأعلاکم أسفلکم. ولیسبن سابقون کانوا قصرُوا. ولیقصرن سابقون کانوا سبقوا. (محقق)

امام علی (ع) برای ایجاد عدالت معتقد بود که در ابتدا نظام سیاسی جامعه یعنی والیان و رهبران و مدیران باید اصلاح شوند. (۱) به همین دلیل ابتدا از خودش که بالاترین مقام جامعه بود، شروع کرد.

سپس با قبول اینکه کارها به وسیله زمامداران راست و درست می شود کارها را به افراد خبره و متخصص سپرد و به همین دلیل هر گونه روابط خویشاوندی و طبقاتی را در سیستم های مدیریتی کنار نهاد.

ایشان معتقد بودند که باید هر کدام از اجزای نظام به وظیفه خود پای بند باشند و آن را به خوبی انجام دهند:

«آیا بعد بی گمان این روش که مرد مأموریت و مسئولیت خویش را تباه کند و درگیر کار دیگر شود که مسئولیت آن را ندارد، سند ناتوانی به شمار آید و بیانگر اندیشه ویرانگر باشد». (۲)

کسانی نیز باشند که به کار مدیران و کارگزاران نظارت کنند و آن را ارزیابی کنند و متناسب با رنج و زحمتی که کشیده، تشویق شود و بزرگی فردی، نباید موجب شود که کار کوچک

ص: ۵۱

۱- همان، خطبه ۱۷۲، ص ۲۰۱. - أیها الناس إن أحق الناس بهذا الأمر أقواهم علیه، وأعلمهم بأمر الله فيه. فإن شغب شاغب استعتب فإن أبی قوتل. ولعمری لئن كانت الإمامة لا تنعقد حتی یحضرها عامه الناس فما إلی ذلك سیل، ولكن أهلها یحکمون علی من غاب عنها ثم لیس للشاهد أن یرجع ولا للغائب أن یختار ألا وإنی أقاتل رجلین: رجلا ادعی ما لیس له، وآخر منع الذی علیه. أوصیکم بتقوی الله فإنها خیر ما تواصی العباد به. (محقق)

۲- همان، نامه ۶۱، ص ۳۷۲. - أما بعد فإن تضييع المرء ما ولی وتكلفه ما كفى لعجز حاضر ورأى متبر. (محقق)

او مهم جلوه داده شود یا کار بزرگ و مهم یک مرد معمولی هیچ انگاشته شود. امام(ع) نخستین هدف نظام سیاسی عادلانه را از بین بردن شکاف طبقاتی و ظلم در جامعه و تحقق عدالت اجتماعی می داند تا آنجا که خود علت پذیرش حکومت را توجه نبودن نسبت به شکمبارگی ظالمان و گرسنگی مظلومان بیان می کند.^(۱)

و در جای دیگر می فرماید:

«بار خدایا! تو نیک می دانی که جنگ و درگیری ما را کشمکش قدرت و فزون خواهی ثروت انگیزه نبود که هر آنچه بود، جز برای بازگرداندن نشانه هایی از دین تو و اصلاح سرزمین های تو نبود تا بنندگان ستمدیده ات امنیت یابند و حدود به تعطیل کشیده ات به اجرا درآیند».^(۲)

و این نیز یکی از ویژگی های نظام سیاسی عادلانه است که نسبت به قدرت بی میل و تمام توانش اجرای حدود و احقاق حقوق متمرکز می باشد.

ص: ۵۲

۱- همان، خطبه ۳، ص ۲۶. - أما والذی فلق الحبه. وبرأ النسمة لولا حضور الحاضر وقيام الحجّة بوجود الناصر. وما أخذ الله على العلماء أن لا- يقاروا على كظّه ظالم ولا- سغب مظلوم لألقیت جبلها على غاربها ولسقیت آخرها بكأس أولها. ولألفیتم دنیاكم هذه أزهّد عندي من عطفة عنز. (محقق)

۲- همان، خطبه ۱۳۱، ص ۱۴۹. - اللهم إنك تعلم أنه لم يكن الذي كان منا منافسه في سلطان ولا التماس شيء من فضول الحطام، ولكن لئرد المعالم من دينك، ونظهر الإصلاح في بلادك. فيأمن المظلومون من عبادك، وتقام المعطلة من حدودك. (محقق)

امام علی(ع) بعد از به قدرت رسیدن، سیاست قاطع و سرسختانه ای را در امور مالی در پیش گرفت؛ چنانکه در دومین روز حکومت خود چنین اعلام فرمود:

«به خدا سوگند! اگر بدان قطایع دست یابم - حتی اگر به کابین زنان رفته باشد، یا به کار خرید کنیزکان گرفته شده باشد - با قاطعیت، همه را به بیت المال باز می گردانم؛ چرا که عدل را پهنه گسترده ای است و کسی که عدالت بر او تنگ آید، بی تردید حلقه ی جور او را تنگتر باشد.»(۱)

بسیاری بر این عقیده اند که مهم ترین عاملی که باعث شد عرب از حمایت علی(ع) دست بردارد، مسائل مالی بود؛ زیرا امام(ع) رئیسان و بزرگان را با مردم عادی و عرب را

بر عجم برتری نمی داد و با رئیسان و بزرگان قبایل همانند پادشاهان و دیگر حکام رفتار نمی کرد.

شدت عدالت امام علی(ع) در مسائل مالی تا آنجا بالا گرفت که عده ای از یاران امام(ع) به او گفتند: «یا امیر المؤمنین اشراف عرب و قریش را بر مولی و عرب برتری بده و از این اموال به آنان و کسانی که بیم مخالفت و گریز به سوی معاویه می رود عطا کن، چرا که اصل حکومت در خطر است.»

حضرت در پاسخ فرمودند:

«آیا بر آنید که مرا وا دارید تا پیروزی را به بهای ستم بر کسان فرا چنگ آورم که مسئولیت سرپرستی شان بر دوشم سنگینی می کند؟ به خدا

ص: ۵۳

۱- همان، خطبه ۱۵، ص ۳۲. - والله لو وجدته قد تزوج به النساء وملك به الإمام لرددته فإن فی العدل سعة، ومن ضاق علیه العدل فالجور علیه أضحيق. (محقق)

سوگند! تا روزگار در گردش است و ستارگان آسمان پیاپی هم روان اند، علی گرد چنین ناروایی نگردد. اگر این اموال، ثروت شخصی من بود در پخش آن برابری را پاس می داشتم، چه رسد که حال، مال الله باشد».(۱)

ج) عدالت در نظام قضایی

عدالت قضایی وقتی مطرح میشود که عدالت های سه گانه مذکور تحقق نیافته باشند و از این مسیر دعوا و تخاصمی طرح شده باشد که در نتیجه قاضی از طریق قوه قهریه در مقام بازگرداندن آب رفته از جوی عدالت به مسیر عادی و طبیعی آن باشد که البته قاضی در مقام قضاوت ملزم به اجرای دستوراتی است که عمدتاً منشأ آنها تساوی حقوق اجتماعی طرفین است.(۲)

در حکومت حضرت امام علی(ع) همه در مقابل قانون برابر بودند و هیچ گونه تفاوت و برتری میان اشخاص، گروه ها و طبقات اجتماعی وجود نداشت. امام(ع) به صراحت به فرماندار مصر چنین دستور داد:

«... بپرهیز از مقدم شمردن خود، در اموری که مردم در آن مساوی اند».(۳)

حضرت امیرالمؤمنین(ع) قبل از دیگران خود به این اصل عدالت عمل می کرد،

ص: ۵۴

-
- ۱- همان، خطبه ۱۲۶، ص ۱۴۴. - أتأمرونی أن أطلب النصر بالجور فإمن ولیت علیه، والله ما أطور به ما سمر سمیر وما أم نجم فی السماء نجما لو كان المال لی لسویت بینهم فكیف وإنما المال مال الله. (محقق)
 - ۲- خدیجه حسینی، پایان نامه آزادی و عدالت در نهج البلاغه.
 - ۳- همان، نامه ۵۳، ص ۳۵۵. - وإیاک والاستثار بما الناس فیه أسوء. (محقق)

اگر چه به ظاهر به ضررش تمام می شود. زمانی که حضرت رهبر کشور اسلامی و در اوج قدرت بود، زره خود را نزد مسیحی یافت و برای گرفتن آن به قاضی شکایت کرد، مسیحی از دادن زره امتناع کرد. شریح قاضی به امام(ع) گفت: آیا گواهی داری؟ حضرت فرمود: نه. شریح به نفع مسیحی حکم کرد و از محاکمه خارج شدند. پس از اندکی مسیحی برگشت و گفت: زره مال حضرت علی(ع) است که در راه صفین از پشت شترش بر زمین افتاد و من برداشتم. پس فرد مسیحی مسلمان شد و گفت: این حکم و قضاوت پیامبر است که رهبر یک

کشور در نزد قاضی خود حاضر می شود و قاضی به نفع یک اقلیت مذهبی تحت ذمه رأی می دهد. (۱)

حضرت علی(ع) بدون توجه به طبقه، لباس، شخصیت، خدمات افراد و ... برای همه قانون را اجرا فرمود.

نظام قضایی مبتنی بر عدالت که امام(ع) در پی اجرا کردن آن بود، نظامی است که ضعیف ترین افراد جامعه بدون لکنت زبان حقشان را از زورمندان می گیرند.

حضرت خطاب به مالک می فرماید:

من از رسول خدا بارها و بارها شنیدم که فرمود: «هیچ امتی که در آن با صراحت و بی لکنت، حق ناتوان از زورمند باز گرفته نشود از ستم پاکسازی نگردد». (۲)

ص: ۵۵

۱- جرج جرداق، صدای عدالت انسانی، جلد اول، سید هادی خسروشاهی، چاپ اول، قم: بی جا، ۱۳۶۹، ص ۱۱۷.

۲- عبدالمجید معادیخواه، پیشین، نامه ۵۳، ص ۳۶۲. - لن تقدس أمه لا یؤخذ للضعیف فیها حق من القوی غیر متتع. (محقق)

حضرت امیرالمؤمنین (ع) به محمد بن ابی بکر سفارش می کند:

«در برابر مردم فروتن باش و با آنان نرم خویی و انعطاف پذیری پیشه کن و در برخورد با آن گشاده رو باش و برابری را - هر چند در نگاه و اشاره های تعارف آمیز - پاس دار، تا زورمندان در ظلم تو طمع نبندند و ناتوانان از عدالتت نومید نشوند».^(۱)

همانطور که مشاهده می شود امام علی (ع) عدالت راحتی در سطح نگاه و نوع برخورد با مردم نیز با اهمیت می شمارد تا آنجا که با قاتل خود نیز بر اساس آن رفتار نمود. حضرت پس از ضربت خوردن و هنگامی که در بستر بود در مورد قاتل خود فرمود:

«هر گاه از ضربت او جان دادم ژرف بنگرید که آن در برابر ضربت او، تنها یک ضربت بزیند، مبادا آن مرد مثله شود که من از رسول خدا شنیدم که فرمود: «از مثله کردن - هر چند سگی گزنده باشد - پرهیزید!».^(۲)

گفتار دوم: حق محوری

حق، سلطه ای است که دارنده آن بر امری دست یافته، بر طرف دیگر

ص: ۵۶

۱- همان، نامه ۲۷، ص ۳۱۵. - فاخفص لهم جناحك، وألن لهم جانبك، وابسط لهم وجهك، وآس بينهم في اللحظة والنظرة،

حتى لا يطمع العظماء في حيفك لهم، ولا ييأس الضعفاء من عدلك عليهم. (محقق)

۲- همان، نامه ۴۷، ص ۳۴۷. - انظروا إذا أنا مت من ضربته هذه فاضربوه ضربة بضربة، ولا تمثلوا بالرجل، فإنني سمعت رسول

الله | يقول: إياكم والمثلة ولو بالكلب العقور. (محقق)

(مَنْ عَلَيْهِ الْحَقُّ) ایجاد تعهد می کند. همین معنا در قرآن کریم آمده است: «وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا»^(۱): «هر که ناروا کشته شود، برای ولی وی حقی قرار دادیم».

طبق این حق، چنین کسی سلطه می یابد تا قصاص کند یا دیه بگیرد یا عفو کند و طرف وی ملزم است تا هر چه او تصمیم بگیرد، گردن نهد؛ مشروط بر آن که از مرز تعیین شده تجاوز نکند. حق در فقه و حقوق دارای همین معناست؛ مثلاً حق خیار در باب معاملات این است که صاحب خیار، حق فسخ معامله را دارد؛ یعنی بر گسستن عقد معامله یا ابرام آن سلطه دارد و هر چه او تصمیم بگیرد، طرف معامله باید بپذیرد.^(۲)

جایگاه ویژه حق در اندیشه امام علی (ع) از آن جا آشکار می شود که وی ارزش حکومت را کمتر از بهای کفش پاره می داند و تنها هنگامی برای حکومت ارزش قائل است که با آن حق اقامه گردد و باطل دفع شود.^(۳)

امام در گرفتن حق عموم تا آنجا مصمم بود که می فرماید:

«فَلَا تَقْبَلَنَّ الْبَاطِلَ حَتَّى يَخْرُجَ الْحَقُّ مِنْ جَنْبِهِ»^(۴)؛ «پرده باطل را می شکافم تا حق را از پهلوئی آن بیرون کشم».

ص: ۵۷

۱- الاسراء / ۳۳.

۲- محمد هادی معرفت، حقوق متقابل مردم و حکومت، ج ۵، چاپ اول، تهران: دانشنامه امام علی «علیه السلام»، علی اکبر رشاد، پژوهشگاه فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۷.

۳- نهج البلاغه، محمد دشتی، چاپ سوم، دفتر نشر الهدی، ۱۳۷۹، خطبه ۳۳، ص ۴۹. - قال عبد الله بن العباس دخلت على أمير المؤمنين عليه السلام بندي قار وهو يخصف نعله فقال لي ما قيمة هذا النعل فقلت لا قيمة لها، فقال عليه السلام والله لهي أحب إلي من إمرتكم إلا أن أقيم حقا أو أدفع باطلا. (محقق)

۴- همان، خطبه ۳۳، ص ۸۵.

امام(ع) در مورد فواید حق می فرماید:

«إِنَّ الْحَقَّ ثَقِيلٌ مَرِيٌّ وَ إِنَّ الْبَاطِلَ خَفِيفٌ وَبِئْسَ (۱)؛ «حق سنگین اما گواراست، و باطل، سبک اما کشنده است».

«آن کس که بر حق بود، جایگاهش بهشت و آنکه به راه باطل بود در آتش است».(۲)

پابندی به حق؛ راز تقوای دست و زبان(۳)، برترین ارزش و لازمترین چیزها،(۴) پسندیده ترین کارها،(۵) خوبی نیکو،(۶) رستگاری و کرامت انسان،(۷) زنده کننده عقل، کشنده نفس،(۸)

ص: ۵۸

۱- همان، حکمت ۳۷۶، ص ۷۲۱.

۲- همان، نامه ۱۷، ص ۴۹۷. - ومن أكله الحق فإلى الجنة ومن أكله الباطل فإلى النار. (محقق)

۳- عبدالمجید معادینخواه، پیشین، خطبه ۱۶۶، ص ۱۹۶. - فالمسلم من سلم المسلمون من لسانه ويده إلا بالحق. (محقق)

۴- همان، نامه ۶۶، ص ۳۷۷. - حضرت علی(ع) در نامه خود به معاویه می نویسند: أما بعد فقد آن لك أن تنتفع باللمح الباصر من عيان الأمور فقد سلكت مدارج أسلافك بادعائك الأباطيل، وإقحامك غرور المين والأكاذيب وبانتحالك ما قد علا عنك وابتزازك لما اخترن دونك، فرارا من الحق وجحودا لما هو أَلزم لك من لحمك ودمك مما قد وعاه سمعك، وملئ به صدرك، فما ذا بعد الحق إلا الضلال المين، وبعد البيان إلا اللبس... (نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۶۵، ص ۶۰۷) (محقق)

۵- همان، نامه ۵۳، ص ۳۵۳.

۶- همان، نامه ۲۱، ص ۳۲۳.

۷- محمد دشتی، پیشین، خطبه ۳۲، ص ۸۵.

۸- همان، خطبه ۲۲۰، ص ۴۴۸. - «قد احيا عقله و امانت نفسه». (محقق)

ستون استوار اسلام که بنیادش تزلزل ناپذیر، چشمه هایش همواره جوشان و چراغ های جاودانش فروزان(۱) است.

امام در مورد کسانی که از حق سرپیچی می کنند، می فرماید:

«اگر از حق سرپیچند با دم شمشیر پاسخشان می گویم، که درمان باطل و دفاع از حق را این لبه ی تیغ بسنده است.»(۲)

«ای مردمان! اگر شما در یاری حق بی اعتنا نمی ماندید و در کوبیدن باطل سستی نمی کردید، کسانی که به هیچ صورت در حد شما نبودند در شما طمع نمی کردند و اینان که امروز در برابر شما نیرو گرفته اند، چنین نیرومند نمی شدند.»(۳) دوری از حق و گرایش به باطل باعث اختلاف کلمه، آشکار شدن نشانه های جور، دغلكاری در دین، متروك ماندن سنت، مبنای عمل قرار گرفتن هوی و هوس، به تعطیل کشیده شدن احکام، افزایش بیماری های نفسانی، به ذلت افتادن نیکان، عزت یافتن اشرار(۴) و به هلاکت رسیدن ملت(۵) می گردد.

ص: ۵۹

۱- عبدالمجید معادینخواه، پیشین، خطبه ۱۸۹، ص ۲۲۹.

۲- همان، خطبه ۲۲، ص ۳۸ - فإن أبوا أعطیتهم حد السیف. و کفی به شافیا من الباطل و ناصرا للحق. (محقق)

۳- همان، خطبه ۱۶۵، ص ۱۹۵ - أیها الناس لو لم تتخاذلوا عن نصر الحق، ولم تهنوا عن توهین الباطل. لم یطمع فیکم من لیس مثلکم، ولم یقو من قوی علیکم. (محقق)

۴- همان، خطبه ۲۰۷، ص ۲۴۵ - نهج البلاغه، محمد دشتی، خطبه ۲۱۶. (محقق)

۵- محمد دشتی، پیشین، نامه ۷۹، ص ۶۲۱.

امام علی(ع) رعایت حق را از ویژگی های پرهیزکاران شمرده و رعایت نکردن حق از جانب یک شخص را باعث نابودی و هلاکت کل جامعه می داند:

«ای مردم در راه است، از کمی روندگان نهراسید؛ زیرا بیشتر مردم بر گرد سفره ای جمع شدند که سیری آن کوتاه و گرسنگی آن طولانی است.

ای مردم! همه افراد جامعه در خشنودی و خشم شریک هستند، چنانکه شتر ماده ی ثمود را یک نفر دست و پا برید اما عذاب آن تمام اقوام ثمود را گرفت، زیرا همگی آن را پسندیدند. خداوند سبحان می فرماید:

«ماده شتر را پی کردند و سرانجام پشیمان شدند.»

«سرزمین آنان چونان آهن گداخته ای است که در زمین نرم فرو رود، فریادی زد و فرو ریخت.

ای مردم آن کس که از راه آشکار برود به آب می رسد و هر کس از راه راست منحرف شود، سرگردان می ماند»^(۱).

امام علی(ع) «عدل» و «حق» را ملازم یکدیگر می شمارد و در مواعظ و

ص: ۶۰

۱- همان، خطبه ۲۰۱، ص ۴۲۳ - أیها الناس، لا تستوحشوا فی طریق الهدی لقله أهله، فإن الناس اجتمعوا علی مائدة شبعها قصیر، وجوعها طویل. أیها الناس، إنما یجمع الناس الرضا والسخط، وإنما عقر ناقه ثمود رجل واحد فعمهم الله بالعذاب لما عموه بالرضا، فقال سبحانه: (فعقروها فأصبحوا نادمین)، فما كان إلا أن خارت أرضهم بالخسفة خوار السكة المحماة فی الأرض الخواره. أیها الناس، من سلك الطريق الواضح ورد الماء، ومن خالف وقع فی التیه. (محقق)

خطبه های متعدد، مردم را به هر دو توصیه می کند و تحقق هر یک را بدون دیگری امکان پذیر نمی داند.

آن حضرت «حق» را اعم از حقوق الهی و حقوق مردمی می شمارند.

یکی از حقوق واجب الهی، برپا کردن حق در میان مردم (۱) است. از حقوق دیگر الهی، هدایت یافتن از طریق قرآن و پیامبر و ائمه معصومین (ع) و دوری گزیدن از وسوسه های شیطانی (۲) و ستایش خداوند است به خاطر نعمت های الهی (۳) که عرضه کرده است.

از حقوق مردم و انسان ها می توان به حق حیات، حق معاش، حق آزادی، عدالت، دادخواهی عادلانه، حق حفظ در مقابل سوء استفاده از قدرت، محافظت در مقابل شکنجه، محافظت شرافت و خوش نامی، حق پناهندگی، حقوق اقلیت ها، حق شرکت در حیات اجتماعی، حق آزادی فکر، ایمان و سخن، حق آزادی دین، حق تجمع و اعلان، حقوق اقتصادی (حق حفظ مال، حق انتخاب کار، حق فرد بر اشتراک در امور ضروری مادی و معنوی)، حق تشکیل خانواده، حق تعلیم و تربیت، حق حفظ حیات فردی و حق انتخاب آزاد محل زیست و ... را می توان برشمرد که در سخنان امام علی (ع) بارها اشاره شده است (۴).

ص: ۶۱

۱- همان، خطبه ۲۰۷ - نهج البلاغه، محمد دشتی، خطبه ۲۱۶. (محقق)

۲- همان، خطبه ۹۱، ص ۱۵۷.

۳- همان، خطبه ۱۸۲، ص ۳۴۵.

۴- سید مصطفی محقق داماد، حقوق بشر، ص ۴۴، دانشنامه امام علی، ج پنجم، چاپ اول، علی اکبر رشاد، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

از حقوقی که باعث پایداری عِلّت و پدیدار شدن راه های دین می شود و در صورت رعایت آن دیگر حقوق اجتماعی نیز رعایت می گردد، حقوق متقابل رهبری و مردم است که در خطبه ۲۱۶ و ۳۴ به آن اشاره شده است:

پس، خدای سبحان برخی از حقوق خود را برای بعضی از مردم واجب کرد و آن حقوق را در برابر هم گذاشت، که برخی از حقوق برخی دیگر را واجب گرداند و حقی بر کسی واجب نمی شود مگر همانند آن را انجام دهد.

و در میان حقوق الهی، بزرگ ترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است؛ حق واجبی که خدای سبحان، بر هر دو گروه لازم شمرد و آن را عامل پایداری پیوند ملت و رهبر و عزّت دین قرار داد. پس رعیت اصلاح نمی شود جز آن که زمامداران اصلاح کردند و زمامداران اصلاح نمی شوند جز با درستکاری رعیت.

و آنگاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزّت یابد و راه های دین پدیدار و نشانه های عدالت برقرار و سنت پیامبر | پایدار گردد، پس روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس می گردد.

اما اگر مردم بر حکومت چیره شوند، یا زمامدار بر رعیت ستم کند، وحدت کلمه از بین می رود، نشانه های ستم آشکار و نیرنگ بازی در دین فراوان و راه گسترده سنت پیامبر | متروک، هواپرستی فراوان، احکام دین تعطیل و بیماری های دل فراوان می شود.

مردم از اینکه حق بزرگی فراموش می شود، یا باطل خطرناکی در جامعه رواج می یابد، احساس نگرانی نمی کنند!

پس در آن زمان نیکان خوار و بیدان قدرتمند و کيفر الهی بر بندگان بزرگ و دردناک خواهد بود پس بر شماست که یکدیگر را نصیحت کنید و نیکو همکاری نمایید.

درست است که هیچ کس نمی تواند حق اطاعت خداوندی را چنانکه باید بگذارد، هر چند در به دست آوردن رضای خدا حریص و در کار بندگی تلاش فراوان نماید، اما باید به مقدار توان، حقوق الهی را رعایت کند که یکی از واجبات الهی یکدیگر را به اندازه توان نصیحت کردن و برپا داشتن حق و یاری یکدیگر است.

هیچ کس هر چند قدر او در حق بزرگ و ارزش او در دین بیشتر باشد، بی نیاز نیست که او را در انجام دادن حق یاری رسانند و هیچ کس گرچه مردم او را خوار شمارند و در دیده ها بی ارزش باشد، کوچک تر از آن نیست که کسی را در انجام حق یاری کند، یا دیگری به یاری او برخیزد. (۱)

ص: ۶۳

۱- محمد دشتی، پیشین، خطبه ۲۱۶، ص ۴۴۳. - ثم جعل سبحانه من حقوقه حقوقا افترضها لبعض الناس على بعض فجعلها تتكافأ في وجوهها ويوجب بعضها بعضا ولا يستوجب بعضها الا ببعض. وأعظم ما افترض سبحانه من تلك الحقوق حق الوالى على الرعية وحق الرعية على الوالى فريضة فرضها الله سبحانه لكل على كل فجعلها نظاما لألفتهم وعزا لدينهم فليست تصلح الرعية الا- بصلاح الولاية ولا- تصلح الولاية الا باستقامة الرعية فإذا أدت الرعية إلى الوالى حقه وأدى الوالى إليها حقها عز الحق بينهم وقامت مناهج الدين واعتدلت معالم العدل وجرت على إذلالها السنن فصلح بذلك الزمان وطمع في بقاء الدولة ويئست مطامع الأعداء. <صفحه ۹۲> وإذا غلبت الرعية واليهما أو أجهف الوالى برعيته اختلفت هنالك الكلمة وظهرت معالم الجور وكثر الأدغال في الدين وتركت محاج السنن فعمل بالهوى وعطلت الاحكام وكثرت علل النفوس فلا يستوحش لعظيم حق عطل ولا لعظيم باطل فعل فهنالك تذلل الأبرار وتعز الأشرار وتعظم تبعات الله سبحانه عند العباد. فعليكم بالتناصح في ذلك وحسن التعاون عليه فليس أحد وإن اشدت على رضا الله حرصه وطال في العمل اجتهاده ببالح حقيقة ما الله سبحانه أهله من الطاعة له ولكن من واجب حقوق الله سبحانه على عباده النصيحة بمبلغ جهدهم والتعاون على إقامة الحق بينهم وليس امرؤ وإن عظمت في الحق منزلته وتقدمت في الدين فضيلته بفوق أن يعان على ما حمله من حقه ولا امرؤ وإن صغرت النفوس واقتحمته العيون بدون أن يعين على ذلك أو يعان عليه. (محقق)

امام در بیان این حقوق متقابل مردم و رهبری میفرماید:

«ای مردم! مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب کرده شده است، حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت المال را عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید و اما حق من بر شما این است که در بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید، هر گاه شما را فرا خواندم اجابت نمایید و فرمان دادم اطاعت کنید»^(۱).

امام حتی در بسیاری از سفارشهای خود، به رعایت حقوق دوستان^(۲) و

ص: ۶۴

-
- ۱- همان، خطبه ۳۴، ص ۸۷ - أیها الناس، إن لی علیکم حقا، ولکم علی حق، فأما حقکم علی فالنصیحة لکم، وتوفیر فیئکم علیکم، وتعلیمکم کیلا تجهلوا، وتأدیبکم کیما تعلموا، وأما حقی علیکم فالوفاء بالبیعة، والنصیحة فی المشهد والمغیب، والإجابة حین أدعوکم، والطاعة حین آمرکم. (محقق)
- ۲- همان، حکمت ۱۳۴، ص ۶۵۷.

حقوق حیوانات (۱) و حقوق فرزندان و والدین (۲) و حقوق محرومان و مستضعفان (۳) نیز سفارش می کنند.

امام در بسیاری از موارد برای جلوگیری از تفرقه و عدم فتنه در درون جامعه از حق مسلم خود گذشتند؛ چنانکه پس از قتل عمر، در روز شورا آن هنگام که مردم به ناحق برای بیعت با عثمان جمع شدند، فرمود:

«همانا می دانید که سزاوارتر از دیگران به خلافت من هستم. سوگند به خدا! به آنچه انجام داده اید گردن می نهم، تا هنگامی که اوضاع مسلمانان رو به راه شود و از هم نپاشد، و جز من به دیگری ستم نشود.» (۴)

گفتار سوم: آزادی همراه با مسئولیت در برابر خدا

اشاره

آزادی در حوزه های مختلف دارای معانی زیراست:

آزادی در حوزه مقولات فلسفی به معنی آزادی انسان در انتخاب راه است؛

آزادی در حوزه مقولات عرفانی به معنای وارheidن از وابستگی هاست و به معنای قطع علائق و رشته هایی است که انسان را به اسارت می کشد. (۵)

ص: ۶۵

۱- همان، نامه ۲۵، ص ۵۰۷.

۲- همان، حکمت ۳۹۹، ص ۷۲۵.

۳- همان، نامه ۵۳، ص ۵۸۳.

۴- همان، خطبه ۷۴، ص ۱۲۳. - لقد علمتم أني أحق الناس بها من غيري. ووالله لأسلمن ما سلمت أمور المسلمين ولم يكن فيها جور إلا على خاصة التماسا لأجر ذلك وفضله، وزهدا فيما تنافستموه من زخرفه وزبرجه. (محقق)

۵- سید احمد خاتمی، سیره سیاسی امام علی «علیه السلام»، چاپ اول، تهران: نشر مطهر، ۱۳۷۹، ص ۱۴۰.

امام (ع) در این مورد می فرمایند:

«آیا آزاد مردی پیدا نمی شود که این ته مانده دنیا را به اهلش واگذارد؟ بدانید جان شما بهایی جز بهشت ندارد، آن را به کمتر از بهشت نفروشید»^(۱).

امام (ع) انسان رها شده از وابستگی های دنیایی و طمع و هوی و هوس را انسان آزاد می داند:

«الطَّمَعُ رُقٌ مُؤَبَّدٌ»^(۲)؛ «طمع بردگی دائمی است».

امریا آزادی که در اینجا مورد نظر ماست، آزادی در مقولات سیاسی و اجتماعی است و آن عبارت است از اینکه اشخاص بتوانند هر کاری را که صلاح و مقتضی بدانند انجام دهند مشروط به اینکه اقدامات و عملیات آنان صدمه ای به حقوق دیگران وارد نیورد و باحقوق جامعه منافات نداشته باشد.^(۳)

از دیدگاه حضرت علی (ع) خداوند انسان را فطرتاً آزاد آفریده و به او اختیار داده است که سرنوشت زندگی اش را خود تعیین کند و در مقابل این آزادی به انسان عقل عنایت کرده است تا بتواند به آسانی با کمک انبیا راه مستقیمی که انسان را در جهان به موفقیت همه جانبه میرساند، پیدا کند و از آزادی در کردار و گفتار خود به نفع خویش به محیط زندگی خود استفاده کند:

ص: ۶۶

۱- محمد دشتی، حکمت ۴۵۶، ص ۷۳۹. - ألا حر يدع هذه اللماظة لأهلها؟ إنه ليس لأنفسكم ثمن إلا الجنة فلا تبيعوها إلا بها. (محقق)

۲- همان، حکمت ۱۸۰، ص ۶۶۷.

۳- سید ابراهیم الحسینی السعیدی، علی آئینه حق نما، ج ۱، چاپ اول، بی جا: احرار تبریز، ۱۳۷۲، صص ۲۰۶ - ۲۰۵.

«لا تكن عبد غيرك و قد جعلك الله حُرّاً»^(۱)؛ «خداوند تو را آزاد آفریده است پس بنده دیگری مباش».

امام می خواهد عزت نفس و احساس آزادی را به گونه ای در افراد ایجاد کند که هیچ کس خود را بنده و زیردست حکام احساس نکند. به عقیده امام(ع) مردم باید خود را آزاد بدانند، نه آزادی را حقی بشمارند که حاکمان جامعه، لطف فرموده و به آنان عطا می کنند.

آزادی به مفهومی که در دیدگاه امام(ع) وجود دارد عامل ایجاد تحولات، پیشرفت ها، انقلابها و تمدن ها بوده و جامعه را در مسیر سازندگی و ترقی سوق می دهد.

امام علی(ع) آزادی را در حکومت خود، در انتخاب و عزل نخبگان سیاسی، فعالیت گوناگون اجتماعی، گفتارها و کردارها و در انتخاب راه زندگی سعادت‌مندان به رسمیت می شناسند.

امام(ع) به آزادی فرد و مصلحت جامعه، هر دو، با یک نظر جامع و کلی می نگرد؛ نه فرد را محروم می سازد و نه به جامعه صدمه می زند؛ بلکه بین این دو چنان پیوندی به وجود می آورد که فرد می تواند از آزادی خود بهره مند شود و جامعه می تواند از اجتماع استفاده کند.

برای آنکه امام علی(ع) آزادی فرد را در چهارچوبی از آزادی جامعه و مصلحت توده قرار دهد، بینش عمیقش او را به کشف یک حقیقت اساسی اجتماعی راهبری کرد و مردمی که با جامعه ارتباط و پیوند دارند، باید احساس و

ص: ۶۷

درک آنان نسبت به آزادی آن چنان هدایت شود که نه تنها حدی برای اصول این آزادی برپا نکند، بلکه آنان را از به کار بردن آن به طوری که بر دیگران ضرری برساند، باز دارد. بدین ترتیب آزادی افراد از نظر امام آزادی بی بند و باری و احمقانه نیست، بلکه این آزادی با احساس مسئولیت همراه است. به شرط اینکه این قید، صدمه و زیانی نرساند، بلکه به سود آزادی و کار فردی و اجتماعی باشد. به همین دلیل امام علی(ع) مسئولیت ظاهری را محرک و عامل کار سودمند و عمل صالح قرار نداد، بلکه مسئولیت را بر عهده خود آزادی و آزادگان گذاشت. و مقدار این مسئولیت را منوط به مقدار آزادی شناخت.

بنابراین اگر مسئولیت در افکار منجمد شده و شخصیت های سرکوب شده، شکل صحیحی به خود نمی گیرد به سبب آن است که «مسئولیت» فقط در چارچوب آن آزادی ای شکل می گیرد که افکار و عواطف فردی را آزاد می گذارد و با همین بینش فاعلی، قیود تنگ و زنجیرهای سنگینی را که حکومت ها بر گرده مردم نهاده بودند، تا هر چه بیشتر از محصول دسترنج آنان بهره مند شوند، برداشت؛ زیرا در چنان شرایطی، رفتار و کردار مردم تابع افکار و احساسات آزاد آنان نبود؛ بلکه کردار و رفتار آنان بسته به اراده و تصمیم اربابان زر و زور بود.^(۱)

انواع آزادی

اشاره

به طور کلی از دیدگاه امام(ع)، آزادی در عرصه اجتماعی را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

ص: ۶۸

۱- جرج جرداق، پیشین، صص ۲۲۳ - ۲۲۲.

پس از قتل عثمان که مردم به خانه امام علی × هجوم آوردند و از او خواستند که ولایتشان را بپذیرد، امام در ابتدا قبول نمی کردند و فرمودند:

«عجله نکنید مهلت دهید همه جمع شوند و با یکدیگر مشورت نمایند.»^(۱)

بعد از سه روز بیعت آنان را پذیرفت و فرمود:

«اگر نبود حضور حاضران و نبود عهدی که خدای تعالی از علما و دانایان گرفته تا سکوت نکنند بر سیری ظالم و گرسنه ماندن مظلوم، هر آینه ریسمان و مهار شتر خلافت را بر کوهان آن می انداختم.»^(۲)

این نشان می دهد که مردم در بیعت با امام(ع) آزاد بودند و هیچ گونه اجباری نبوده است.

از دیدگاه امام علی(ع) در مرحله نخست باید صاحب نظران مورد وثوق مردم که بیشترین سابقه را در پایه گذاری اسلام داشته و آگاهی بیشتر و دلسوزی عمیق تری نسبت به مصالح امت دارند، در مقام خبرگان

جامعه، شورا تشکیل داده، کاندیدای خلافت را مشخص نمایند. آنگاه توده مردم از

ص: ۶۹

۱- عبدالعلی بازرگان، آزادی در نهج البلاغه، چاپ اول، بازرگان، ۱۳۷۴، ص ۱۳۱.

۲- محمد دشتی، پیشین، خطبه ۳، ص ۴۹. - أما والذي فلق الحبة. وبرأ النسمة لولا حضور الحاضر وقيام الحجة بوجود الناصر. وما أخذ الله على العلماء أن لا يقاروا على كظة ظالم ولا سغب مظلوم لألقىت حبلها على غاربها. (محقق)

طریق بیعت حاکمیت خود را اعمال نمایند؛ بدین ترتیب با تکیه بر صاحبان عقل و تجربه و پیشتازان ایمان و عمل نشان داده است که نه عجله ای و علاقه ای به احراز قدرت دارد و نه حاضر است که حکومت آینده اش را بر شالوده نامطمئن احساسات زودگذر بنا کند. (۱) و (۲).

شروط انتخاب آزادی

برای آزادی انتخاب چند شرط زیر لازم است؛

۱ - ۱ - ممنوعیت اکراه و جلوگیری از اجبار؛

۲ - ۱ - تمایل داوطلبانه؛

۳ - ۱ - انتخاب و اختیار آگاهانه؛

چنانکه امام (ع) به طلحه و زبیر پس از آنکه در مقابل او ایستادند و بیعت با او را انکار کردند، نوشت:

«اما بعد، شما دو تن هر چند در مقام کتمان باشید، خود می دانید که من حکومت بر مردم را نخواستم تا این که خود خواستند و به بیعت گرفتن دستی نیازیدم تا مردم خود بیعت کردند و شما نیز از کسانی بودید که روی به من آوردید و بیعت کردید. این

ص: ۷۰

۱- عبدالعلی بازرگان، پیشین، ص ۱۳۲.

۲- آنچه در اینجا برای تشخیص خبرگان بیان شد در مقام پیدا کردن مصداق رهبر جامعه اسلامی با توجه به راهنمایی های پیشوایان معصوم و با توجه به ملاکهایی است که در قرآن و روایات پیامبر اکرم | و ائمه معصومین (ع) است و الا مقام ولایت بر مؤمنان به عنوان خلیفه رسول خدا | از شئون الهی است و انتخاب آن فقط به دستور و راهنمایی خدای تعالی است و هیچ شخصی حق نظر در آن را ندارد و نقش سابقین و خبرگان، در آگاهی دادن به مردم است.. (محقق)

نیز مسلم است که بیعت آن روز مردم، نه از ترس نیروی مسلطی در صحنه بود، و نه به طمع نقدینه ای در بساط»^(۱).

این نامه بیانگر آن است که در بیعت مردم با امام هیچگونه اجباری نبوده؛ بلکه بر عکس این مردم بودند که آن حضرت را وادار به بیعت کردند.

علت اینکه امام(ع) بعد از رحلت پیامبر - با اینکه حکومت حق او بود - اقدام به گرفتن قدرت سیاسی نکرد، این بود که امام معتقد بود که نخست باید انگیزه عمومی در حمایت از آن حضرت ایجاد شود و دوم این که مردم با فکر و اندیشه دست خود را برای بیعت دراز کنند نه از روی طمع یا ترس یا احساسات.

«بیعت شما مردم با من بی مطالعه و ناگهانی نبود و کار من و شما یکسان نیست؛ من شما را برای خدا می خواهم و شما مرا برای خود می خواهید»^(۲).

از این سخن به خوبی معلوم می شود که بیعت مردم از روی شناخت، آگاهی و فکر و اندیشه بوده است و خود امام فرصت این انتخاب آگاهانه را به آنان داده بود.

ص: ۷۱

-
- ۱- عبدالمجید معادیخواه، پیشین، نامه ۵۴، ص ۵۹۳. - أما بعد فقد علمتما - وإن کتمتما - أنى لم أرد الناس حتی أرادونی، ولم أبايعهم حتی بايعونی، وإنکما ممن أرادنی وبايعنی، وإن العامه لم تبايعنی لسلطان غالب ولا لعرض حاضر. (محقق)
 - ۲- محمد دشتی، پیشین، خطبه ۱۳۶، ص ۲۵۵. - لم تکن بیعتکم ایای فلتنه، ولیس امری وأمرکم واحدا. إنی أريدکم لله وأنتم تریدوننی لأنفسکم. (محقق)

اشاره

کلی آزادی بیان از دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین × در قالب سه اصل «مشورت، امر به معروف و نصیحت ائمه مسلمانان» قابل بررسی است.

امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام علی × تا آنجا دارای اهمیت است که در آخرین لحظات عمر به امام حسن و امام حسین علیهم السلام فرمود:

«امر به معروف و نهی از منکر را رها نکنید که بدهای شما بر شما مسلط می شوند، آنگاه هر چه خدا را

بخوانید جواب ندهد» (۱).

در جای دیگر می فرمایند:

«وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتُهُ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ وَ إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يُقَرَّبَانِ مِنْ أَجَلٍ وَ لَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ» (۲)؛

«جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، چونان قطره ای بر دریای موج و پهناور است و همانا امر به معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک می کند و نه از مقدار روزی می کاهد و از همه برتر، سخن حقی در پیش روی حاکمی ستمکار است».

ص: ۷۲

۱- همان، نامه ۴۷، ص ۵۵۹. - لا تتركوا الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فيولى عليكم شراركم ثم تدعون فلا يستجاب لكم. (محقق)

۲- همان، حکمت ۳۷۴، ص ۷۱۹.

در پرتو اصل امر به معروف و نهی از منکر تمامی افراد عادی از شخصیت های اسلامی انتقاد کرده و نظریه های خود را با آنان در میان گذاشته و زمامداران نیز نظریه های آنان را مطالعه یا قبول کرده یا جواب های قانع کننده به آنان می دهند.

حضرت امام علی (ع) بالاترین مرحله امر به معروف و نهی از منکر را گفتن سخن بجا و درست در برابر پیشوایی خودکامه و ستمگر می داند. (۱)

در مورد نتایج مشورت، امام علی (ع) می فرماید:

«من استقبال وجوه الآراء عرف مواقع الخطاء» (۲)؛ «آن کس که از افکار و آراء گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد».

«هر کس خود رأی شد به هلاکت رسید، و هر کس با دیگران مشورت کرد، در عقل آنان شریک شد» (۳).

امام علی (ع) در نامه ۵۳ می فرماید: همه افراد حتی افراد با تجربه از مشورت بپسندید؛ بلکه طبقات اجتماعی باید با یکدیگر مشورت نمایند تا از عقل و اندیشه دیگران بهره گرفته که منجر به پالایش اندیشه و ایجاد پشتیبان می گردد. البته امام بعد از مشورت با مردم تصمیم نهایی را

ص: ۷۳

۱- همان، ص ۷۲۱.

۲- همان، حکمت ۱۷۳، ص ۶۶۷.

۳- همان، حکمت ۱۶۱، ص ۶۶۵ - من استبد برأیه هلک، ومن شاور الرجال شارکها فی عقولها. (محقق)

خود می گرفتند و آن را از اصول مدیریت دانسته که بعد از مشورت مدیران خود تصمیم بگیرند.

برای مشورت در هر امری، باید از مشاورانی مناسب و صاحب اهلیت و باتجربه و با ایمان و با عقل و خداترس بهره گرفت.

با چه کسانی مشورت نکنید

اشاره

امام (ع) به مالک اشتر (ع) می فرماید: با سه دسته مشورت نکن.

۱. بخیل:

چون تو را از نیکوکاری باز می دارد و از تنگدستی می ترساند.

۲. ترسو:

چون در انجام دادن کارها روحیه تو را سست می کند.

۳. حریص:

حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می دهد.

سپس می فرماید: «همانا بخل و ترس و حرص، غرایز گوناگونی هستند که ریشه آنها بدگمانی به خدای بزرگ است.»^(۱)

ص: ۷۴

۱- همان، نامه ۵۳، ص ۵۷۱. - ولا تدخلن فی مشورتک بخيلا يعدل بك عن الفضل ويعدك الفقر، ولا جانا يضعفك عن الأمور، ولا حريصا يزين لك الشره بالجور، فإن البخل والجبن والحرص غرائز شتى يجمعها سوء الظن بالله. (محقق)

مشورت مستمر با مردم، فروزان ترین نور امید را بر دل می تاباند و همگان را به حضور در تمامی صحنه های سیاست و می دارد و مشورت نیرومندترین پشتوانه برای استواری نظام حاکم است.

نصیحت از ریشه نصح، به معنای خلوص است. به عسل خالص؛ عسلی که موم نداشته باشد، «ناصح» گفته می شود. اظهار نظر ناصحانه عبارت است از اظهار نظری که جز قصد خیرخواهی، غرض دیگری در آن نباشد و با شیوه صحیح و درست و خیرخواهانه صورت پذیرد: (۱)

«فعلیکم بالتناصح فی ذلک و حسن التعاون علیه»؛

«بر شما باد که یکدیگر را بر ادای حقوق نصیحت کنید و به خوبی در انجام دادن آن همکاری نمایید...» (۲)

امام (ع) نصیحت را حق حاکم و وظیفه مردم می داند:

«و اما حقّی علیکم فالوفاء بالبیعه و النّصیحه فی المشهد و المغیب»؛

«اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید» (۳)

نصیحت هم شامل پیشنهادهای مفید و سازنده است و هم شامل انتقادهای سازنده و راهگشا، نه انتقاد سوزنده و مغرضانه.

ص: ۷۵

۱- محمد دشتی، پیشین، خطبه ۲۱۶، ص ۴۴۲؛ سید احمد خاتمی، پیشین، ص ۱۵۵.

۲- محمد دشتی، پیشین، خطبه ۲۱۶، ص ۴۴۳.

۳- همان، خطبه ۳۴، ص ۸۹.

انتقاد اعتراضی نسبت به عملکرد شخص است و در صورتی که سازنده و صحیح باشد، باعث رفع نقایص و تکامل می گردد. حضرت امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه می فرماید:

«آنگونه که با زمامداران ستمگر سخن می گوید با من سخن نگوید و آن چنان که در پیشگاه حکام خشمگین و جبار خود را نگاه می دارید، از من فاصله نگیرید و با تصنع با من نیامیزید و چنین مپندارید که اگر با من سخن حقی گفته شود مرا گران می آید و گمان مبرید که من بزرگداشت نفس خویش را خواهانم؛ زیرا آن که از شنیدن حق و پیشنهاد عدالت احساس سنگینی کند، عمل به آن دو برابر برایش سنگین تر خواهد بود. پس از گفتن سخن حق و نظر دادن به عدل دریغ موزید، که من در نزد خود برتر از آن نیستم که خطایی کنم و از خطا در کردار خویش نیز احساس امنیتی ندارم، مگر آنکه خداوند در برابر خویشتن خویشم کفایت کند، که او بیش از خود من نیز قلمرو هستیم را مالک است»^(۱).

ص: ۷۶

۱- همان، خطبه ۲۰۷، ص ۲۴۷. - فلا- تکلمونی بما تکلم به الجبارة ولا- تتحفظوا منی بما يتحفظ به عند أهل البادرة. ولا تخالطونی بالمصانعة. ولا تظنوا بی استتقالا فی حق قیل لی ولا التماس إعظام لِنفسی. فإنه من استثقل الحق أن یقال له أو العدل أن یعرض علیه کان العمل بهما أثقل علیه. فلا تکفوا عن مقاله بحق أو مشوره بعدل، فإنی لست فی نفسی بفوق أن أخطئ، ولا آمن ذلك من فعلی إلا أن یکفی الله من نفسی ما هو أملك به منی. (محمد دشتی، پیشین، خطبه ۲۱۶، ص ۴۴۴) (محقق)

پیشنهاد: ارائه راهکار برای انجام دادن عمل است. امام × برای پیشنهاد های مردم ارزش والایی قائل بود و در مورد احکامی که در کتاب و سنت نیامده بود، از مردم نظرخواهی می کرد.

آن حضرت در عهدنامه مالک اشتر مینویسد:

«برای کسانی که نیازمند مراجعه به تو هستند، بخشی از وقت خود را آزاد بگذار که شخصاً آماده ی پذیرفتنشان باشی و در جلسه ای همگانی با آنان حضور یابی. پس برای همان خداوندی که تو را آفریده است، فروتن باش و به نیروی مسلح خویش از تیره های نظامی و انتظامی، اجازه ی حضور مده، تا سخنگوشان بی هیچ لرزشی و لکنتی، به روشنی کامل با تو سخن بگویند که من از رسول خدا شنیدم که بارها و بارها می فرمود:

«هیچ امتی که در آن با صراحت و بی لکنت، حق ناتوان از زورمند باز گرفته نشود، از ستم پاکسازی نگردد و انگهی بکوش تا ناآگاهی ها و برخوردهای تند و ناتوانشان در سخن گفتن را تاب آوری و از هر سخت گیری و خشونت نسبت به آنان، مانع شوی.» (۱)

ص: ۷۷

۱- عبدالمجید معادیخواه، پیشین، نامه ۵۳، ص ۳۶۲. - واجعل لذوی الحاجات منك قسماً تفرغ لهم فيه شخصك، وتجلس لهم مجلساً عاماً فتتواضع فيه لله الذي خلقك، وتقعده عنهم جندك وأعدائك من أحراسك وشرطك، حتى يكلمك متكلمهم غير متتبع فإني سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول في غير موطن: لن تقدس أمة لا يؤخذ للضعيف فيها حق من القوي غير متتبع. ثم احتمل الخرق منهم والعي ونح عنك الضيق والأذى بيسط الله عليك بذلك أكناف رحمة، ويوجب لك ثواب طاعته. وأعط ما أعطيت هنيئاً وامنح في إجمال وإعذار. (محقق)

آزادی از نظر بیشتر دانشمندان و از دیدگاه اسلام محدود به قانون است و به عبارت دیگر آنان آزادی را در چارچوب قوانین مطلوب و مفید می دانند.

اسلام قوانین فطری خود را مطابق با وضع جسمانی و خصوصیات روحی افراد بشر وضع نموده است؛ بدین معنا که خالق نسبت به مخلوق خود آگاهی کامل دارد و به مصلحت افراد توجه می نماید و قوانین اسلامی در ضمن اینکه آزادی فرد را در نظر دارد، مصالح اجتماعی را نیز در نظر می گیرد؛ آزادی فردی را تا حدی به مردم می دهد که به آزادی دیگران تجاوز نگردد و با اراده حاکم الهی مغایرت نداشته باشد.

از دیدگاه حضرت علی(ع) قوانین اسلام برای تعالی و سعادت انسان ها آمده است و در این راه از هیچ اقدامی فروگذار نکرده است و آزادی انسان ها راهی برای رسیدن به این هدف متعالی است. بنابراین قانون اسلام هیچ گونه محدودیتی برای آزادی انسان قائل نشده، مگر آنکه در تضاد بنیادین با این هدف متعالی و مخالف با قوانین شرع باشند.

امام علی(ع) معتقد است که مرزهای آزادی را قوانین اسلام یعنی کتاب و سنت مشخص می کند و کسی حق ندارد بر خلاف آن رفتار کند و از آن مرزها تجاوز نماید.

۱. رعایت مقررات شرعی

در جایی که کار به نقض و زیر پا گذاشتن احکام الهی و اسلامی بینجامد باید جلوی آن را قاطعانه گرفت، مثلاً حضرت علی در خطبه ای خطاب به طلحه و زبیر مرز آزادی بیان را مشخص می کند:

پس چون خلافت به من رسید، از کتاب خدا و قوانینی که برای ما وضع کرده، ما را فرمان داده بود که بر اساس آن حکم برانیم، پیروی کردم و نیز آنچه از پیامبر - که درود خدا بر او و بر خاندانش باد - به عنوان سنت بر جای مانده، مورد نظر قرار داده، بدان اقتدا کردم، پس در این زمینه به رأی شما و دیگران نیازی نداشتم و در این بیان حکمی پیش نیامده است که جاهل باشم تا با شما و دیگر برادران مسلمانم مشورت کنم که اگر پیش می آمد، از شما و غیر شما روی گردان نبودم. (۱)

۲. رعایت مصالح عمومی

امام (ع) در جایی که وجود آزادی به صلاح عموم افراد جامعه نباشد از آن جلوگیری می کرد.

ص: ۷۹

۱- همان، خطبه ۱۹۶، ص ۲۳۵. - فلما أفضت إلى نظرت إلى كتاب الله وما وضع لنا وأمرنا بالحكم به فاتبعته، وما استسن النبي | فاقتديته. فلم أحتج في ذلك إلى رأيكما ولا رأي غيركما، ولا وقع حكم جهلته فأستشيركما وإخواني المسلمين، ولو كان ذلك لم أرغب عنكما ولا عن غيركما. (محقق)

آزادی افراد و احزاب تا جایی محترم است که موجب تجاوز و تعدی به امور خصوصی و زندگی دیگران نشود. مثلاً آزادی بیان در جایی که موجب اهانت، تهمت و افترا و سلب آرامش دیگران شود، باید از آن جلوگیری کرد.

گفتار چهارم: وحدت حول محور الهی

اشاره

یکی از مقاصد بزرگ انبیا، که علاوه بر اینکه مقصد خود آنان است، وسیله پیشرفت آنان در تشکیل مدینه فاضله نیز به شمار رفته است، وحدت حول محور الهی است.

در نهج البلاغه بارها، انسان‌ها به اتحاد و دوری از اختلاف دعوت شده‌اند.

از دیدگاه امام علی(ع) اتحاد و پیوستگی موجب عزت و اختلاف و از هم گسیختگی موجب خذلان و کوچکی است. پیشرفت و تأمین سعادت مادی و معنوی در سایه اتفاق و اجتماع است که جامه فعلیت در بر می‌کند هم چنان که انحطاط و سیر قهقرایبی افراد یک جامعه مولود نامبارکی است که از نطفه عداوت و تفرقه متولد شده است.

امام(ع) در خطبه بلند قاصعه می‌فرماید:

«پس آنگاه که در تفاوت حال آنان به هنگامی که در خوبی بودند در زمانی که در شر و بدی قرار داشتند اندیشه نمودید به سراغ کارهایی روید که موجب عزت و اقتدار آنان شد، دشمنان را از آنان دور کرد و عافیت و سلامتی به آنان روی آورد.

نعمت

را در اختیارشان قرار داد و کرامت و شخصیت باعث پیوند اجتماعی آنان شد؛ یعنی از تفرقه و پراکندگی اجتناب ورزیدند و بر الفت و هم گامی همت گماشتند و یکدیگر را به آن توصیه و تحریض نمودند. از هر کاری که ستون فقرات آنان را در هم شکست و قدرتشان را سست کرد، اجتناب ورزیدند؛ یعنی از کینه های درونی، بخل و حسادت و پشت کردن به هم و ایجاد فتور و سستی بین جامعه، سخت دوری گزیدند... بنگرید آنان چگونه بودند هنگامی که جمعیت‌هایشان متحد، خواسته ها متفق، قلب ها و اندیشه ها معتدل، دستها پشتیبان هم، شمشیرها یاری کننده همدیگر، دیده ها نافذ و عزم ها و مقصودهاشان همه یکی بود. آیا آنان مالک و سرپرست اقطار زمین نگردیدند؟ آیا زمامدار و رئیس همه جهانیان نشدند؟ از آن طرف به پایان کار آنان نیز نگاه کنید. آن هنگام که پراکندگی در میان آنان واقع شد، اُفتشان به تشتت گرایید، اهداف و دل ها اختلاف پیدا کرد، به گروه های متعددی تقسیم شدند، و در عین پراکندگی با هم به نبرد پرداختند، (در این هنگام بود) که خدا لباس کرامت و عزت از تنشان بیرون کرد و وسعت نعمت را از آنان سلب نمود، تنها آنچه از آنان باقی مانده سرگذشت آنان است که در بین شما به گونه درس عبرتی برای آنان که بخواهند عبرت گیرند، دیده می شود» (۱).

ص: ۸۱

۱- عباسعلی عمید زنجانی، بنیادهای ملیت در جامعه ایده آل اسلامی، تهران: انتشارات واحد تحقیقات، ۱۳۶۱، صص ۴۸ - ۴۷. - واحذروا ما نزل بالأمم قبلکم من المثالات بسوء الأفعال و ذمیم الأعمال. فتذکروا فی الخیر و الشر أحوالهم. واحذروا أن تكونوا أمثالهم. فإذا تفکرتم فی تفاوت حالهم فالزموا کل أمر لزمتم العزّة به شأنهم، وزاحت الأعداء له عنهم، ومدت العافیة فیہ علیهم، وانقادت النعمه له معهم، ووصلت الکرامه علیه حبلهم من الاجتناب للفرقه و اللزوم للألفه، والتحاض علیها والتواصی بها، واجتنبوا کل أمر کسر فقرتهم وأوهن منتهم. من تضاعن القلوب، وتشاحن الصدور، وتدابرن النفوس، وتخاذل الأیدی، فانظروا کیف کانوا حیث کانت الاملاء مجتمعه والأهواء متفقه، والقلوب معتدله، والأیدی مترادفه، والسیوف متناصره، والبصائر نافذه، والعزائم واحده. ألم یكونوا أربابا فی أقطار الأرضین وملوکا علی رقاب العالمین. فانظروا إلی ما صاروا إلیه فی آخر أمورهم حین وقعت الفرقة، وتشتت الألفه واختلفت الکلمه والأفئده، وتشعبوا مختلفین، وتفرقوا متحازبین قد خلع الله عنهم لباس کرامته، وسلبهم غضارہ نعمته وبقي قصص أخبارهم فیکم عبرا للمعتبرین. (نهج البلاغه، محمد دشتی، خطبه ۱۹۲، ص ۳۹۲). (محقق)

امام علی(ع) در خطبه بالا به شش مورد زیر از آثار الفت و اجتماع انسان ها با یکدیگر اشاره کرده است:

۱. عزّت و اقتدار که شکوه و جلال بیرونی است؛

۲. کرامت که فرهمندی و بزرگی درونی است؛

۳. دفع دشمنان؛

۴. تأمین عافیت و سلامتی؛

۵. فراهم آمدن نعمت؛

۶. اتحاد را زمین‌ساز پیروزی و اختلاف میان مسلمانان را زمینه ساز شکست می داند.

بر اساس احترام و کرامت ذاتی، اسلام همه بشر را به عنوان یک مَلّت معرفی

ص: ۸۲

می‌کند؛ ملّتی که همه انسان‌ها را شامل می‌گردد. اسلام این وحدت اصیل را به صراحت اعلام داشته و تفرقه‌ها و اختلافها را عرضی و ناشی از پیروی از خواهش‌های نفسانی می‌شمارد و رمز بعثت انبیا را در حل این اختلاف و رهبری مجموعه انسان‌ها معرفی می‌نماید، قرآن اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های پوست بدن‌ها را نه تنها مانع از وحدت انسانیت نمی‌داند، بلکه این گونه اختلاف را از سنن آفرینش و از مظاهر قدرت الهی می‌شمارد؛ اختلاف‌های قبیله‌ای و نژادی را به عنوان عامل و موجب تشدید وحدت و علائق حیات اجتماعی و تعاون جامعه بشری یاد می‌کند که همه از برکات بهره‌های وجودی دیگران، انتفاع می‌برند و مواهب و ذخائر زمین و آسمان‌ها برای انتفاع همگانی به مصرف می‌رسد و از این راه جنگ و جدال‌ها و کشمکش‌ها و حقه‌ها و بالاخره آنچه با وحدت انسانی تضاد دارد، از میان می‌رود و انسان‌ها چون برادران صمیمی، با پیروی از نمایندگان الهی در کنار هم و در سایه تعاون زندگی خوشبختانه و سعادت‌مندانه می‌یابند.

اسلام به هیچ وجه اجازه نمی‌دهد که موضوع تفاوت استعداد‌های افراد یا موقعیت‌های مختلف اجتماعی و سایر اختلاف‌های طبیعی دیگر، در جامعه انسانی به صورت دژها درآید و بر اساس این گونه امتیازها، جامعه به گروه‌های مختلف تجزیه شود و آنگاه این دسته‌بندی‌ها و پراکندگی‌ها مایه تمایز و تشخیص و احیاناً موجب ستمگری و بی‌عدالتی گردد.

امام (ع) در یکی از نامه‌های خود به منذر بن جارود عبیدی که یکی از والیانش بود، او را از اینکه ضوابط دینی را قربانی روابط خویشاوندی و عشیره‌ای

نموده، برای عشیره خود بیش از استحقاق از بیت المال مصرف نمود، توییح شدیدی می نماید و در قسمتی از نامه مذکور چنین آمده است:

«اَمَّا بَعْدُ! بِيْ گمان شایستگی های پدرت مرا فریفته تو کرد و چنین پنداشتم که تو نیز راه او را پی می گیری و روش پدر را دنبال می کنی؛ اَمَّا بِنَاگهان از تو و کارکردت گزارشی به من رسید و تو را در این چهره دیدم که هوسهایت به تمام مهارها گسیخته اند و نمی کوشی که آخرتت را توشه ای بگذاری! دنیایت را به بهای ویرانی آخرت آبادان می کنی و با گسستن از دین و قطع رشته های دیانتت تنها به خویشاوندان خویش می رسی. راستی اگر این گزارش رسیده، درست باشد، شتر قبیح تو و میخ کفشت در نزد من بارزتر از خود تواند و کسی که ویژگی هایی چون تو داشته باشد، شایسته ی آن نیست که روزنه های نفوذ دشمن با وجود او سد شود؛ قانونی به اجرا درآورد؛ بهایی والا بیاید و در امانتی شریک شود یا از ارتکاب خیانتی مصون انگاشته گردد» (۱).

امام (ع) معتقد بود در جامعه ای که مردم دارای عقاید مختلف و آرا و

ص: ۸۴

۱- عبدالمجید معادیخواه، پیشین، نامه ۷۱، ص ۳۸۲. - اَمَّا بَعْدُ فَإِنْ صَاحِبُ أَيْبِكُمْ غَرَبِيْ مَنْكُ، وَظَنَنْتَ أَنَّكَ تَتَّبِعُ هَدْيَهُ وَتَسْلُكُ سَبِيلَهُ، فَإِذَا أَنْتَ فِيمَا رَقِيَ إِلَى عُنُقِكَ لَا تَدْعُ لِهَوَاكَ انْقِيَادًا، وَلَا تَبْقَى لِآخِرَتِكَ عِتَادًا، تَعْمُرُ دُنْيَاكَ بِخَرَابِ آخِرَتِكَ، وَتَصِلُ عَشِيرَتَكَ بِقَطِيعَةِ دِينَكَ. وَلَئِنْ كَانَ مَا بَلَغَنِيْ عُنُقِكَ حَقًّا لَجَمَلِ أَهْلِكَ وَشَسَعِ نَعْلِكَ خَيْرَ مَنْكُ. وَمَنْ كَانَ بِصِفَتِكَ فَلَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يَسُدَّ بِهْ ثَغْرًا، أَوْ يَنْفِذَ بِهْ أَمْرًا، أَوْ يَعْطَى لَهْ قَدْرًا أَوْ يَشْرَكَ فِيْ أَمَانَةٍ أَوْ يُؤْمِنَ عَلَيَّ خِيَانَةً فَأَقْبِلْ إِلَيَّ حِينَ يَصِلُ إِلَيْكَ كِتَابِيْ هَذَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (محقق)

تمایلات متضاد و اراده های متخالف هستند، هرگز نسبت به یکدیگر - آن چنان که شایسته و نیاز یک اجتماع واحد است - ابزار همکاری و مساعدت نموده، در رفع احتیاجها و مشکلات زندگی همدیگر، تشریک مساعی نخواهند کرد.

تضاد در فکر و عقیده، همواره توأم با تضاد اراده ها و مصالح است و مولود تضاد اراده ها و خواسته ها، به جز نفاق و کشمکش و ستیز نمی تواند باشد و با وجود چنین حالتی، هرگز همزیستی و وحدت و هماهنگی اجتماعی

تحقق نخواهد پذیرفت؛ گو اینکه عناصر دیگری همچون «خاک»، «خون»، «نژاد» و ... افراد را به همدیگر نزدیک و ظاهراً جهت اتحادی بین آنان به وجود آورده باشند. در صورتی که مجمعی که مرکب از افراد مختلف از نظر «نژاد» و «خاک» و «خون» هستند، اگر واجد «وحدت فکر و عقیده و هدف» باشند، خواهند توانست بر اساس آن، برنامه ای واحد بر اساس مصالح متحدی تنظیم و با هماهنگی خاص آن را اجرا و همگی در ابقای آن تشریک مساعی نمایند. امیر المؤمنین (ع) مقصد و هدف وحدت را در توحید کلمه می داند و از قول پیامبر | می فرماید: {واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا} (۱).

از نظر امام هرگونه اجتماعی نمی تواند زمینه لازم برای وصول به سعادت و انسانیت واقعی و مطلوب را فراهم نماید؛ زیرا بعضی از اجتماعهای انسانی فقط در رفع نیازهای مادی انسان سودمنداند؛ ولی به سبب انحطاط معنوی نمی توان از آنها در زمینه های مربوط به اطاعت خدا و اجرای دستورهای الهی یاری جست.

ص: ۸۵

امام(ع) معتقد است که وحدت در میان انسان باید بر پایه «حبل الله» باشد تا جامعه سعادت‌مند شود.

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران+، در جوامع اسلامی وحدتی را پایدار و مقدس می‌دانست که بر محورهای خدشه‌ناپذیر استوار باشد و می‌فرمود:

«با وحدت اسلامی تحت تعالیم قرآن مجید با هم مجتمع شوید. مهم این نیست که همه با هم در یک امری مجتمع باشید و متفرق نباشید، امر خدا به این است که همه با هم اعتصام به حبل الله کنید. انبیا نیامده‌اند که مردم را در امور با هم مجتمع کنند انبیا آمده‌اند که همه را در راه حق مجتمع کنند»^(۱).

ایشان می‌فرماید:

«برای اینکه نظام اسلامی حفظ شود و پابرجا بماند باید تفاهم میان تمام افراد جامعه به وجود آید. «مؤمنون إخوة» اگر این اخوت ایمانی در سر تا سر جامعه حفظ شود و هر کسی به خودش توجه نداشته باشد و توجه به مقصد داشته باشد، دیگر کسی نمی‌تواند دست تعدی به کشور دراز کند و شیطان قدرت نفوذ نخواهد داشت و لیکن هنگامی که این اخوت ایمانی سست شود، آن روز است که شیاطین در بین شما رخنه کرده، شما را به جان همدیگر می‌اندازند و قدرت‌های بزرگ استفاده‌اش را می‌کنند.

افراد باید دست از اغراض شخصی خود بردارند و برای خدا و

ص: ۸۶

۱- سید احمد خمینی، وحدت در اندیشه امام خمینی، آوای وحدت، چاپ اول، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت تبلیغات و انتشارات، مرداد، ۱۳۷۴، ص ۲۲.

رسیدن به مقصد والای الهی با یکدیگر متحد شوند و ما برای خدا باشیم؛ چون از او هستیم و هر چه داریم از اوست؛ قدرت هر چه هست از اوست؛ نعمت هر چه هست از اوست؛ و او «نور السماوات و الارض» است و ما موظف هستیم از طرف او و از طرف عقل، و وجدان خود به آن کسی که ولی همه چیز ما هست خدمت کنیم و آمال و آرزوهای ما این باشد که دین او را تقویت کنیم و اسلام را در بین بشر پیاده کنیم و این نمی شود مگر با وحدت کلمه و دست برداشتن از اختلافات، از دیدگاه ایشان «+» وحدت باعث استقلال و آزادی ملت گردیده و دست اجانب از مملکت کوتاه می شود.»(۱)

عوامل و محورهای وحدت از دیدگاه امیرالمؤمنین(ع)

۱. خدا و پیامبر(ص)

امام طی بیانیه ای که در آن برای تمامی مسلمانان در سرتا سر کشور، مسایل مربوط به جریان پیکار صفین را بازگو فرمود، گفتند:

«جریان کار ما با درگیری با گروهی از اهل شام آغاز شد، در حالیکه به ظاهر پروردگار، پیامبر و دعوت اسلامی یکی بود.»(۲)

ص: ۸۷

۱- روح الله خمینی، وحدت از دیدگاه امام خمینی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۴۸.
۲- عبدالمجید معادیخواه، پیشین، نامه ۵۸، ص ۳۷۰. - وکان بدء أمرنا أنا التقینا والقوم من أهل الشام. والظاهر أن ربنا واحد ونینا واحد، ودعوتنا فی الاسلام واحدة. (محقق)

«مبادا در دین، دو رنگ باشید که همبستگی و اتحاد در راه حق، گرچه از آن کراهت داشته باشید، بهتر است از پراکندگی در راه باطلی (که مورد علاقه شماست، چه اینکه خداوند سبحان به هیچ کس، نه گذشتگان و نه آنان

که هم اکنون) هستند؛ در اثر تفرقه چیزی نبخشیده است»^(۱).

از نظر امام(ع) دین و دستوره‌های آن یکی از اساسی‌ترین و اصیل‌ترین نیازهای یک جامعه است و رفع نیازهای مادی جامعه را مقدمه‌ای برای وصول به اهداف دینی و تکامل معنوی می‌داند تا آنجا که اگر جامعه در امور مربوط به دین اهتمام کافی نداشته باشد، امام دستور تفکیک و جدایی زندگی معنوی را از زندگی مادی می‌دهد که البته این جدایی به معنای دور شدن از افکار و روحیات جامعه است.

امام علی(ع) می‌فرماید:

«در بین مردم چنان باشید که زنبور عسل در میان پرندگان هست، هیچ پرنده‌ای نیست مگر اینکه زنبور عسل آن را با (نیش خود) ناتوان می‌کند؛ اگر زنبور عسل از آنچه در درون این پرندگان هست خبر داشته باشد، دست به آن کار نمی‌زند!»^(۲).

ص: ۸۸

۱- همان، خطبه ۱۷۵، ص ۲۰۸. - فایاکم والتلون فی دین الله، فإن جماعه فیما تکرهون من الحق خیر من فرقه فیما تحبون من الباطل. وإن الله سبحانه لم یعط أحدا بفرقه خیرا ممن مضی ولا ممن بقی. (نهج البلاغه، محمد دشتی، خطبه ۱۷۶، ص ۳۳۸). (محقق)

۲- «.... عن مالک بن ضمیره، قال: قال أمير المؤمنين (ع) لشيئته: كونوا في الناس كالنحل في الطير، ليس شيء من الطير إلا وهو يستضعفها، ولو يعلم ما في أجوافها لم يفعل بها ما يفعل. خالطوا الناس بأبدانكم، وزائلوهم بقلوبكم وأعمالكم، فان لكل امرئ ما اكتسب من الإثم، وهو يوم القيامة مع من أحب.....»؛ (بحار الانوار، ج ۲، باب ۱۳) (النهي عن كتمان العلم والخيانة و جواز الكتمان عن غير اهله)، ص ۷۹، ح ۷۰، بيروت) (محقق)

انسان با توجه به ضرورت زندگی اجتماعی، باید همانند زنبور عسل عمل نماید، یعنی همانطور که زنبور عسل بدون توجه به پرندگان، منافع خود را از آنها به دست می آورد، انسان نیز در صورت قرار گرفتن در جامعه ای منحط که در آن همکاری معنوی ممکن نباشد - باید بدون توجه به درون افراد و افکاری که بر آنان حاکم است - نیازهای مادی خود را به وسیله آنان برطرف کند و در امور معنوی از آنان جدا شده، عزلت اختیار نماید. (۱)

۳. کتاب و قانون مدون الهی

«این کتاب، کتاب پروردگار شماسست، کتابی که میان حلال و حرام، واجبات و مستحبات، ناسخ و منسوخ، رخصت ها و عزیمت ها، خاص و عام، عبرتها و مثل ها، مطلق و مقید و محکم و متشابه آن فاصله ای روشن است». (۲)

۴. امام و رهبر

«واقعیت جز این نیست که من قطب آسیابم، چرخ های کشور

ص: ۸۹

-
- ۱- ولی الله برزگر کلیدی، جامعه از دیدگاه نهج البلاغه، چاپ اول، قم: مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۲۵۷.
 - ۲- عبدالمجید معادیخواه، پیشین، خطبه ۱، ص ۲۱. - کتاب ربکم فیکم مبینا حلاله و حرامه و فرائضه و فضائله و ناسخه و منسوخه. و رخصه و عزائم. و خاصه و عامه. و عبره و أمثاله. و مرسله و محدوده. و محکمه و متشابهه مفسرا مجمله و مبینا غوامضه. (محقق)

باید همواره بر محور من بچرخد و من در جای خویش

ثابت بمانم؛ اگر لحظه ای من جایگاهم را رها کنم، مدارش سرگردان می شود و سنگ زیرین آن به لرزش درمی آید».(۱)

۵. انبوه های مردم

تنها انبوهه ی مردم اند که دین را تکیه گاه، مسلمانان را ریشه رؤیا و در نبرد با دشمنان نیز وی ذخیره اند، پس گوش تو ویژه آنان و گرایش همسویشان باشد.(۲)

۶. انسانیت

امام علی(ع) وقتی مالک اشتر را به فرماندهی مصر برگزید، به او فرمود:

«قلب تو را پوششی باید که تار و پودش مهر مردم و دوستی و لطف آنان باشد، مباد مردم را درنده ای خون آشام باشی که خوردنشان را غنیمت شماری؛ چرا که مردم به تمام دو گروه اند: یا در دین برادران تواند، یا در آفرینش هموعانت».(۳)

ص: ۹۰

۱- همان، خطبه ۲۳۴، ص ۲۷۷. - وإنما أنا قطب الریحی تدور علی وأنا بمکانی، فإذا فارقتہ استحار مدارها واضطرب ثفالها. (محقق)

۲- همان، نامه ۵۳، ص ۳۵۴. - وإنما عماد الدین وجماع المسلمین والعدۃ للأعداء العامۃ من الأمۃ، فلیکن صغوک لهم ومیلک معهم. (محقق)

۳- همان، نامه ۵۳، ص ۳۵۲. - وأشعر قلبک الرحمۃ للرعیۃ والمحبۃ لهم واللطف بهم. ولا- تکونن علیهم سبعا ضاریا تغتنم أکلهم، فإنهم صنفان إما أخ لک فی الدین وإما نظیر لک فی الخلق. (محقق)

۱. وحدت بشریت

در آیه ۱۳ حجرات خداوند می فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»

هدف از اینکه افراد را به صورت قبایل و اقوام مختلف آفریده است، این است که بایکدیگر انس بگیرند؛ زیرا خداوند می فرماید: شما فرزندان آدم هستید نه اینکه این اختلافهای باعث فخرفروشی و وسیله مباحات افتخار و سیطره و اعمال سلطه قبیله ای بر قبیله دیگر، یا قومی بر قوم دیگر شود.

۲. وحدت ادیان الهی (توحیدی)

منظور وحدت میان ادیان الهی و اسلام است که دین اسلام با آنها مشترکات زیادی دارد.

حقیقت اسلام یعنی تسلیم برای خدا باشد، خدا را عبادت کند، خدا را اطاعت کند و معصیت نکند.

خداوند در آیه ۶۴ آل عمران می فرماید:

{قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا...}

«بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی کلمه ای که بین ما که

مسلمانیم و شما که اهل کتابید، یهودی هستید یا نصرانی، مشترک است و آن این است که خدای ما یکی است و همه ما موحد هستیم، جز او را به عنوان خدا نپرستیم و به خدا شرک نوزیم گرد هم آییم».

در این آیه یک نوع وحدت که در ادیان آسمانی وجود دارد و مرز بین ادیان آسمانی (توحیدی) و ادیان شرک مطرح می گردد.

۳. وحدت امت اسلامی

اشاره به این است که مسلمانان امت واحده هستند؛ زیرا موحد و خداپرست و پیرو یک پیغمبر و شریعت هستند. البته لازم به یادآوری است که معانی وحدت امت اسلامی با اخوت اسلامی متفاوت است؛ زیرا وحدت اسلامی، امری سیاسی و اجتماعی و اخوت اسلامی بیشتر امری عاطفی است. (۱)

یکی از آیات اخوت اسلامی آیه ۱۰۳ آل عمران است که می فرماید:

{وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا ...}

«هم به ریسمان الهی چنگ بزنید و فرقه فرقه نشوید، و به یاد آورید آن هنگام را که شما دشمن هم بودید و خداوند دل های شما را با هم الفت داد و با این نعمت خدادادی برادر یکدیگر شوید».

ص: ۹۲

۱- محمد واعظ زاده خراسانی، ندای وحدت (مجموعه گفتارهای دبیر کل مجمع تقریب مذاهب اسلامی در نماز جمعه تهران)، چاپ اول، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، مرداد، ۱۳۷۴، ص ۲۲.

پس هنگامی امت واحده اسلامی خواهیم داشت که:

نخست: به دین خدا معتصم و به قرآن متمسک باشند.

دوم: دلهاشان با یکدیگر الفت داشته باشد.

اتحاد و الفت اسلامی تا آنجا اهمیت دارد که خداوند سبحان هم بعد از رحلت پیغمبر اکرم | مردم را بدون سرپرست رها نمی کند تا رشته اتحاد که در اثر ایثار و فداکاری های پیغمبر | و بهترین رجال مؤمن پدید آمده است، از هم ننگسد.

درباره زیان تفرقه و اختلاف و مبارزه با کسی که می خواهد میان مسلمانان پراکنده گی ایجاد نماید، علی (ع)، آخرین سخن را می گوید و با کمال صراحت فتنه انگیز و تفرقه افکن را مستوجب قتل می داند، حتی از خودش شروع می کند و نه تنها تفرقه افکندن عینی و موجود را سزاوار چنین عقوبتی می داند، بلکه حتی کسی را که شعار تفرقه می دهد و قدم نخستین تفرقه بین مسلمانان را بردارد، سزاوار قتل می داند. (۱)

«همواره با بزرگترین جمعیتها باشید که دست خدا همراه جماعت است؛ از پراکنده گی بپرهیزید که بهره شیطان

است؛ آنگونه که گوسفند تنها طعمه گرگ خواهد بود. بدانید و آگاه باشید! هر کس این شعار تفرقه دهد سزاوار قتل است؛ او را بکشید، هر چند زیر عمامه من باشد». (۲)

ص: ۹۳

۱- سید جواد، مصطفوی، وحدت در نهج البلاغه، کتاب وحدت، چاپ اول، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، آذر ماه ۱۳۶۲، صص ۱۲۸ - ۱۲۷.

۲- محمد دشتی، نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷، ص ۲۴۰. - والزموا السواد الأعظم، فإن ید الله علی الجماعه، وإیاکم والفرقه، فإن الشاذ من الناس للشیطان، كما أن الشاذ من الغنم للذئب. ألا- من دعا إلى هذا الشعار فاقتلوه، ولو كان تحت عمامتی هذه. (محقق)

علی(ع) برای حفظ وحدت مسلمین، از حق خود و همسرش گذشت؛ ناکامی‌ها و ناروایی‌ها را تحمیل می‌کرد و اتحاد مسلمین را بر خود و همسر و فرزندان و تمام شئون خویش مقدم می‌داشت.

عبدالمتعال صعیدی در مقالهای با عنوان «علی بن ابی طالب و تقریب بین مذاهب» می‌نویسد:

«این فضیلت بزرگی برای علی بن ابی طالب - رضی الله عنه و کرم الله وجهه - است که نخستین بنیانگذار تقریب بین مذاهب بود تا اختلاف رأی و نظر موجب تفرق و پراکندگی نگردد و غبار دشمنی میان طوایف مختلف برپا نشود؛ بلکه با وجود اختلاف نظر، وحدت و یگانگی خود را حفظ کنند و برادروار زندگی نمایند و هر کس یا برادرش را نسبت به رأی و نظرش آزاد گذارد، یا با برادرش به نحو شایسته درباره موضوع مورد اختلاف به بحث و گفت و گو می‌پردازد، به طوری که تعصبی نباشد، بلکه مقصود از بحث، رسیدن به حقیقت باشد نه غلبه و پیروزی. این یکی از فضائل علی(ع) است که از فضیلت و شرافت خانوادگی و قرابتش به پیغمبر او سبقتش در ایمان کمتر نیست؛ او بود که جهاد به رأی و جهاد به مال و جهاد به شمشیر کرد. [سپس توضیح می‌دهد] نخستین اختلاف میان مسلمین، اختلاف بر سر خلافت بود و علی «رضی الله عنه» با آنکه می‌دانست از دیگران به خلافت سزاوارتر است

ولی با ابوبکر و عمر و عثمان به مدارا رفتار کرد و از هیچ‌گونه کمک نسبت به

آنان دریغ نفرمود تا نمونه عالی مدارا و حافظ اتحاد، هنگام اختلاف رأی باشد و چون با اصرار مسلمین به خلافت رسید، هیچ کس را ملزم به قبول خلافتش نکرد و با یاران خود آن قدر روح گذشت و مناعت داشت که علیه خوارج حکم نمی نمود، تا وقتی که شمشیر به رویش کشیدند و دستور داد از قاتلش پذیرایی کنند و بیش از یک ضربت به او نزنند» (۱).

امام علی (ع) اتحاد را مهم ترین عامل پیروزی و شرط اجرای حق و عدالت و اهمیت آن را در حرکت های نظامی می داند.

گفتار پنجم: مشارکت فعال مردم

اشاره

اگر بشر را موجودی فطرتاً اجتماعی بدانیم شاید مجبور به اقرار شویم که انسان، به تبع اجتماعی بودنش، باید سیاسی هم باشد؛ چرا که تشکیل هیچ اجتماعی بدون تدبیر امور و اداره آن ممکن نیست. از طرف دیگر شاید غیر عقلانی و غیر عادلانه باشد که به انسان بگوییم موجودی اجتماعی باش و در اجتماع زندگی کن اما در سرنوشت اجتماعی خود دخالتی نداشته باش. آنچه از دیدگاه امام علی (ع) برمی آید این است که مشارکت مردم در امور سیاسی اجتماعی تأثیر دارد و این تأثیرگذاری در سه حوزه و به سه صورت زیر می تواند عملی شود:

ص: ۹۵

۱. اهمیت حضور مردم در بیعت با رهبران

مهم ترین چیز بعد از تشکیل یک جامعه، بیعت با رهبر و پیشواست! امام علی(ع) نخستین اقدام لازم برای مسلمانان، پس از رحلت پیشوایانشان را بیعت کردن با رهبری پاکدامن می داند.

پس از کشته شدن عثمان، مردم به حضور امام علی(ع) آمدند و عرض کردند: خلیفه کشته شده است و برای مردم امامی لازم است و ما بهتر از تو کسی را سراغ نداریم. حضرت از قبول خلافت سرباز زد و فرمود:

«مرا واگذارید و دیگری را به دست آرید؛ زیرا ما به استقبال حوادث و اموری می رویم که رنگارنگ و فتنه آمیز، و چهره های گوناگون دارد و دل ها بر این بیعت ثابت و عقل ها بر این پیمان استوار نمی ماند؛ چهره افق حقیقت را ابرهای تیره فساد فراگرفته و راه مستقیم حق ناشناخته ماند. آگاه باشید! اگر دعوت شما را بپذیرم، بر اساس آنچه می دانم با شما رفتار می کنم و به گفتار این و آن و سرزنش سرزنش کنندگان گوش فرا نمی دهم. اگر مرا رها کنید چون یکی از شما هستم که شاید شنواتر و مطیع تر از شما نسبت به رئیس حکومت باشم، در حالیکه من وزیر و مشاورتان باشم بهتر است که امیر و رهبر شما گردم»(۱).

ص: ۹۶

۱- نهج البلاغه، محمد دشتی، چاپ سوم، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹، خطبه ۹۲، ص ۱۷۳. - دعونی والتمسوا غیری فإنا مستقبلون أمرالہ وجوہ وألوان. لا تقوم له القلوب ولا تثبت علیہ العقول وإن الآفاق قد أغامت والمحجۃ قد تنکرت. واعلموا أنى إن أجبتمکم رکبت بکم ما أعلم ولم أصغ إلى قول القائل وعتب العاتب. وإن ترکتمونی فأنا كأحدکم ولعلی أسمعکم وأطوعکم لمن ولیموه أمرکم. وأنا لکم وزیرا خیر لکم منی أمیرا. (محقق)

چندین روز به همین منوال گذشت و در پی اصرار مردم، امام به آنان فرمودند: شروطی دارم، اگر قبول کنید کار شما را می پذیریم و گرنه نیازی به آن ندارم. گفتند: هر چه بگویی می پذیریم. حضرت فرمود: بیعت من باید در مسجد و با رضایت مسلمانان باشد و آنگاه به مسجد درآمد و مردم با او بیعت کردند.^(۱)

البته لازم به یادآوری است که بیعت مردم با امام علی(ع) هیچ تأثیری در مشروعیت امام(ع) نداشت؛ چرا که مشروعیت آن حضرت الهی بود و طرح این بحث تنها به منظور اهمیت حضور مردم بود.^(۲)

بعد از بیعت، امام بارها یادآور شدند که پذیرش خلافت آن حضرت همراه با رضایت عموم مسلمانان صورت گرفته است.

«دستم را برای بیعت می گشودید و من می بستم، شما آن را به سوی خود می کشیدید و من آن را می گرفتم! سپس چونان شتران تشنه که به طرف آبشخور هجوم می آورند بر من هجوم آوردید، تا آنجا که بند کفشم پاره شد؛ عبا از دوشم افتاد و افراد ناتوان پایمال گردیدند؛ آن چنان مردم در بیعت با من خشنود بودند که خردسالان شادمان، پیران برای بیعت

ص: ۹۷

۱- رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام.

۲- علی اکبر علیخانی، مبانی مشارکت مردم در حکومت و سیره امام علی(ع)، ص ۱۳۳، مشارکت سیاسی، چاپ اول، تهران: نشر سفیر، ۱۳۷۷، ص ۶۸.

کردن لرزان به راه افتادند و بیماران بر دوش خویشان سوار و دختران جوان بی نقاب به صحنه آمدند» (۱).

بعد از بیعت کردن با رهبر از جانب مردم، رهبران تعهداتی دارند که از مهم ترین آن عمل به قرآن و سنت پیامبر است که اگر رهبران به تعهدات خود پایبند نبودند و از مسیر اسلام خارج شدند، مردم می توانند بیعت خود را پس گرفته، از دستورات آنان سرپیچی نمایند؛ چنانکه امام علی (ع) در نامه ۵۰ نهج البلاغه بعد از اینکه وظایف خود را نسبت به مردم برمی شمرد، اطاعت مردم از خود را در صورتی لازم می شمرد که به این وظایف عمل کرده باشد. (۲)

۲. نظارت

یکی دیگر از حوزه هایی که امام (ع) مردم را به مشارکت در امور اجتماعی دعوت می فرمود، نظارت آنان بر کارهای زمامداران بود. یکی از زیرمجموعه های

ص: ۹۸

۱- محمد دشتی، پیشین، خطبه ۲۲۹، صص ۴۶۷-۴۶۶. - وبسطم یدی فکففتها، ومددموها فقبضتها، ثم تداکتم علی تداک الابل الهمیم علی حیاضها یوم ورودها حتی انقطعت النعل وسقطت الرداء ووطئ الضعیف وبلغ من سرور الناس بیعتهم إیای أن ابتهج بها الصغیر وهدج إليها الکبیر وتحامل نحوها العلیل، وحسرت إليها الکعاب. (محقق)

۲- - أما بعد فإن حقا علی الوالی أن لا یغیره علی رعیتة فضل ناله ولا طول خص به وأن یزیده ما قسم الله له من نعمه دنوا من عباده وعطفا علی إخوانه. ألا- وإن لکم عندی أن لا- أحتجز دونکم سرا إلا- فی حرب ولا أطوی دونکم أمرا إلا فی حکم ولا أؤخر لکم حقا عن محله، ولا- أقف به دون مقطعه وأن تكونوا عندی فی الحق سواء، فإذا فعلت ذلك وجبت لله علیکم النعمة ولی علیکم الطاعة، وأن لا تنکصوا عن دعوة ولا تفرطوا فی صلاح وأن تخوضوا الغمرات إلى الحق فإن أنتم لم تستقیموا علی ذلك لم یکن أحد أهون علی ممن اعوج منکم، ثم أعظم له العقوبة، ولا- یجد فیها عندی رخصة. فخذوا هذا من أمرائکم، وأعطوهم من أنفسکم ما یصلح الله به أمرکم. (محقق)

نظارت امر به معروف و نهی از منکر است. امام علی(ع) نه تنها اطاعت از رهبران و نظام سیاسی مرتکب منکر را منع می فرمود؛ بلکه مردم را موظف می کرد تا امر به معروف کرده و در مقابل منکر ایستادگی کنند و با او به مخالف برخیزند و از دستورات او نافرمانی کرده، با استناد به قرآن و سنت و مبانی اسلام، سخن حق و عدل را بر زبان جاری سازند.^(۱)

«ای مؤمنان! هر کس تجاوزی را بنگرد و شاهد دعوت به منکری باشد و در دل آن را انکار کند خود را از آلودگی سالم داشته است، و هر کس زبان آن را انکار کند پاداش داده خواهد شد و از اولی برتر است و آن کس که با شمشیر به انکار برخیزد تا کلام خدا بلند و گفتار مسلمانان نیست گردد، او راه رستگاری را یافته و نور یقین در دلش تابیده است.»^(۲) امر به معروف و نهی از منکر همان نظارت عمومی و مسئولیت همگانی است که بر عهده همه مردان و زنان مسلمان که واجد شرایط هستند نهاده شده است. به عبارت دیگر، امر به معروف و نهی از منکر، اساس و شالوده اجرای همه احکام و دستورهای اسلامی است؛ زیرا بدون این وظیفه جمعی، همه احکام اسلامی معطل می ماند.^(۳)

ص: ۹۹

۱- علی اکبر علیخانی، پیشین، صص ۱۵۸ - ۱۵۷.

۲- محمد دشتی، پیشین، حکمت ۳۷۳، ص ۷۱۹. - أیها المؤمنون إنه من رأى عدوانا يعمل به ومنکرا یدعی إلیه فأنکره بقلبه فقد سلم وبرئ ومن أنکره بلسانه فقد أجر وهو أفضل من صاحبه. ومن أنکره بالسيف لتكون كلمة الله هي العليا وكلمة الظالمين هي السفلى فذلك الذى أصاب سبيل الهدى وقام على الطريق ونور فى قلبه اليقين. (محقق)

۳- سعید کریمی، مبانی مشارکت مردم در حکومت در سیره امام علی «علیه السلام»، نشر سفیر، تهران: ۱۳۷۷، ص ۵۰.

در پرتو اصل امر به معروف و نهی از منکر تمامی افراد عادی از شخصیت های اسلامی انتقاد کرده و نظریه های خود را با آنان در میان گذاشته و زمامداران نیز نظارت آنان را مطالعه یا قبول کرده یا جواب های قانع کننده به آنان می دهند.

یکی از اهداف نظارت بر سیاستگذاری و عملکرد رهبران و مدیران جامعه این است که سستی، کم کاری، تخلف، سوء استفاده و ... در نظام سیاسی به حداقل می رسد و کارآیی، قانون محوری و حق مداری برای عزت و اعتلای کشور و منافع ملی به حداکثر ممکن برسد. حال اگر حکومتی دارای پشتوانه و پایگاه قومی مردمی باشد، بهترین ناظر همان مردم اند، به شرط آنکه نخبگان سیاسی از نظارت و انتقاد مردم تلقی منفی نداشته باشند، حتی اگر علیه خود آنان باشد. در این صورت مردم به عنوان آئینه نظام سیاسی، عیوب و نقاط ضعف آن را نشان می دهند و نخبگان سیاسی به جای شکستن آئینه، ضعف ها، کاستی ها و عیوب را می بینند و از بین می برند. این گونه است که مردم و نظام، به عنوان دو جزء از یک مجموعه واحد، مکمل یکدیگر می شوند و پیشرفت و تکامل عینیت می یابد. (۱)

از مهم ترین اقدامات امام علی (ع) برای تحقق نظارت مردم تشکیل «ولایه العظام» بود که به صورت یک دادگاه عالی عمل می کرد و وظیفه آن تنها رسیدگی به شکایات مردم از دولت و مأموران دولتی و حکام ایالات و ولایات بود. (۲)

ص: ۱۰۰

۱- همان، ص ۱۳۹.

۲- همان، ص ۱۴۰.

امام علی(ع) در صحرائی صفین پس از بیان حقوق اجتماعی میان زمامداران و مردم فرمود:

ای مردم! از پست ترین حالات زمامداران در نزد صالحان این است که گمان برند آنان دوستدار ستایش اند و کشورداری آنان بر کبر و خودپسندی استوار باشد و خوش ندارم، در خاطر شما بگذرد که من ستایش را دوست دارم و خواهان شنیدن آن باشم؛ سپاس خدا را که چنین نبودم و اگر ستایش را دوست می داشتم، آن را رها می کردم به خاطر فروتنی در پیشگاه خدای سبحان، و بزرگی و بزرگواری که تنها خدا سزاوار آن است. گاهی مردم، ستودن افرادی را برای کار و کوشش روا می دانند اما من از شما می خواهم که مرا با سخنان زیبای خود مستایید تا از عهده وظائفی که نسبت به خدا و شما دارم برآیم و حقوقی که مانده است پردازم و واجباتی که بر عهده من است و باید انجام گیرد، ادا کنم. پس با من چنانکه با پادشاهان سرکش سخن می گویند، حرف نزنید و چنانکه از آدم های خشمگین کناره می گیرند دوری نجوید و با ظاهرسازی با من رفتار نکنید و گمان مبرید اگر حقّی به من پیشنهاد دهید بر من گران آید یا در پی بزرگ نشان دادن خویشم؛ زیرا کسی که شنیدن حق یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن، برای او دشوارتر خواهد بود پس، از گفتن حق، یا مشورت در عدالت خودداری نکنید؛ زیرا

خود را برتر از آن که اشتباه کنم و از آن ایمن باشم نمی دانم، مگر آن که خداوند مرا حفظ فرماید» (۱).

در این سخن امام (ع) مطالب و نکات شایان توجهی وجود دارد.

حضرت علی (ع) زشت ترین خوی حاکمان راستایش طلبی آنان می داند و از مردم می خواهد که او را مورد ستایش قرار ندهند؛ و به مالک اشتر می فرماید:

«مبادا هرگز دچار خودپسندی گردی! و به خوبیهای خود اطمینان کنی، و ستایش را دوست داشته باشی، که اینها همه از بهترین فرصت های شیطان برای هجوم آوردن به توست، و کردار نیک نیکوکاران را نابود سازد» (۲).

زیرا می داند اگر حاکمان به ستایش عادت کنند در صورتی که مردم کوچک ترین انتقادی را به آنان کنند خشمگین می گردند و دیگر مردم جرأت

ص: ۱۰۲

۱- محمد دشتی، پیشین، خطبه ۲۱۶، ص ۴۴۵. - وإن من أسخف حالات الولاة عند صالح الناس أن يظن بهم حب الفخر ويوضع أمرهم على الكبر. وقد كرهت أن يكون جال في ظنكم أني أحب الاطراء واستماع الثناء ولست بحمد الله كذلك. ولو كنت أحب أن يقال ذلك لتركته انحطاطا لله سبحانه عن تناول ما هو أحق به من العظمة والكبرياء. وربما استحلى الناس الثناء بعد البلاء فلا- تننوا على بجميل ثناء لإخراجي نفسي إلى الله وإليكم من التقيّة في حقوق لم أفرغ من أدائها وفرائض لا بد من إمضائها، فلا تكلموني بما تكلم به الجابرة ولا تتحفظوا مني بما يتحفظ به عند أهل البادرة. ولا تخالطوني بالمصانعة. ولا تظنوا بي استثقلا في حق قيل لي ولا التماس إعظام لنفسي. فإنه من استثقل الحق أن يقال له أو العدل أن يعرض عليه كان العمل بهما أثقل عليه. فلا- تكفوا عن مقاله بحق أو مشورة بعدل، فإنني لست في نفسي بفوق أن أخطئ، ولا- آمن ذلك من فعلى إلا أن يكفى الله من نفسي. (محقق)

۲- همان، نامه ۵۳، ص ۵۸۹. - وإياك والإعجاب بنفسك والثقة بما يعجبك منها وحب الاطراء فإن ذلك من أوثق فرص الشيطان في نفسه ليمحق ما يكون من إحسان المحسنين. (محقق)

کوچک ترین انتقادی را نخواهند داشت و در این صورت رهبر جامعه از مردم فاصله گرفته، نسبت به حقایق و اتفاقات آن کم اطلاع می شود. بنابراین اطرافیان اطلاعات را طوری جهت خواهند داد که بنا به میل و علاقه رهبر جامعه باشد که در این صورت حقایق جامعه و اطلاعات کامل به او نمی رسد. پس کار بزرگ در نزد آنان خرد به شمار می آید و کار خرد، بزرگ جلوه می نماید، زیبا، زشت می شود و باطل به لباس حق درمی آید. (۱)

امام (ع) پس از آن، از مردم می خواهند که پیشنهادات و انتقاداتی را که نسبت به ایشان دارند بدون ترس و لکنت زبانی و برای احقاق حق و عدالت بیان نمایند؛ چرا که سخن حق - هر قدر هم که تلخ باشد - برای آن حضرت سنگین نیست اما در حقیقت می خواهد رابطه مستقیم میان مردم و زمامداران به وجود آید تا حقایق و مشکلات جامعه روشن گردد تا با رفع آن مشکلات و مسائل، جامعه زنده و استوار بماند.

حضرت امام علی (ع) یکی از حقوق واجب رهبر بر مردم را نصیحت او در آشکار و نهان می داند (۲) و از مردم می خواهد با نصیحت عاری از دورویی و دغل او را یاری کنند. (۳)

ص: ۱۰۳

۱- همان، نامه ۵۳، ص ۵۸۵. - وأما بعد فلا تطولن احتجاجك عن رعيتك، فإن احتجاج الولاة عن الرعية شعبة من الضيق، وقله علم بالأمور. والاحتجاج منهم يقطع عنهم علم ما احتجوا دونه، فيصغر عندهم الكبير، ويعظم الصغير، ويقبح الحسن ويحسن القبيح، ويشاب الحق بالباطل. (محقق)

۲- همان، خطبه ۳۴، ص ۸۹. - وأما حقى عليكم فالوفاء بالبيعة، والنصيحة فى المشهد والمغيب، والإجابة حين أدعوكم، والطاعة حين آمركم. (محقق)

۳- علی اکبر علیخانی، پیشین، ص ۱۴۷.

راهبرد، روش یا سیاستی کلی برای دستیابی به هدف معین است.

از دیدگاه امام علی (ع) رسیدن به جامعه آرمانی، امری دست نیافتنی و غیر ممکن نیست. از دیدگاه امام جاذبه ها و هواهای نفسانی فردی و جمعی، موانعی جدی در راه رسیدن انسان به سوی جامعه آرمانی است؛ اما اگر جامعه - چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی - به چهار مبنای مهم در زندگی روزمره خود توجه کند، گام برداشتن در مسیر بسیار آسان خواهد بود.

گفتار اول: محور قرار دادن قرآن کریم

امام در بیان خطبه ای با مردم هدف و بنای حکومت خود را، اطاعت از کتاب خدا و عمل به سنت پیامبر | معرفی می کند. امام (ع) رستگاری مسلمانان را در گرو پیروی آنان از دستورات و آموزه های قرآن کریم می داند. (۱)

امام (ع) آموزه های قرآن را نجات دهنده و راهبر انسان ها به سوی آرمانهایش می داند. (۲)

ص: ۱۰۷

۱- نهج البلاغه، محمد دشتی، چاپ هشتم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹، نامه ۵۳، ص ۵۶۷.

۲- همان، خطبه ۱۵۶، ص ۲۹۱. - وعلیکم بکتاب الله فإنه الجبل المتین والنور المبین. والشفاء النافع، والری النافع والعصمة للمتمسک والنجاة للمتعلق. لا یعوج فیکام ولا یزیغ فیستعتب ولا تخلقه کثرة الرد وولوج السمع. من قال به صدق ومن عمل به سبق. (محقق)

امام علی (ع) قرآن را درمان دردها، (۱) استوارترین ستون (۲)، بهار دل ها، شفای سینه های بیمار، (۳) حق گوترین زبان، (۴) جاده مستقیم و راهبری تمام عیار، عامل پیروزی مسلمانان، محل امن برای کسانی که وارد آن شوند، سرچشمه عدالت، نهر جاری عدل، پایه اسلام و ستون محکم اسلام، نهر جاری زلال حقیقت، باران بهاری برای قلب فقیهان و جدا کننده حق از باطل معرفی می کند. (۵)

ص: ۱۰۸

۱- خورشید بی غروب نهج البلاغه، عبدالمجید معادیخواه، چاپ اول، تهران: نشر ذره، ۱۳۷۳، خطبه ۱۷۶، ص ۳۳۳. - واعلموا أن هذا القرآن هو الناصح الذي لا يغلش، والهادي الذي لا يضل، والمحدث الذي لا يكذب. وما جالس هذا القرآن أحد إلا قام عنه زيادة أو نقصان: زيادة في هدى، أو نقصان في عمى. واعلموا أنه ليس على أحد بعد القرآن من فاقه ولا لأحد قبل القرآن من غنى فاستشفوه من أدوائكم واستعينوا به على لأوائكم فإن فيه شفاء من أكبر الداء وهو الكفر والنفاق والغى والضلال. (محقق)

۲- محمد دشتی، پیشین، خطبه ۱۳۳، ص ۲۵۱. - وكتاب الله بين أظهركم ناطق لا يعيى لسانه، وبيت لا تهدم أركانه، وعز لا تهزم أعوانه. (محقق)

۳- همان، خطبه ۱۱۰، ص ۲۱۱. - وتعلموا القرآن فإنه أحسن الحديث، وتفقهوا فيه فإنه ربيع القلوب، واستشفوا بنوره فإنه شفاء الصدور. وأحسنوا تلاوته فإنه أحسن القصص. (محقق)

۴- همان، خطبه ۱۳۳، ص ۲۵۱.

۵- همان، خطبه ۱۹۸، ص ۴۱۹. - ثم أنزل عليه الكتاب نورا لا- تطفأ مصابيحها، وسراجا لا يخبو توقده وبحرا لا يدرك قعره، ومنهاجا لا يضل نهجه وشعاعا لا يظلم ضوءه، وفرقانا لا يخمد برهانه، وتبيانا لا تهدم أركانه وشفاء لا تخشى أسقامه، وعزا لا تهزم أنصاره، وحقا لا تخذل أعوانه. فهو معدن الإيمان وبحبوحته وينايع العلم وبحوره، ورياض العدل وغدرانه وأثافي الاسلام وبنائه، وأودية الحق وغيطانه وبحر لا ينزفه المستنزفون وعيون لا ينضبها الماتحون ومناهل لا يغيضها الوردون، ومنازل لا يضل نهجها المسافرون، وأعلام لا- يعمى عنها السائرون وآكام لا يجوز عنها القاصدون. جعله الله ربا لعطش العلماء، وريعا لقلوب الفقهاء، ومحاج لطرق الصلحاء، ودواء ليس بعده داء، ونورا ليس معه ظلمة وحبلا وثيقا عروته، ومعقلا منيعا ذروته، وعزا لمن تولاه، وسلما لمن دخله، وهدى لمن ائتم به، وعذرا لمن انتحله، وبرهانا لمن تكلم به، وشاهدا لمن خاصم به، وفلجا لمن حاج به وحاملا- لمن حمله، ومطية لمن أعمله، وآية لمن توسم، وجنة لمن استلام وعلمنا لمن وعى، وحديثا لمن روى، وحكما لمن قضى. (محقق)

قرآن جامع ترین کتاب و الهام بخش یک نظام استوار(۱) و سامان دهنده امور فردی و اجتماعی است(۲) که انسان با به کار بردن آموزه ها و دستورات آن گمراه نمی گردد و به راه مستقیم هدایت شده، با یاری آن بر مشکلات سخت خویش پیروز می شود.(۳)

یکی از ویژگی های مهم قرآن که انسان با عبرت گرفتن از آن می تواند به یک جامعه ایده آل برسد، این است که در آن به بیان اخبار و حوادث جوامع گذشته می پردازد و علل هلاکت جوامع گذشته را بیان میکند تا انسان ها با عبرت گرفتن از آن، آن را چراغ هدایت برای آینده خود در نظر بگیرند.(۴)

امام علی(ع) نیز در بسیاری از سخنان خود افراد را به مطالعه در زندگی اقوام و ملل گذشته و عبرت گرفتن از آنان فرا خوانده است:

مردم! از آنچه بر ملت های متکبر گذشته، از کیفر و عقوبت ها و

ص: ۱۰۹

۱- همان، خطبه ۱۳۳، ص ۲۵۱.

۲- همان، خطبه ۱۵۸، ص ۲۹۵.

۳- همان، خطبه ۱۷۵، ص ۲۰۵. - ذلك القرآن فاستنطقوه ولن ينطق ولكن أخبركم عنه. ألا إن فيه علم ما يأتي، والحديث عن الماضي، ودواء دلائكم، ونظم ما بينكم. (محقق)

۴- همان، نامه ۶۹، ص ۶۱۱. - وتمسك بجبل القرآن وانتصحه. وأحل حلاله وحرم حرامه، وصدق بما سلف من الحق. واعتبر بما مضى من الدنيا ما بقى منها فإن بعضها يشبه بعضا، وآخرها لاحق بأولها، وكلها حائل مفارق. (محقق)

سختگیری ها و ذلت و خواری فرود آمده عبرت گیرید و از قبرها و خاکی که بر آنچه ره نهاده اند، پند پذیرید. (۱)

گفتار دوم: محور قرار دادن سنت پیامبر اکرم |

امام علی (ع) سنت پیامبر | را روشن ترین (۲) و راستگوترین (۳) سنت معرفی کرده و راه رستگاری انسان ها (۴) را در پیروی از این سنت می دانند. امام (ع) سنت پیامبر | را بهترین

راهنمای هدایت (۵) و استوار کننده حکومت اسلامی میدانند، و ایجاد آسایش میان آدمیان را در پیروی از این سنت بیان می فرماید.

ص: ۱۱۰

۱- همان، خطبه ۱۹۲، ص ۳۸۷. - فاعتبروا بما أصاب الأمم المستكبرين من قبلكم من بأس الله و صولاته، و وقائعه و مثلاته، و اتعظوا بمشاوی حدودهم، و مصارع جنوبهم و إن لكم في القرون السالفة لعة أین العمالقة و أبناء العمالقة أین الفراعنة و أبناء الفراعنة أین أصحاب مدائن الرس الذين قتلوا النبيين، و أطفئوا سنن المرسلين، و أحيوا سنن الجبارين أین الذين ساروا بالجيش، و هزموا بالألوف، و عسكروا العساكر، و مدنوا المدائن و اتعظوا فيها بالذين قالوا: « من أشد منا قوة » حملوا إلى قبورهم فلا يدعون ركبانا، و أنزلوا الأجداث فلا يدعون ضيفانا. (محقق)

۲- همان، خطبه ۱۶۴، ص ۳۱۱. - فاعلم أن أفضل عباد الله عند الله إمام عادل هدى و هدى، فأقام سنه معلومه، و أمات بدعه مجهوله. و إن السنن لنيرة لها أعلام، و إن البدع لظاهرة لها أعلام. (محقق)

۳- همان، خطبه ۸۷، ص ۱۴۹.

۴- همان، نامه ۵۳، ص ۵۶۷. - أمره بتقوى الله و إثارة طاعته، و اتباع ما أمر به في كتابه: من فرائضه و سننه التي لا يسعد أحد إلا باتباعها، و لا يشقى إلا مع جحودها و إضاعتها. (محقق)

۵- همان، خطبه ۱۱۰، ص ۲۱۱. - و اقتدوا بهدى نبيكم فإنه أفضل الهدى. و استنوا بسننه فإنها أهدى السنن. (محقق)

امام علی(ع) سنت پیامبر | را وحدت بخش میان آدمیان(۱)، دعوت کننده به حق،(۲) در هم شکننده قدرت ستمگران،(۳) رهایی بخش از جهالت،(۴) - که از ویژگی های جامعه آرمانی است - معرفی می نمایند. سنت پیامبر |، گسترش دهنده نعمت الهی و آرام کننده در پرتو عزتی پایدار(۵) است.

امیر المؤمنین علی(ع) در تمام مدّت حکومتش، کتاب خدا و سنت پیامبر | را مد نظر داشت و در هیچ کاری سلیقه های شخصی را که مخالف

ص: ۱۱۱

۱- همان، خطبه ۱۹۳، ص ۳۹۷. - فانظروا إلى مواقع نعم الله عليهم حين بعث إليهم رسولا- فعقد بملته طاعتهم، وجمع على دعوته ألفتهم. كيف نشرت النعمة عليهم جناح كرامتها، وأسالت لهم جداول نعيمها، والتفت الملة بهم في عوائد بركتها فأصبحوا في نعمتها غرقين، وعن خضرة عيشها فكهين قد تربعت الأمور بهم في ظل سلطان قاهر وآوتهم الحال إلى كنف عز غالب. وتعطفت الأمور عليهم في ذرى ملك ثابت. فهم حکام على العالمين، وملوك في أطراف الأرضين. يملكون الأمور على من كان يملكها عليهم. ويمضون الأحكام فيمن كان يمضيها فيهم. لا تغمز لهم قناة ولا تفرع لهم صفاة. (محقق)

۲- همان، خطبه ۱۱۶، ص ۲۲۵. - أرسله داعيا إلى الحق، وشاهدا على الخلق. (محقق)

۳- همان، خطبه ۱۹۳، ص ۳۹۷.

۴- همان، خطبه ۷۲، ص ۱۲۱. - اللهم داحي المدحوات وداعم المسموكات. وجابل القلوب على فطرتها شقيها وسعيدها. اجعل شرائف صلواتك ونوامي بركاتك على محمد عبدك ورسولك الخاتم لما سبق. والفتاح لما انغلق. والمعلن الحق بالحق والدافع جيشات الأباطيل. والدماغ صولات الأضاليل. كما حمل فاضطلع قائما بأمرك مستوفزا في مرضاتك غير نأكل عن قدم. ولا واه في عزم واعيا لوحيك حافظا لعهدك. ماضيا على نفاذ أمرك. حتى أوري قبس القابس وأضاء الطريق للخابط وهديت به القلوب بعد خوضات الفتن وأقام موضحات الأعلام ونيرات الأحكام. فهو أمينك المأمون وخازن علمك المخزون وشهيدك يوم الدين وبعيثك بالحق ورسولك إلى الخلق. (محقق)

۵- همان، خطبه ۱۹۳، ص ۳۹۷.

آن دو بود اعمال نمی کرد زیرا پیروزی های زودگذر را موفقیت نمی دانست و در حقیقت هیچ سیاستی را از راستی و صداقت در چارچوب

موازین شرع بهتر نمی دانست تا آنجا که ابن ابی الحدید معتزلی سنی می نویسد:

«همانا دشمنان علی (ع) هم می گفته اند که او مقید به شرع انور بوده و در اداره کشور اسلامی بر خلاف آن عمل نمی کرده، به آنچه اسلام نهی کرده بود، نزدیک نمی شد؛ اما غیر علی خلفای دیگر به اقتضای مصلحت خود عمل می کردند.

چه آن مصلحت مطابق شرع انور باشد یا نه.

سپس می افزاید

«شکی نیست کسانی که به مصلحت اندیشی عمل می کنند و خود را محدود به موازین شرع اسلام نمی بینند؛ امور دنیایی آنان به ظاهر بهتر انتظام می یابد ولی آن کس که چنین نباشد و بخواهد بر اساس موازین بیندیشد و عمل کند با خواسته های نفسانی مردم روبه رو خواهد بود و دنیای او به پراکندگی نزدیک تر است»^(۱).

گفتار سوم: محور قرار دادن پیشوایان معصوم علیهم السلام برای هدایت و رهبری جامعه اسلامی در مسیر عمل به کتاب الهی و سیره پیامبر اسلام(ص)

شکی نیست که هر جا انسان هایی گرد هم آیند و جامعه ای را تشکیل دهند

ص: ۱۱۲

۱- سید اصغر ناظم زاده قمی، تجلی امامت (تحلیلی از حکومت امام علی «علیه السلام»)، چاپ اول، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۲، ص ۱۲۷.

نیازمند رهبر و پیشوا هستند. تاریخ، جامعه ای را نشان نداده است که تدبیر امور آن، بدون رهبر صورت گرفته باشد، از این روست که می توان گفت یکی از نیازهای اساسی بشر، داشتن رهبر است.

وجود رهبر در درون جامعه باعث برطرف شدن نیازهای مادی و معنوی انسان می گردد، وجود یک پیشوای باکفایت می تواند افراد جامعه را در جنبه های مختلف، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به سوی کمال سوق دهد و نگاهی عمیق تر که فراتر از جنبه مادی نگریده شود و رشد و تکامل همه استعدادها را در نظر گرفته می شود، وجود یک رهبر الهی که فلسفه آفرینش انسان را به خوبی درک کرده و مقصد نهایی او را می داند، ضرورتش بیشتر حس می شود. (۱)

به همین دلیل بود که امام مردم را به برگزیدن پیشوایی معصوم (ع) و پرهیزگار و عالم به قضاوت و سنت پیامبر | سفارش می کند و از مردم می خواهد که امر هدایت جامعه را بر عهده او گذارده، حول محور او وحدت یابند.

«مردم! کجا می روید؟ چرا از حق منحرف می شوید؟ پرچم های حق و نشانه های آن آشکار است، با اینکه چراغ های هدایت روشنگر راهنند، مانند گمراهان به کجا می روید؟ چرا سرگردانید، در حالیکه عترت پیامبر | شما در میان شماست؛ آنان زمامداران حق و یقین اند؛ پیشوایان دین و زبان های راستی و راستگویانند. پس باید

ص: ۱۱۳

در بهترین منازل قرآن جایشان دهید و همانند تشنگانی که به سوی آب شتابانند، به سویشان هجوم آورید» (۱).

در جای دیگر می فرماید:

«ای مردم! به سخن عالم خدانشناس خود گوش فرا دهید، دل های خود را در پیشگاه او حاضر کنید و با فریادهای او بیدار شوید! رهبر جامعه باید با مردم به راستی سخن گوید و پراکندگی مردم را به وحدت تبدیل و اندیشه خود را برای پذیرفتن حق آماده گرداند. پیشوای شما چنان واقعیت را برای شما شکافت چونان شکافتن مهره های ظریف و حقیقت را از باطل چونان شیر درختی که از بدنه آن

خارج شود، بیرون کشید» (۲).

امیرالمؤمنین (ع) خاندان پیامبر را مایه حیات دانش و نابود کننده جهل، ستون استوار اسلام، پناهگاه مردم، مشخص کننده مرز میان حق و باطل، (۳) جایگاه اسرار الهی،

ص: ۱۱۴

۱- محمد دشتی، پیشین، خطبه ۸۷، ص ۱۴۹. - فأین تذهبون. وأنی تؤفکون والأعلام قائمه، والآیات واضحة، والمنار منصوبه فأین یتاه بکم بل کیف تعمهون و بینکم عتره نبیکم وهم أزمه الحق وأعلام الدین وألسنه الصدق. فأنزلوهم بأحسن منازل القرآن وردوهم ورود الهمیم العطاش. (محقق)

۲- همان، خطبه ۱۰۸، ص ۲۰۳. - فاستمعوا من ربانیکم وأحضروا قلوبکم، واستیقظوا إن هتف بکم ویصدق رائد أهله ویجمع شمله، ویحضر ذهنه فلقد فلق لکم الأمر فلق الخرز، وقرفه قرف الصمغه. (محقق)

۳- همان، خطبه ۲۳۹، ص ۴۷۵. - هم عیش العلم وموت الجهل. یخبرکم حلمهم عن علمهم. وصمتهم عن حکم منطهم. لا یخالفون الحق ولا یختلفون فیه. هم دعائم الاسلام وولائج الاعتصام بهم عاد الحق فی نصابه وانزاح الباطل عن مقامه، وانقطع لسانه عن منبته. عقلوا الدین عقل وعایه ورعاية لا عقل سماع وروایه. فإن رواه العلم کثیر ورعاته قلیل. و در خطبه ۱۴۷، ص ۲۷۰ نیز به این معنا اشاره شده است. (محقق)

پناهگاه فرمان الهی، مخزن علم خداوند، مرجع احکام اسلامی، نگهبان کتاب های آسمانی، کوه های همیشه استوار دین، مایه آرامش و امنیت و (۱) راستگوترین درسرخ معرفی می نماید. امام (ع) پیشی گرفتن از اهل بیت (ع) را گمراهی و عقب افتادن از آنان را نابودی می داند (۲) و یافتن راه رستگاری را در پیروی از پیشوایان دین می دانند. (۳)

گفتار چهارم: پیروی از عقل

انسان موجودی است متفکر که کارهای خویش را بر اساس محاسبه و سنجش تنظیم می کند و عقل ابزارشناختی است که به کمک آن صحیح را از

ص: ۱۱۵

-
- ۱- همان، خطبه ۲، ص ۴۵. - هم موضع سره ولجأ أمره و عیب علمه و موئل حکمه و كهوف کتبه و جبال دینه. بهم أقام انحناء ظهره و أذهب ارتعاد فرائضه (و منها یعنی قوما آخرین) زرعوا الفجور : وسقوه الغرور. وحصدوا الثبور لا یقاس بآل محمد صلی الله علیه و آله من هذه الأمة أحد ولا یسوی بهم من جرت نعمتهم علیه أبدا. هم أساس الدین. و عماد الیقین. إلیهم ینفی الغالی. و بهم یلحق التالی ولهم خصائص حق الولایة. و فیهم الوصیة والوراثة. الآن إذ رجع الحق إلی أهله و نقل إلی منتقله. (محقق)
 - ۲- همان، خطبه ۹۷، ص ۱۸۱. - انظروا أهل بیت نبیکم فالزموا سمتهم و اتبعوا أثرهم فلن یرجوکم من هدی، ولن یعیدوکم فی ردی. فإن لبدوا فالبدوا وإن نهضوا فانهضوا. ولا تسبقوهم فتصلوا، ولا تتأخروا عنهم فتهلکوا. (محقق)
 - ۳- همان، خطبه ۱۴۷، ص ۲۷۱. - فالتمسوا ذلک من عند أهله فإنهم عیش العلم وموت الجهل. هم الذین یرجوکم حکمهم عن علمهم، و صمتهم عن منطقهم، و ظاهرهم عن باطنهم. لا یخالفون الدین ولا یختلفون فیه، فهو بینهم شاهد صادق، و صامت ناطق. (محقق)

ناصریح تشخیص می دهد. در روایات اسلامی از عقل به رسول باطنی تعبیر شده است. امام علی(ع) سودمندترین سرمایه را عقل میدانند؛^(۱) زیرا که عقل راه گمراهی را از رستگاری باز می شناسد^(۲) و یگانه راه نجات انسان ها و جامعه را در کمک گرفتن از عقل می داند^(۳) امام عقل را شمشیری بَران می داند که به وسیله آن می توان هوای نفس را کشت^(۴) و کسی را تیره روز دانسته که از عقل و تجربه ای که نصیب او می شود، استفاده نکند.^(۵)

در عین این که عقل نقش کلیدی در یافتن راه صحیح برای انسان و جامعه دارد و بدون او حتی امر دین قوام نمی یابد، اما به تنهایی قادر به اتمام کار نیست؛ زیرا عقل بدون راهنمایی و تذکر قرآن و معصومین(ع) قادر به شناخت همه حقایق نیست؛ هم چنین خیلی اوقات نور عقل در برابر طوفان های غرائز و احساسات آدمی کم فروغ می شود و ندای او به گوش اراده نمی رسد. به همین دلیل تردیدی نیست خداوندی که برای هدایت آدمی نیروی عقل را در اختیار او

ص: ۱۱۶

-
- ۱- همان، حکمت ۱۱۳، ص ۶۵۱ - «لا مال اعود من العقل». (محقق)
 - ۲- همان، حکمت، ۴۲۱، ص ۷۳۱. «کفاک من عقلک ما اوضح لک سبل غیک من رشدک». (محقق)
 - ۳- همان، حکمت ۴۰۷، ص ۷۲۷ - «ما استودع الله امرأ عقلاً الا استنقذه به يوماً ما». (محقق)
 - ۴- همان، حکمت ۴۲۴، ص ۷۳۱ - «العقل حسام قاطع». (محقق)
 - ۵- همان، حکمت ۷۸، ص ۶۱۹ - «.... فان الشقی من حرم نفع ما اوتی من العقل و التجربة ...». (محقق)

گذاشته است و آگاه به آسیب پذیری آن است، وحی یا رسول ظاهری را به عنوان یار و یآوری برایش خواهد فرستاد که هم از جنبه نظری و شناختی آن را با بیان حقایق عالم و واقعیت های پیش روی انسان تکمیل کند و هم از نظر پشتوانه عملی تمهیداتی از طریق تعمیق حس مسئولیت و تشویق و تنبیه های تربیتی که عواطف آدمی را با ابعاد متعالی و عقلانی وجود او همسو می گرداند و آمادگی پذیرش حق و فضیلت را در او تقویت می کند، ضمانت اجرایی قوی تری برای فرامین عقل فراهم کند و هم تذکر دهنده ای باشد که نور عقل را پرفروغ نگه دارد و از اینکه تاریکی رخوت و غفلت بر او چیره شود، مانع گردد. (۱)

ص: ۱۱۷

۱- حسین توسلی، جزوه تلخیص درس معارف اسلامی ۲، بی جا: بی تا، ص ۲۶.

فصل چهارم: راهکارها و موانع رسیدن به جامعه آرمانی

اشاره

ص: ۱۱۹

اشاره

آن چه در زندگی اجتماعی امروز ما مهم به شمار می آید، تطبیق محورها و ویژگی های یاد شده بر عرصه متعدد حیات مدنی و اجتماعی است؛ زیرا اکنون زندگی اجتماعی، از بساطت و سادگی قرن های پیش خارج شده و به تعدد و تنوع عرصه های حیات اجتماعی بشری انجامیده است. به رغم اینکه عرصه های زیست اجتماعی امروز بشر با آراء و نظریه های متفاوتی مواجه است، ما به بیان راهکارها (سیاست هایی که در مرحله کاربردی به کار می روند) در شش عرصه اقتصاد، سیاست، دفاع و امنیت، حقوق عمومی، فرهنگ و تعلیم و تربیت می پردازیم.

گفتار اول: عرصه سیاست و حاکمیت

اشاره

در عرصه سیاست و حاکمیت، راهکارهای

جامعه آرمانی بر ارکان زیر استوار است:

برگزیدن مدیر شایسته و صاحب صلاحیت برای رسیدگی به تمام امور جامعه

الف) از وظایف یک مدیر شایسته برنامه ریزی دقیق در امور جامعه است

ص: ۱۲۱

چنانکه امیرالمؤمنین برنامه ریزی را از وسیله و امکانات مهم تر می دانند(۱) و حرکت از روی آگاهی را مانند رونده بر راه راست می داند.(۲)

«چنانچه نظم و برنامه ریزی وجود نداشته باشد، اختلال در درون کارها به وجود می آید.»(۳)

ب) از وظایف دیگر مدیر شایسته، سازماندهی در امور است. منظور از سازماندهی نظم و ترتیب دادن به کار و فعالیت و تقسیم و تکلیف آن به افراد به منظور تحقق اهداف معین است.(۴)

چنانکه امیر المؤمنین به فرزند خود امام حسن(ع) می فرماید:

«برای زیردستان و کارکنان خود کار تعیین نماید و آنان را بدان کار گمارد تا هر یک وظیفه خود را انجام داده و کار را به دیگران واگذار نکنند.»(۵)

ج) سومین وظیفه یک مدیر خوب به کارگیری اصل کارگزینی است. یک مدیر

ص: ۱۲۲

۱- دکتر حسین خنیفر و جعفر رحمانی، پیش در آمدی بر اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه امام علی علیه السلام، چاپ اول، تهران: پیک دبیران، ۱۳۸۰، ص ۳۷.

۲- نهج البلاغه، محمد دشتی، چاپ سوم، قم: انتشارات الهادی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۵۴، ص ۲۸۵. - فلیصدق رائد أهله، ولیحضر عقله، ولیکن من أبناء الآخرة، فإنه منها قدم وإلیها ینقلب. فالناظر بالقلب العامل بالبصر یكون مبتدأ عمله أن یعلم أعمله علیه أم له. فإن كان له مضی فیه، وإن كان علیه وقف عنه. فإن العامل بغير علم کالسائر علی غیر طریق. فلا یزیده بعده عن الطريق إلا بعدا من حاجته. والعامل بالعلم کالسائر علی الطريق الواضح، فلینظر ناظر أسائر هو أم راجع. (محقق)

۳- دکتر حسین خنیفر و جعفر رحمانی، پیشین، ص ۳۷.

۴- همان، ص ۴۱۷.

۵- محمد دشتی، پیشین، نامه ۳۱، ص ۵۳۷. - واجعل لكل إنسان من خدمك عملا تأخذه به فإنه أحرى أن لا يتواكلوا فی خدمتك. (محقق)

برای آنکه از مسئولیت های سنگین خود به خوبی برآید و بر تمام قسمت های تحت مسئولیت خود نظارت داشته باشد، باید از دستیاران و همکارانی بهره گیرد. البته انتخاب چنین دستیارانی به راحتی صورت نمی گیرد بلکه باید همراه با شناخت و تربیت نیرو باشد و دارای ویژگی ها و خصوصیات باشد که در نامه امام به والیان و از جمله مالک اشتر در نامه ۵۳ به طور جامع بیان شده است:

صلاحیت و توانایی انجام کار را داشته باشد؛^(۱) (مدیر و مدبر)، پرهیز از شتابزدگی در کارها و تصمیم گیری ها؛ پرهیز از لجاجت و سهل انگاری؛ امانت دار بودن در مسائل مالی و پُست و مقام؛ داشتن شرم و حیا؛ پاکی و صلاحیت خانوادگی؛ استقامت در برابر مشکلات؛ کوشا در انجام وظایف؛ بی توقعی و نداشتن انتظار بی جا؛ اخلاق فاضله، پیروی نکردن از خواسته های نفسانی؛ دادن سهم برابر از بیت المال به افراد؛ تیزهوشی و هوشیاری در مسائل جامعه، انجام دادن به موقع کارها، مردم دار و با گذشت بودن؛ حُسن سابقه، پرهیز از امتیاز دادن به اطرافیان و خویشاوندان بیش از اندازه؛ پاسخگویی به نیازهای ملت؛ دست و دل باز بودن، توجه به مستضعفان و دور کردن ظلم و مستکبران از درون جامعه؛ خویشتن داری و دوری از خودبینی؛ گوش دادن به سخنان مردم و دفع چاپلوسان...^(۲)

کارگزاران بایستی از میان مردمی انتخاب شوند که با حیا و متین و از

ص: ۱۲۳

۱- همان، نامه ۶۱، ص ۵۹۹.

۲- محمد قوچانی، فرمان حکومتی پیرامون مدیریت، چاپ دوم، تهران: مرکز آموزش و مدیریت دولت اسلامی، ۱۳۷۴، خلاصه صفحات ۱۲۳ - ۷۷.

خاندان های صالح و در قلمرو معرفت و عمل اسلامی پیش قدم باشند؛ زیرا آنان دارای اخلاقی شریف تر و حیثیت و آبرویی صحیح تر از دیگران دارند و نیز طمع آنان کمتر و نظریاتی که در آینده امور ابراز می کنند، دقیق تر و رساتر از دیگران است. رشوه گیری و قوم و خویش بازی، استبداد در امور، از عوامل فساد اخلاقی هستند که نه تنها مانع انجام دادن وظایف کارگزاران است، بلکه درهای هر گونه اصلاح زندگی اجتماعی را به روی مردم می بندد، زیرا سقوط جامعه به دنبال سقوط کارگزاران جامعه قطعی است. انتخاب کارگزاران بر مبنای روابط اختصاصی و استبداد و تقدم بعضی از اشخاص بر بعضی دیگر به شدت ممنوع است.

(لازم به یادآوری است تمام ویژگی ها و خصوصیات را که در مورد کارگزار خوب گفتیم باید مدیران نیز دارا باشند.) بعد از اینکه انسان های صالح به عنوان کارگزار انتخاب شدند، وظیفه زمامدار این است که موارد معیشت آنان را به وفور آماده کند.

کارهای کارگزاران و معاونان باید با کمال دقت زیر نظر گرفته شود و به مجرد اثبات قانونی خیانت، بدون تبعیض و بدون فوت وقت، باید به کیفر مناسبی که مقدر شده است، برسند. (۱) چنانکه خود امام (ع) تمام زوایای زندگی فرمانداران، استانداران و کارگزاران را تحت نظر داشت؛ از میهمانی

ص: ۱۲۴

رفتن (عثمان بن حنیف) (۱) تا خانه خریدن (شریح قاضی) (۲) و برخورد با مردم را (اشعث بن قیس) (۳) بازخواست می کرد و با مردم ارتباط تنگاتنگی داشته است.

د) یکی دیگر از وظایف حاکمان در امر سیاستمداری و زمامداری جامعه، اجرای حق و دفع باطل است چنانکه خود پذیرش حکومت را، اقامه حق و دفع باطل می داند. (۴)

ه) از دیگر وظایف حاکمان ایجاد عدالت در میان مردم است که در نتیجه آن میزان مودت و مهربانی و همدلی در میان مردم افزایش پیدا می کند.

امام علی (ع) بیشترین فضایل حاکمان را در توسعه عدالت و نفی تبعیض می دانند.

امام چنان موازین عدالت را در امور حکومت رعایت می کردند که بسیاری از مال اندوزان و قدرتمندان از او در هراس بودند.

و) تشویق مردم به مشارکت در امور جامعه باعث ساماندهی امور عمومی جامعه می گردد. امام همه اقشار جامعه را به مشارکت دعوت نموده و حتی

ص: ۱۲۵

۱- محمد دشتی، پیشین، نامه ۴۵، ص ۵۵۳.

۲- همان، نامه ۳، ص ۴۸۱.

۳- همان، نامه ۵، ص ۴۸۵.

۴- همان، خطبه ۳۳، ص ۸۵. - قال عبد الله بن العباس دخلت علی أمير المؤمنين (ع) بذی قار وهو یخصف نعله فقال لی ما قیمه (ع) هذا النعل فقلت لا قیمه لها، فقال (ع) والله لهی أحب إلی من إمرتکم إلا أن أقیم حقاً أو أدفع باطلا. (محقق)

خردمندان را نیز از آن مستغنی نمی دانند؛ زیرا مشورت موجب بهره گیری از عقل و اندیشه دیگران و پالایش اندیشه و ایجاد پشتیبان گردیده است. (۱)

ی) یکی دیگر از وظایف زمامداران ایجاد اتحاد میان مردم و دفع هر گونه فتنه است. امام (ع) در واقعه قتل عثمان و در عزل معاویه از فرمانداری شام، در مقابل سهم خواهی طلحه و زبیر از حکومت و به راه انداختن جنگ جمل، هر گونه فتنه انگیزی را نفی و معتقدند که باید حاکمان با هوای نفس مبارزه کنند تا بتوانند حق و عدالت را در جامعه برقرار نمایند و بدانند که در زمامداری خویش با خدا معامله می کنند.

ص: ۱۲۶

۱- مصطفی دلشاد تهرانی، دولت آفتاب (اندیشه سیاسی و سیره حکومت علی (ع))، ج اول، چاپ اول، تهران: خانه اندیشه جوان، ۱۳۷۷، ص ۲۴۹.

در عرصه اقتصادی، راهکارهای جامعه آرمانی به شرح زیر است:

۱. مبارزه با تبعیض و بی عدالتی اقتصادی

سلامتی و سامان جامعه در گرو دادن سهم ها و بهره های بحق و توزیع عادلانه ثروت ها و درآمدها و برقراری عدالت و احقاق حقوق مظلومان و برخورد شدید با تبعیض ها، انحصارات و پایدال کنندگان اموال عمومی است.

چنانکه امیرالمؤمنین (ع) در روز دوم خلافت فرمود: تمام اموالی را که به ناحق عثمان به دیگران بخشید اگر چه با آن مهریه زنان داده شده باشد و کنیزکان خرید شده باشد، باز می گرداند.^(۱)

در صورتی که عدالت اقتصادی وجود نداشته باشد، بخشی از مردم به سبب فقر و بخشی به سبب ثروت های گزاف در دام تباهی می افتند.

عدالت اقتصادی مردم را از بندگی اقتصاد و از بردگی ثروتمندان آزاد می سازد و زمینه درست بندگی خدا و سیر به سوی کمال را فراهم می کند. در صورت ایجاد عدالت اقتصادی محتاج و گرسنه ای نخواهد بود.^(۲)

ص: ۱۲۷

۱- محمد دشتی، پیشین، خطبه ۱۵، ص ۵۹. - ومن كلام له (ع) فيما رده على المسلمين من قطائع عثمان رضی الله عنه: والله لو وجدته قد تزوج به النساء وملك به الإماء لرددته فإن فی العدل سعۃ، ومن ضاق علیه العدل فالجور علیه أضحيق. (محقق)

۲- مصطفی دلشاد تهرانی، پیشین، ص ۱۹۹.

«گرسنگی هر مستمندی جز از کامیابی نامشروع توانگران نشأت نگرفته است».(۱)

۲. عمران و آبادانی

امام علی(ع) در نامه ای که به مالک فرستاد، یکی از وظایف او را آباد کردن مصر برشمرد.

امام(ع) آباد کردن زمین را مقدم بر گرفتن مالیات دانسته و از هر مانعی بر سر راه تولید جلوگیری می کرد و می فرمود: «هر کس مالیات را بدون آباد کردن زمین مطالبه نماید، شهرها را به خرابی و بندگان خدا را به هلاکت می رساند.» از این رو به مالک نوشت تا خراج را طوری تنظیم نماید که مانع تولید نشود و به امور بازرگانان و صنعتگران توجه خاص داشته باشد؛ زیرا آنان از عوامل مهم خودکفایی و قطع وابستگی به دیگران هستند.(۲)

ص: ۱۲۸

۱- عبد المجید معادیخواه، خورشید بی غروب نهج البلاغه، چاپ اول، نشر ذره، ۱۳۷۳، حکمت ۳۲۹، ص ۴۷۹. - و قال(ع): إنَّ الله سبحانه فرض في اموال الاغنياء اقوات الفقراء فما جاع فقير الا بما متع به غني والله تعالى سئلهم عن ذلك. (نهج البلاغه، محمد دشتی، حکمت ۳۲۸، ص ۷۰۹). (محقق)

۲- محمد دشتی، پیشین، نامه ۵۳، ص ۵۸۱. - وتفقد أمر الخراج بما يصلح أهله فإن في صلاحه وصلاحهم صلاحاً لمن سواهم، ولا صلاح لمن سواهم إلا بهم لأن الناس كلهم عيال على الخراج وأهله. وليكن نظرك في عمارة الأرض أبلغ من نظرك في استجلاب الخراج لأن ذلك لا يدرك إلا بالعمارة. ومن طلب الخراج بغير عمارة أخرج البلاد وأهلك العباد، ولم يستقم أمره إلا قليلاً. (محقق)..

آنچه مردم را به تجارت و پرداخت مالیات دلگرم می کند، مشاهده آبادانی کشور و جامعه است. چنانچه این دلگرمی نباشد مردم بر اثر فشار دست از تجارت و آبادانی برمی دارند، عوارض و مالیات به آنان تعلق نمی گیرد و به تدریج به سوی هلاکت و نابودی سوق داده می شوند و شهرها به خرابی و ویرانی کشیده می شود و در نتیجه حکومت در معرض سقوط و سرنگونی قرار خواهد گرفت.

امام (ع) علت فرود آمدن آدم به زمین را اصلاح و آبادانی زمین می دانند. (۱)

۳. افزایش رفاه و درآمدهای مردم برای رفع نیازهای فردی و اجتماعی آنان

امام علی (ع) یکی از وظایف حکومت را افزایش

درآمدهای مردم و ایجاد رفاه و آسایش برای عموم مردم جامعه اسلامی و از جمله بازنشستگان، فقرا، معلولان و از کار افتادگان... می داند.

فراخ داشتن اسباب زندگی و امکانات معیشتی کمک می کند تا مردم برای اصلاح خود گام بردارند و از فقر - که مایه زیان دین و اسباب آشفته گی عقل و موجب کینه و دشمنی است - نجات یابند.

تنگنای زندگی، هر انسانی را وسوسه می کند و ممکن است زیر فشارهای سخت معیشتی دست به نادرستی و دوری از امانتداری (رشوه خواری و اختلاس) بیالایند. (۲)

ص: ۱۲۹

۱- همان، خطبه ۹۱، ص ۱۶۹. - فأهبطه بعد التوبة لیعمر أرضه بنسله ولیقیم الحجة به علی عباده. (محقق)

۲- مصطفی دلشاد تهرانی، پیشین، صص ۳۳۷ - ۳۲۶.

۴. نظارت بر بازار و تنظیم آن

یکی از وظایف مهم دولت این است که بازار را تحت کنترل خود قرار دهد تا گرانفروشی و احتکار در معاملات میان فروشنده و خریدار انجام نگردد و معاملات به آسانی صورت

گیرد.^(۱)

علاوه بر اینکه خود امام بازار را کنترل می کردند، زمامداران خود را نیز به این امر فرمان می دادند. به مالک اشتر می فرماید: «از احتکار منع کن که رسول الله از آن منع می کرد و باید خرید و فروش به آسانی و بر موازین عدل صورت گیرد؛ به گونه ای که در بها، نه فروشنده زیان ببیند و نه بر خریدار اجحاف شود. پس از آن که احتکار را ممنوع کردی، اگر کسی باز هم دست به احتکار زد، کیفرش ده و عقوبتش کن تا سبب عبرت دیگران گردد ولی کار به اسراف نکشد».^(۲)

امام(ع) بر توزیع عادلانه درآمد و صرفه جویی در هزینه دولتی و کیفر محتکران تأکید فراوانی داشتند.

ص: ۱۳۰

-
- ۱- علی اکبر بابازاده، سیمای حکومت امام علی، چاپ اول، قم: مؤسسه انصاریان، ۱۳۷۸، صص ۸۶ - ۸۵.
 - ۲- محمد دشتی، پیشین، نامه ۵۳، ص ۵۸۳. - فامنع من الاحتکار فإن رسول الله | منع منه، ولیکن البیع بیعا سمحا، بموازین عدل وأسعار لا تجحف بالفریقین من البائع والمبتاع فمن قارف حکرة بعد نهیک إیاه فنکل به، وعاقب فی غیر إسراف. (محقق)

هدف از پرداخت مالیات نخست اصلاح معیشت و رفاه حال پرداخت کنندگان است و سپس اصلاح و تنظیم آن بخش از امور اقتصادی جامعه که به گرفتن مالیات نیاز دارند. (۱)

با بررسی قسمتی از نامه های آن حضرت به طور اجمال می توان نتیجه گرفت کسانی که حق بهره وری از مالیات ها و بودجه بیت المال را دارند، به هشت گروه زیر تقسیم میشوند:

۱. اصلاح حال مردم و آبادی کشور و شهرها؛

۲. سپاهیان؛

۳. خراج دهندگان؛

۴. زیردستان؛

۵. گردآورندگان خراج؛

۶. قضات؛

۷. نویسندگان. (۲)

ص: ۱۳۱

۱- همان، ص ۵۷۹. - وتفقد أمر الخراج بما يصلح أهله فإن فی صلاحه وصلاحهم صلاحاً لمن سواهم، ولا صلاح لمن سواهم إلا بهم لأن الناس کلهم عیال علی الخراج وأهله. (محقق)

۲- دکتر حسین خنیفر و جعفر رحمانی، پیشین، ص ۸۰.

۱. گرفتن مالیات باید دور از هر گونه ترس و وحشت باشد؛ زیرا در صورت وجود ترس نه تنها مایه استمرار حکومت نمی گردد بلکه زمینه قیام و شورش عمومی را نیز فراهم می کند؛
۲. رفتار مأموران مالیات باید همراه با احترام و آرامش باشد؛
۳. جمع آوری مالیات نوعی عبادت تلقی میشود؛ بنابراین امام به نماینده خود امر می کند حرکتش بر اساس تقوای الهی باشد؛
۴. ادعای افراد در مورد وجود یا عدم شرایط لازم به منظور تعلق گرفتن یا نگرفتن مالیات بر اموال آنان پذیرفته شود و این به معنای حفظ آزادی عمل پرداخت کنندگان مالیات است؛^(۱)

ص: ۱۳۲

۱- نطلق علی تقوی الله وحده لا شریک له. ولا تروعن مسلما ولا تجتازن علیه کارها، ولا تأخذن منه أكثر من حق الله فی ماله، فإذا قدمت علی الحی فأنزل بمائهم من غیر أن تخالط أبیاتهم، ثم امض إلیهم بالسکینه والوقار حتی تقوم بینهم فتسلم علیهم، ولا تخدج بالتحیه لهم ثم تقول: عباد الله أرسلنی إلیکم ولی الله وخلیفته لآخذ منکم حق الله فی أموالکم، فهل لله فی أموالکم من حق فتؤدوه إلی ولیه؟ فإن قال قائل لا، فلا- تراجع، وإن أنعم لك منعم فانطلق معه من غیر أن تخیفه أو توعده أو تعسفه أو ترهقه، فخذ ما أعطاک من ذهب أو فضة. فإن کان له ماشیه أو إبل فلا تدخلها إلا بإذنه، فإن أكثرها له، فإذا أتيتها فلا تدخل علیها دخول متسلط علیه ولاه عنیف به، ولا تنفرن بهیمه ولا تفرعنها ولا تسوءن صاحبها فیها، واصدع المال صدعین ثم خیره، فإذا اختار فلا- تعرضن لما اختاره. ثم اصدع الباقی صدعین ثم خیره، فإذا اختار فلا تعرضن لما اختاره. فلا تزال كذلك حتی یبقی ما فیہ وفاء لحق الله فی ماله فاقبض حق الله منه. فإن استقالک فأقله ثم اخلطهما ثم اصنع مثل الذی صنعت أولا حتی تأخذ حق الله فی ماله. ولا تأخذن عودا ولا هرمة ولا مکسورة ولا مهلوسة ولا ذات عوار، ولا تأمنن علیها إلا من تثق بدینه رافقا بمال المسلمین حتی یوصله إلی ولیهم فیقسمه بینهم. (محقق)

۵. تخفیف مالیات. امام در نامه ۵۳ نهج البلاغه می فرماید:

«هر گاه از سنگینی خراج یا آفت محصول یا باریدن آب یا نیامدن باران یا دگرگون شدن زمین، چون در آب فرو رفتن زمین یا بی آبی، شکایت نزد تو آوردند از هزینه و رنجشان بگاه؛ آن قدر که امید می داری که کارشان را سامان دهد و کاستن از خراج بر تو گران نیاید، و اندوخته ای برای آبادانی بلاد تو و زیور حکومت تو باشد»^(۱).

۶. مساوات در تقسیم بیت المال

امام(ع) مبنای کار خود را در تقسیم بیت المال، مساوات قرار داد و هنگامی که او را مورد عتاب قرار دادند که چرا بیت المال را به تساوی تقسیم می کند، فرمود:

«اگر این مال از آن من بود، باز هم آن را به تساوی میانشان تقسیم می کردم، پس چگونه چنین نکنم در حالی که مال از آن خداوند است؟»^(۲)

امام(ع) از امتیازدهی اقتصادی به اطرافیان و خویشاوندان جلوگیری میکرد؛ زیرا باعث گسترش نابرابری اجتماعی و ناامنی اقتصادی در جامعه می گردید.

ص: ۱۳۳

۱- محمد دشتی، پیشین، نامه ۵۳، ص ۵۷۹. - فیان شکوا ثقلا- أو علة أو انقطاع شرب أو باله أو إحالة أرض اغتمرها غرق أو أجحف بها عطش خففت عنهم بما ترجو أن يصلح به أمرهم. ولا يثقلن عليك شئ خففت به المؤونة عنهم، فإنه ذخر يعودون به عليك في عمارة بلادك وتزوين ولايتك. (محقق)

۲- همان، خطبه ۱۲۶، ص ۲۳۹. - لو كان المال لي لسويت بينهم فكيف وإنما المال مال الله. (محقق)

امام(ع) سفارش می کرد که دولت اسلامی و کارگزاران آن در گرفتن مالیات اجحاف نکنند، نخست زمینه رشد و تولید و کار و کوشش را فراهم سازند سپس مأموران مالیات و خراج را به خانه و مغازه مردم روانه سازند؛ زیرا این گونه مالیات بدون توجه به امکانات کاسبی و تولید و درآمد، زمینه ناراحتی در مردم را فراهم میکرد، و اساس مالیات و دولت رأساً به خطر می افتد. (۱)

ص: ۱۳۴

۱- همان، نامه ۵۳، ص ۵۷۹. - ولیکن نظرک فی عماره الأرض أبلغ من نظرک فی استجلاب الخراج لأن ذلك لا یدرک إلا بالعمارة. ومن طلب الخراج بغير عمارة أخرج البلاد وأهلك العباد، ولم یستقم أمره إلا قليلاً. (محقق)

اشاره

در عرصه حقوق عمومی، راهکارهای جامعه آرمانی بر ارکان زیر استوار است:

۱. رعایت حقوق عمومی

حکومت باید نسبت به رعایت حقوق عمومی حساسیت داشته باشد هم خود این حقوق را رعایت کند و هم از عموم جامعه، رعایت حقوق همدیگر را مطالبه کند. (۱)

۲. تأمین اجتماعی

تأمین اجتماعی برای مردم مثل حقوق کار در مورد کارگزاران، حمایت فرد، اشتغال کامل، مبارزه با بیکاری، امنیت شغلی و حتی بازنشستگی و ارتقاء سطح زندگی آنان ... در تأمین زندگی و رفع فقر و محرومیت اثر زیادی دارد تا تمام کارگزاران و کارکنان نظام اداری به راحتی و بی هیچ دغدغه ای بتوانند تمام مراتب نظام اداری را نقد کنند و ایرادها و اشکالهای آنان را بازگو نمایند و راه اصلاحات اداری را بگشایند.

۳. عدالت قضایی

اشاره

بعضی از انسان ها حقوق دیگر افراد جامعه را زیر پا می گذارند و در نتیجه

ص: ۱۳۵

نیاز به داوری عادلانه‌ای است که مانع تضییع حقوق دیگران شود که این کار بر عهده دستگاه قضایی و شخص قاضی است.

شرایط قاضی که امیر المؤمنین در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر به آن اشاره فرموده اند، به شرح ذیل است:

ویژگی های قاضی از نظر امیر المؤمنین علی (ع)

۱. قاضی باید چنان باشد که پراکندگی و گوناگونی موضوعها او را در تنگنا و سختی قرار ندهد. او باید بتواند بر امور گوناگون غلبه کند؛

۲. قاضی باید سعه صدر کافی داشته باشد و برخورد های تند و خصمانه طرف های درگیر او را به خشم نیاورد؛ زیرا در غیر این صورت به دلیل لجاجت در تصمیم گیری او را از مسیر عدالت خارج خواهد کرد؛

۳. قاضی مانند دیگر انسان ها ممکن است دچار خطا و اشتباه شود. در این صورت لازم از روحیه ای برخوردار باشد که به اشتباه و لغزش خود پافشاری نکند؛ بلکه باید به هر شکل ممکن جبران کند، البته این تنها یک صفت اخلاقی نیست بلکه از شرایط اصلی قضاوت است؛

۴. چنانچه قاضی حق را تشخیص داد، رجوع به آن برای او دشوار نباشد، این شرط تکمیل کننده شرط سوّم است؛ یعنی هر گاه قاضی متوجه شد که در حکمی اشتباه کرده است و بعد از آن حق بر او آشکار گردید، بازگشت به حقیقت برای او دشوار نباشد؛

۵. انسان موجودی حریص و آزمند است، قاضی باید بتواند جلوی نفس

خود را بگیرد و از افتادن به پرتگاه خطرناک وعده های فریبنده اصحاب دعوی، دریافت رشوه، قبول هدیه یا هر چیز دیگر که او را از مسیر عدالت خارج می کند، جلوگیری کند؛

۶. در مراحل مختلف قضاوت اعم از تشخیص موضوع، تعیین حکم تطبیق حکم با قوانین و غیره قاضی برای رسیدن به حق تلاش و کوشش نماید و هرگز به دلایل سطحی بسنده نکند؛

۷. قاضی باید در هنگام شک و شبهه از صدور حکم خودداری کند، این یکی از مهم ترین شرایط قضاوت است. آن گاه که قاضی درباره موضوع در شک و تردید باشد، باید توقف کند و به تحقیقات بیشتری پردازد؛

۸. کیفیت استدلال و استنباط با ادله و مدارک صحیح، قوی و محکم باشد به گونه ای که در استنباط از دیگران قوی تر و روشن تر باشد؛

۹. با طرفین دعوی با صبر و شکیبایی برخورد نماید و هنگام مراجعه آنان دلتنگ و ناراحت نشود؛ زیرا چه بسا برخی قضایا در همین ملاقات ها، که گاه از سوی متخصصان تقاضا می شود، روشن شود؛

۱۰. برای دسترسی به حقیقت با صبر و حوصله و بردباری عمل کند؛ زیرا شتابزدگی باعث کم شدن دقت و تأمل و افزایش احتمال اشتباه و خطا می شود؛

۱۱. هنگام روشن شدن حقیقت در گرفتن تصمیم و صدور حکم، قاطع ترین مردم برای اجرای عدالت باشد؛

۱۲. قاضی باید چنان باشد که مدح و ثنای مردم یا خضوع و تملق آنان و سایر برخوردها وی را گرفتار خودبینی، عجب و تکبر نکند و خود را یک

موجود استثنایی حساب نکند؛ زیرا نخستین بار که شخص در چنین مسئولیت هایی قرار می گیرد، دچار خودبینی می گردد؛

۱۳. قاضی باید دارای قدرت تفکر و تشخیص باشد که فریبکاری و نیرنگ بازی دیگران او را از راه راست منصرف نکند. (۱)

(۲)

آداب قضاوت در کلام امیرالمؤمنین (ع)

۱. رعایت بی طرفی کامل در قضاوت؛

۲. رعایت مساوات بین طرفین نزاع، در نگاه و گفتار و نشستن و توجه؛

۳. حوصله کامل در شنیدن سخنان طرفین و قطع نکردن حرف آنان؛

۴. قضاوت نکردن در حال گرسنگی و خواب آلودگی و عصبانیت؛

۵. عدم خستگی و بی حوصله گی در حال قضاوت؛

۶. بالا نبردن صدای خویش با طرفین دعوا؛

۷. حفظ هیبت و نخندیدن بیجا و زیاد؛

ص: ۱۳۸

۱- منصور طبعی، سیمای امنیت در نهج البلاغه، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، دفتر سیاسی، ۱۳۷۹، صص ۱۵۰ - ۱۴۷.

۲- نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۵۳، ص ۵۷۷؛ «ثم اختر للحکم بین الناس أفضل رعیتک فی نفسک ممن لا تضیق به الأمور، ولا تمحکه الخصوم، ولا یتمادی فی الزلّه، ولا یحصر من الفئء إلى الحق إذا عرفه ولا تشرف نفسه علی طمع ولا یکتفی بأدنی فهم دون أقصاه وأوقفهم فی الشبهات و آخذهم بالحجج، وأقلهم تیرما بمراجعة الخصم، وأصبرهم علی تکشف الأمور، وأصرمهم عند اتضاح الحکم. ممن لا یزدهیه إطراء ولا یستمیله إغراء. وأولئك قليل. ثم أكثر تعاهد قضائه وافسح له فی البذل ما یزیل علته وتقل معه حاجته إلى الناس، وأعطه من المتزله لیدیك ما لا یطمع فیهِ غیره من خاصتک لیأمن بذلك اغتیال الرجال له عندک. فانظر فی ذلك نظرا بلیغا، فإن هذا الدین قد کان أسیرا فی أیدی الأشرار یعمل فیهِ بالهوی، وتطلب به الدنیا.» (محقق)

۸. معامله نکردن با طرفین احتمالی دعوا در اجتماع و بازار و نرفتن به ضیافت متخاصمان به تنهایی. (۱)

امیر المؤمنین به مالک اشتر می فرماید:

«پس از انتخاب قاضی، هر چه بیشتر در قضاوت های او بیندیش و آن قدر به او ببخش که نیازهای او برطرف گردد و به مردم نیازمند نباشد، و از نظر مقام و منزلت آنقدر او را گرامی دار که نزدیکان تو، به نفوذ در او طمع نکنند تا از توطئه آنان در نزد تو در امان باشند.» (۲)

وظیفه دولت در برابر قاضی

۱. دولت باید بر احکام صادره و روش های قضایی که قاضی به کار برده نظارت کامل را داشته باشد تا احکام به قرآن و سنت پیامبر | ارجاع داده شود. نظارت بر همه ارکان حکومت لازم و ضروری است اما نظارت بر کار قاضیان به دلیل آنکه دستگاه قضایی هر نظامی آخرین پناهگاه مردم است، از اهمیت بیشتری برخوردار است. نظارت بر کار قاضیان از دو نظر فایده دارد: از یک طرف نظارت دولت سبب دقت بیشتر قاضیان در تشخیص حق و احکام صادره و روش های صحیح به کارگیری قضاوت می شود.

ص: ۱۳۹

۱- صمصام الدین قوامی، نظام قضایی امیر المؤمنین، نشریه حکومت اسلامی، ش ۱۸، ص ۱۶۵.

۲- محمد دشتی، پیشین، نامه ۵۳، ص ۵۷۷.

از سوی دیگر به دلیل آنکه مردم مرجعی را برای جلوگیری از تضييع حقوق خود می بینند، اعتماد آنان به دولت افزایش می یابد.

۲- دولت موظف است امکانات رفاهی و وسایل مورد نیاز زندگی قاضی را به گونه ای فراهم نماید که باعث رفع نیازها و احتیاج او به مردم شود. گرفتاری های معیشتی و نیازمندی به مردم، باعث گسترش تمایل به اخذ رشوه در نظام حقوقی شده، گرفتاری مادی، آسایش فکری و روانی قاضیان را سلب می کند و اضطراب فکری آنان را افزایش می دهد.

۳- زمامدار لازم است برای قاضی از نظر شخصیت، اعتبار و جاهت، مقام و منزلتی قائل شود که دیگران فاقد آن باشند؛ یعنی دولت به گونه ای با قاضی برخورد نماید که از نظر عنوان برای او نسبت به دیگران تفوق و برتری قائل شود که دیگران فاقد آن باشند؛ و به دولت و زمامدار نزدیک تر باشد؛ به طوری که ضعفی در این زمینه در خود

احساس نکند. (۱)

ص: ۱۴۰

۱- منصور طبیعی، پیشین، ص ۱۵۱.

در عرصه فرهنگ و آموزش راهکارهای جامعه آرمانی بر ارکان زیر استوار است:

۱. تعلیم و تربیت و آشنایی مردم با معارف دینی

آموزش مردم و ایجاد زمینه های پرورش کرامت و اصلاح مردم، از مهم ترین وظایف حکومت اسلامی است. امام علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر اصلاح مردم را وظیفه حکومت به شمار می آورد. (۱)

در جای دیگر می فرمایند:

«اما حق شما بر من این است که شما را نصیحت کنم... و به شما آموزش دهم تا جاهل نمانید و شما را تربیت

کنم تا بیاموزید». (۲)

جامعه زمانی صلاح و سامان می یابد و به سوی اهداف متعالی حرکت می نماید که در آن مردم از آموزش و تربیتی همه جانبه و کامل بهره مند باشند. امیر مؤمنان (ع)

ص: ۱۴۱

۱- محمددشتی، پیشین، نامه ۵۳، ص ۵۶۷. - هذا ما أمر به عبد الله على أمير المؤمنين مالك بن الحارث الأشتر في عهده إليه حين ولاه مصر: جباية خراجها، وجهاد عدوها، واستصلاح أهلها، وعمارة بلادها أمره بتقوى الله وإيثار طاعته، واتباع ما أمر به في كتابه: من فرائضه وسننه التي لا يسعد أحد إلا باتباعها، ولا يشقى إلا مع جحودها وإضاعته. (محقق)

۲- همان، خطبه ۳۴، ص ۸۷. - أيها الناس إن لي عليكم حقا ولكم على حق. فأما حقكم على فالنصيحة لكم. وتوفير فيثكم عليكم وتعليمكم كيلا تجهلوا وتأديبكم كيما تعلموا. وأما حقي عليكم فالوفاء بالبيعة والنصيحة في المشهد والمغيب. والإجابة حين أدعوكم. والطاعة حين آمركم. (محقق)

مردم خود را مردمی آگاه، بصیر، ناقد، ناصح و حکیم می خواست و در این راه بسیار تلاش کرد. از دیدگاه امیر مؤمنان(ع) انسان باید یا عالم باشد یا متعلم، و راه سوم راه تباهی و سقوط و هلاکت است و آن حضرت در همه عمر خویش و در تمام دوران حکومت خود در همین راه روشن حرکت کرد.

آن حضرت در تقسیمات جامعه شناسانه، مردم را با تکیه بر دانش و تربیت تقسیم کرد و در حکمت نورانی به کمیل بن زیاد فرمود:

«مردم سه دسته اند: دانایی که شناسای خداست؛ آموزنده ای که در راه رستگاری کوشاست؛ فرومایگانی رونده به چپ و راست که در هم آمیزند؛ پی هر بانگی را گیرند و با هر باد به سویی خیزند.»(۱)

انسان های به دور از علم و دانش و آگاهی و بصیرت، فرومایگانی تباه شده اند که از خود هویتی ندارند و اسیر این و آنند و دست مایه شیاطین و برده صفاتند؛ آنچه هویت و حقیقت انسان و کرامت و عزت او را پاس می دارد و نگهبانی می نماید، علم و دانش و آگاهی و بصیرت است و تا تربیت صحیح تحقق نیابد، هیچ یک از اهداف دولت اسلامی محقق نمی شود.

ص: ۱۴۲

۱- همان، حکمت ۱۴۷، ص ۶۵۹. - یا کمیل إن هذه القلوب أوعىٰ فخیرها أوعاها. فاحفظ عني ما أقول لك الناس ثلاثة: فعالم رباني ومتعلم على سبيل نجاه، وهمج رعا ع أتباع كل ناعق يميلون مع كل ريح، لم يستضيئوا بنور العلم، ولم يلجأوا إلى ركن وثيق یا کمیل العلم خیر من المال. والعلم يحرسك وأنت تحرس المال. المال تنقصه النفقة والعلم يزكوا على الانفاق، وصنيع المال يزول بزواله یا کمیل العلم دين يبدان به. به یکسب الإنسان الطاعة في حياته، وجميل الأحدثه بعد وفاته. والعلم حاکم والمال محکوم عليه یا کمیل هلک خزان الأموال وهم أحياء، والعلماء باقون ما بقى الدهر. أعيانهم مفقوده، وأمثالهم في القلوب موجوده. ها، إن ههنا لعلماء جما (و أشار إلى صدره) لو أصبت له حمله. (محقق)

بنابراین اساس امور باید بر آموزش و تربیت مردم و اصلاح فرهنگ جامعه قرار گیرد و این از امور اقتصادی مهمتر است و تا این امر اصلاح نشود اصلاحات دیگر ثمر نمی دهد. حافظ و نگهبان انسانها و جوامع و مایه برپایی سلامت و قدرت و عظمت آنان علم و دانش آنان است. امیرمؤمنان[×] در ادامه سخن خویش به کمیل بن زیاد فرمود:

«ای کمیل! دانش به از مال است که دانش تو را پاسبان است و تو مال را نگهبان»^(۱).

لزوم آموزش و پرورش در مورد زمامداران و کارگزاران جدی تر و حیاتی تر است. امیرالمؤمنین(ع) در کوفه و با استفاده از منبر خلافت و محیط آزاد و فضای سیاسی تلاش می کرد مردم را هر چه بیشتر آگاه سازد و بر دانش و بصیرت آنان بیفزاید و به ویژه سعی داشت کارگزاران و کارمندان را رشد دهد و فرهیختگی را ترویج نماید و حکومتی حکیمانه برپا سازد و جامعه را بر این اساس به سوی کمال سوق دهد.

در اندیشه سیاسی امیرالمؤمنین(ع) دانش و بصیرت و آگاهی و تربیت پشتوانه اصلی تکلیف و مسئولیت است و کسانی می توانند به درستی امور را اداره نمایند که از این پشتونه گرانسنگ بهره مند شوند.

نظام اداری ای که کارگزاران و کارمندانش دانایان و آگاهان و بصیران باشند، بیشتر سرمایه را دارد و محصول چنین امری مدیریتی عالمانه است. آنچه دولتها را به تباهی می کشد و سبب بحرانها و تزلزلهای می شود، در درجه نخست، مدیریت جاهلانه آنان

ص: ۱۴۳

است. در اندیشه سیاسی امیر مؤمنان(ع)، فرهیختگی پشتوانه اصلی سیاست و مدیریت است(۱). با این نگاه است که امام(ع) در عهدنامه مالک اشتر فرمود:

«با دانشمندان فراوان گفت و گو کن و با حکیمان فراوان سخن در میان نه؛ در آنچه کار شهرهایت را استوار دارد و نظمی را که مردم پیش از تو بر آن بوده اند برقرار سازد».(۲)

۲. توجه به اوضاع زمان و تغییر و تحول نیازهای فرهنگی جامعه

از نظر امام علی(ع) انسان هوشیار کسی است که فرزند زمان خویش است؛ بر زمانه خود مسلط است و در برابر وضعیت زمانه، دچارانفعال نمی شود؛ بلکه انسان مؤمن چند چهره بودن زمانه را می شناسد و از حوادث آن در شگفت نمی شود و همواره آمادگی خود را در برابر سرکشی های زمانه حفظ می کند.

این هوشیاری و آمادگی مؤمنان در جامعه آرمانی علوی، موجب می شود تا آنان بتوانند پا به پای زمان حرکت کنند و مبانی و اصول فرهنگی خود را در چهره های گوناگون عرضه کنند و مقهور فرهنگ زمانه خود نباشند.(۳)

ص: ۱۴۴

۱- مصطفی دلشاد تهرانی، پیشین، ص ۳۰۵ - ۳۰۴.

۲- محمد دشتی، پیشین، خطبه ۵۳، ص ۵۷۳. - وأكثر مدارس العلماء ومنافته الحكماء في تثبيت ما صلح عليه أمر بلادك وإقامة ما استقام به الناس قبلك. (محقق)

۳- سید عباس نبوی، جامعه آرمانی، ص ۱۸۹، اندیشنامه امام علی، ج ۶، چاپ اول، علی اکبر ارشاد، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.

۳. محافظت از دین و فرهنگ الهی و مبارزه با بدعت‌ها و خرافات

هیچ جامعه‌ای با وجود حاکمیت سنت‌های غلط و فرهنگ منحط نمی‌تواند به سوی کمال مطلق حرکت کند و وظیفه زمامداران این است که در درجه نخست کُند و زنجیرهای دست و پاگیر جامعه، از رسوم و قیود و عاداتها و تقلیدهای باطل و بی‌اساس را بکشایند و با احیای سنت‌های درست، راه رفتن به سوی حیات طیبیه را هموار سازند. پیروی کورکورانه از رهبران و بزرگان، توقف در ظواهر دین، آداب و رسوم جاهلی بدعت‌های دینی، فقدان بیداری اجتماعی، قانون‌گریزی، بت‌سازی و بت‌پروری، ریا‌پروری، تملق‌دوستی و ... بندهای سخت بر دست و پای جامعه اند و تا این بندها گشوده نشود و سنت‌های ناب الهی و آداب پاک نبوی در جامعه احیا نگردد، رسیدن مردمان به مقصد دولت اسلامی میسر نمی‌شود و این از وظایف دشوار زمامداران است. (۱)

امیرالمؤمنین درباره این وظیفه بزرگ زمامداران خطاب به عثمان بن عفان فرموده است:

«بدان که برترین بندگان خدا در پیشگاه او رهبر عادل است که خود هدایت شده و دیگران را هدایت می‌کند،

سنت شناخته شده را برپا دارد و بدعت ناشناخته را بمیراند.» (۲)

ص: ۱۴۵

۱- مصطفی دلشاد تهرانی، پیشین، ص ۱۴۹.

۲- محمد دشتی، پیشین، خطبه ۱۶۴، ص ۳۱۱. - فاعلم أن أفضل عباد الله عند الله إمام عادل هدى وهدى، فأقام سنة معلومة، وأما بدعة مجهولة. وإن السنن لنيرة لها أعلام، وإن البدع لظاهرة لها أعلام. وإن شر الناس عند الله إمام جائر ضل وضل به، فأما سنة مأخوذة، وأحیی بدعة متروكة. (محقق)

۴. تربیت و رشد اخلاق و فضایل اخلاقی در میان مردم

زیربنای تنظیم روابط اجتماعی و تعالی انسان و جامعه و الهی کردن انسان و جامعه که غایت برنامه ها و اقدامات دولت اسلامی است، جز با تربیت و رشد اخلاق و فضایل اخلاقی در مردم آن هم با رفع موانع و ایجاد مقتضیات مناسب آن فراهم نمی شود.

امام(ع) در این باره می فرماید:

«حق شما بر من این است که شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید».^(۱)

جامعه ای که در آن فضائل اخلاقی حاکم باشد، جامعه سالم و متعالی است و چنین جامعه ای پایدار و باقی است.

امام(ع) در این مورد سفارشهای بسیاری را رد هر دو مورد اخلاق فردی و اجتماعی بیان نموده است که به علّت فراوانی آنها امکان اشاره مختصر نیز وجود ندارد.

گفتار پنجم: عرصه خانوادگی

اشاره

در عرصه خانوادگی، راهکارهای جامعه آرمانی بر ارکان زیر استوار است:

ص: ۱۴۶

۱- همان، خطبه ۳۴، ص ۸۷.

۱. ازدواج

امام علی(ع) به ازدواج و تشکیل خانواده تأکید فراوان می فرمودند؛ زیرا بدین وسیله از میزان کششهای جنسی خارج از خانواده زدوده و از میزان فساد و جرم در درون جامعه کاسته می گردد.

امام برای پاره ای از نوجوانانی که مرتکب مفاسد اخلاقی می شدند نیز پس از مجازات شرعی، امکان انتخاب همسر را فراهم می کرد.

۲. تربیت فرزندان

امام علی(ع) به تربیت فرزندان سفارش بسیاری می نمود و می فرمود: قلب نوجوان چونان زمین کاشته نشده آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود.

امیر المؤمنین(ع) نیز با نوشتن وصیتنامه ای برای فرزند خود، امام حسن مجتبی(ع) به بیان روش تربیت ایشان پرداخته، هدف از نوشتن آن را روشن کردن حقیقت بیان نموده اند تا مبادا رأی و هوایی که مردم را دچار اختلاف و شبهه کرد به وی نیز هجوم آورد و در ابتدای تربیت فرزند خود، به تعلیم کتاب خدا و تفسیر آیات و شریعت اسلام و احکام آن از حلال و حرام پرداخته است. (۱)

ص: ۱۴۷

۱- همان، نامه ۳۱، ص ۵۲۴ - ۵۲۳. - ای بنی اِنی و اِن لم اَکن عمرت عمر من کان قبلی فقد نظرت فی أعمالهم، وفکرت فی أخبارهم، وسرت فی آثارهم حتی عدت كأحدهم. بل کأنی بما انتهى إلی من أمورهم قد عمرت مع أولهم إلی آخرهم، فعرفت صفو ذلک من کدره، ونفعه من ضرره، فاستخلصت لک من کل أمر نخيله وتوخیت لک جميله، وصرفت عنک مجهوله، ورأیت حیث عنانی من أمرک ما یعنی الوالد الشفیق وأجمعت علیه من أدبک أن یکون ذلک وأنت مقبل العمر ومقبل الدهر، ذو نیه سلیمه ونفس صافیة، وأن أبتدئک بتعلیم کتاب الله وتأویله، وشرائع الاسلام وأحكامه، وحلاله وحرامه، لا أجوز ذلک بک إلی غیره ثم أشفقت أن یلتبس علیک ما اختلف الناس فیهِ من أهوائهم وآرائهم مثل الذی التبس علیهم، فکان إحکام ذلک علی ما کرهت من تنبیهک له أحب إلی من إسلامک إلی أمر لا آمن علیک به الهلکة ورجوت أن یوفقک الله فی لرشدک، وأن یهدیک لقصدک، فعهدت إلیک وصیتی هذه واعلم یا بنی أن أحب ما أنت آخذ به إلی من وصیتی تقوی الله والاقتصار علی ما فرضه الله علیک، والأخذ بما مضی علیه الأولون من آباءک، والصالحون من أهل بیتک، فإنهم لم یدعوا أن نظروا لأنفسهم کما أنت ناظر وفکروا کما أنت مفکر، ثم ردهم آخر ذلک إلی الأخذ بما عرفوا والامساک عما لم یكلفوا. فإن أبت نفسک أن تقبل ذلک دون أن تعلم کما علموا فلیکن طلبک ذلک بتفهم وتعلم، لا بتورط الشبهات وعلو الخصومات. وابدأ قبل نظرک فی ذلک بالاستعانه بالهک والرغبه إلیه فی توفیقک وترک کل شائبه أولجتک فی شبهه أو أسلمتک إلی ضلاله. فإذا أیقنت أن قد صفا قلبک فخشع، وتم رأیک فاجتمع، وکان همک فی ذلک هما واحدا فانظر فیما فسرت لک. وإن أنت لم یجتمع لک ما تحب من نفسک، وفراغ نظرک وفکرک فاعلم أنك إنما تخبط العشاء وتورط الظلماء. ولیس طالب

الدين من خبط أو خلط، والامساک عن ذلك أمثل. (محقق)

از سفارشهای دیگری که امام علی(ع) برای حفظ و بقای خانواده بیان نموده اند، تأکید بر رعایت حقوق و جایگاه زنان از سوی مردان(۱)، احساس

ص: ۱۴۸

۱- نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۳۱، ص ۵۳۷. - وإياك ومشاورة النساء فإن رأيهن إلى أفن وعزمهن إلى وهن واكفف عليهن من أبصارهن بحجابك إياهن فإن شدة الحجاب أبقى عليهن، وليس خروجهن بأشد من إدخالك من لا يوثق به عليهن وإن اسطعت أن لا- يعرفن غيرك فافعل. ولا تملك المرأة من أمرها ما جاوز نفسها فإن المرأة ريحانة وليست بقهرمانه ولا تعد بكرامتها نفسها، ولا- تطمعها في أن تشفع بغيرها. وإياك والتغاير في غير موضع غيره فإن ذلك يدعو الصحيحه إلى السقم والبريئة إلى الريب. (محقق)

مسئولیت و رعایت حقوق متقابل زن و مرد و فرزندان (۱) نسبت به یکدیگر است، اما به شرط رعایت حد اعتدال در رسیدگی به امور خانواده و دوری از وابستگی اسارت آور. (۲)

امام (ع) گرمی ترین ارزش خانوادگی را اخلاق نیکو می داند. (۳)

گفتار ششم: امنیت اجتماعی

اشاره

در بخش امنیت اجتماعی، راهکارهای جامعه آرمانی بر ارکان زیر استوار است:

در صورت وجود انحرافها، تحریف ها، مآلم، افساد در بلاد، عدم امنیت مستضعفان، ستمها و تعطیل قوانین خدا و حمله دشمنان به درون مرزها، جهاد صورت می گیرد که هدف اصلی از جهاد و پیکار مسلحانه، بازگرداندن نشانه ها و دلایل هدایت و راه رشد و تکامل ملت و نشان دادن خط اصیل هدایت به سوی خدا و رشد فکری مردم برای انتخاب راه زندگی است تا توده ها با رهایی از

ص: ۱۴۹

-
- ۱- خورشید بی غروب نهج البلاغه، معادینخواه، چاپ اول، تهران: نشر ذره، ۱۳۷۱، حکمت ۴۰۰، ص ۵۰۰. - إن للوالد علی الولد حقاً، وإن للولد علی الوالد حقاً، فحق الوالد علی الولد أن یطیعه فی کل شیء إلا فی معصیه الله سبحانه، وحق الولد علی الوالد أن یحسن اسمه، ویحسن أدبه، ویعلمه القرآن. (نهج البلاغه، محمد دشتی، حکمت ۳۹۹، ص ۷۲۵) (محقق)
 - ۲- همان، حکمت ۳۵۳، ص ۴۸۵. - لا تجعلن أكثر شغلک بأهلک وولدک فإن یکن أهلک وولدک أولیاء الله فإن الله لا یضیع أولیاءه. وإن یكونوا أعداء الله فما همک وشغلک بأعداء الله. (همان، دشتی، حکمت ۳۵۲، ص ۷۱۲) (محقق)
 - ۳- محمد دشتی، پیشین، حکمت ۳۸، ص ۶۳۳. - وأکرم الحسب حسن الخلق (محقق)

سلطه دشمنان، با فکر و اراده آزاد، در آن نشانه‌ها و دلایل بیندیشند و در پایان این جهاد رهایی بخش، به آرمان مقدس بازسازی جامعه و اصلاح کشور دست یازند و ریشه سلطه بشری و زور و ظلم را برکنند و عقب ماندگیها، خرابیها، کم کاریها، بی نظمی ها و نابرابری ظالمان را درمان نمایند.^(۱)

برای پیروزی در جهاد، داشتن ارتش و فرمانده نظامی و سپاه، ضروری است.

ارتش و فرمانده نظامی

۱. برقراری امنیت خارجی و دفاع از دولت در برابر تجاوز دشمنان؛

۲. برقراری امنیت داخلی هر جامعه ای در درون با توطئه‌هایی روبه رو می شود و بزهکاران نیز پیوسته جرم‌هایی را مرتکب می شوند و هر نظام سیاسی، دچار آشوب می شود؛

۳. پاسداری از اندیشه‌های که دولت و جامعه بر پایه آن قوام گرفته است.^(۲)

حضرت امام علی(ع) سپاهیان و ارتشیان را یکی از پایه‌های مهم امنیت مرزها و راههای کشور می داند.

ص: ۱۵۰

-
- ۱- عباسعلی عمید زنجانی، جهاد از دیدگاه امام علی، چاپ اول، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵، صص ۳۰ - ۲۸.
 - ۲- محمد مهدی شمس‌الدین، جنگ و صلح از دیدگاه امام علی «علیه السلام»، بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: نشر روشنفکر، ۱۳۶۶، ص ۶۸.

الف) ویژگی های فرمانده

۱. نسبت به خدا و رسول خدا | خیرخواه باشد؛
۲. امین و بردبار باشد؛
۳. از خانواده اصیل و با تربیت باشد؛
۴. دارای شجاعت و شهامت باشد؛
۵. اهل سخاوت و بخشش باشد. (۱)

ب) وظایف فرمانده

۱. رسیدگی به امور سپاه و مصالح و مشکلات آنان؛
۲. شایسته و مستحق بودن مال یا سود که سپاهیان را تقویت کند؛
۳. توجه و عنایت به سپاهیان، و لطف و مهربانی با آنان؛
۴. رسیدگی به امور لشکر اعم از کوچک و بزرگ؛
۵. مواسات و مساعدت داشتن با زیردستان؛
۶. به دست آوردن دل‌های سپاهیان؛
۷. فراهم آوردن زمینه بروز تواناییها و آرمان خواهیهای سپاهیان؛
۸. قدردانی و تشکر از سپاهیان که کار بزرگ انجام داده اند؛

ص: ۱۵۱

۹. نسبت ندادن عمل کسی به شخص دیگری؛

۱۰. دادن هزینه لازم به سپاه. (۱)

امام (ع) به مالک اشتر سفارش کرد که پیشنهاد صلحی را که رضایت الهی در آن است، بپذیرد؛ زیرا صلح عامل امنیت است و در سایه صلح و امنیت، بشر به کمال می رسد و استعدادها شکوفا می شود.

ایجاد امنیت باید برای عموم افراد جامعه باشد. (۲)

امام بعد از اینکه شنید مردی از لشکر شام به خانه زن مسلمان و زن غیر مسلمانی وارد شده که در پناه حکومت اسلامی بوده و خلخال و دستبند و گوشواره های آنان را به غارت برده، در حالیکه هیچ وسیله ای برای دفاع نداشتند فرمود:

«اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد». (۳)

ب - موانع جامعه آرمانی

در صورتی که تمام ویژگیهای جامعه آرمانی و ارکانی که در عرصه های مختلف

ص: ۱۵۲

۱- همان، صص ۳۷ - ۳۶.

۲- محمد دشتی، پیشین، نامه ۵۳، ص ۵۸۹. - ولا تدفعن صلحا دعاك إليه عدوك ولله فيه رضی، فإن فی الصلح دعه لجنودك وراحه من همومك وأمنا لبلادك (محقق)

۳- همان، خطبه ۲۷، ص ۷۵. - «ولقد بلغنی أن الرجل منهم كان یدخل علی المرأة المسلمة والأخری المعاهدة فینترع حجلها وقلبها وقلائدها ورعائها ما تمتنع منه إلا بالاسترجاع والاسترحام ثم انصرفوا وافرین ما نال رجلا منهم کلم ولا أریق لهم دم. فلو أن امرأ مسلما مات من بعد هذا أسفا ما كان به ملوما بل كان به عندی جدیرا». (محقق)

اجتماعی بیان شد، در جامعه تحقق پیدا نکند، جامعه نمی تواند به کمال مطلوب و ایده آل برسد؛ چرا که بسیاری از این رکن ها و ویژگیها در رابطه متقابل با یکدیگر قرار دارند و در صورت کوچک ترین بی توجهی و غفلت در یکی از این موارد، موارد دیگر نیز دچار اختلال و مشکل شده و نهایتاً جامعه از هم گسسته و فرو می پاشد.

نبود عدالت در نهادهای اقتصادی، سیاسی و حقوقی و... باعث ضایع شدن حقوق عده ای از افراد جامعه شده، عده ای بدون داشتن لیاقت و شایستگی کافی به مدارج بالای اجتماعی رسیده و عده ای دیگر با وجود داشتن لیاقت و شایستگی های بالا همچنان در سطوح پایین اجتماعی قرار گرفته، در نتیجه افرادی مدیریت جامعه را به دست گرفته که لیاقت و شایستگی اداره جامعه را ندارند. بنابراین از یک سو جامعه دچار مشکلات و مسائل فراوانی می شود و از سوی دیگر افراد جامعه به یکدیگر و مدیران اعتماد نداشته و این امر باعث عدم وحدت میان افراد جامعه می شود و در صورت کوچک ترین تهاجم دشمنان، جامعه فرو می پاشد. البته تمام این ویژگیها و ارکان بیان شده و اهدافی که این جامعه به سوی آن حرکت می کند، باید بر مبنای آموزه های قرآن، سنت پیامبر | و ائمه معصومین (ع) باشد و در صورت وجود کوچکترین اختلاف، مانعی بزرگ بر سر راه تشکیل جامعه آرمانی خواهد بود.

در این نوشته ما، سعی نمودیم که به تبیین و توصیف جامعه آرمانی از دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین (ع) پردازیم.

سؤال اصلی ما این بود که «از دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین (ع) ویژگیهای جامعه آرمانی چیست؟»

در ابتدا به بیان مقدمه و سپس در فصل اول به تبیین هدف از ایجاد

جامعه آرمانی از دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین(ع) پرداختیم و اشاره کردیم که حضرت امیرالمؤمنین(ع) هدف از ایجاد جامعه آرمانی را رسیدن به کمال که همان قرب الی الله است بیان داشته که رسیدن به این کمال جویی از طریق تقوا امکان پذیر می باشد.

در فصل دوم به بیان ویژگیهای جامعه آرمانی از دیدگاه حضرت(ع) پرداختیم و معتقد بودیم ایشان عدالت محوری، حق محوری، آزادی توأم با مسئولیت، وحدت حول محور الهی و مشارکت مردمی را جزء ویژگیهای جامعه آرمانی می دانند. در ابتدای فصل به تعریف هر کدام از آنها پرداختیم و سخنان امام را در مورد آن ویژگیها بیان نمودیم.

در فصل سوم به تبیین راهبردهای رسیدن به جامعه آرمانی از دیدگاه امیرالمؤمنین(ع) پرداختیم و بیان کردیم که حضرت امیرالمؤمنین(ع) قرآن کریم، سنت پیامبر(ص)، سنت ائمه معصومین(ع) و عقل را از جمله راهبردهای رسیدن به جامعه آرمانی دانسته که با تمسک جستن به آنها انسان و جامعه می تواند به سعادت و رستگاری برسد.

در فصل چهارم به بیان راهکارها و موانع رسیدن به جامعه آرمانی پرداخته و بیان کردیم از دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین(ع) هر کدام از نهادهای سیاسی، اقتصادی، حقوقی، آموزشی و فرهنگی و امنیتی، خانوادگی باید وظایفی را انجام دهند تا بتوانیم به جامعه آرمانی دسترسی پیدا کنیم و در صورت وجود کوچکترین بی توجهی نسبت به این موارد، مانعی بزرگ برای رسیدن به جامعه آرمانی خواهد بود.

اشاره

۱. قرآن مجید.
۲. نهج البلاغه، محمد دشتی، چاپ سوم، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹.
۳. عبدالمجید معادیخواه، خورشید بی غروب نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: نشر ذره، ۱۳۷۳.

الف) منابع اصلی

۴. آوای وحدت، (گزیده مقالات هفتمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی)، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، (معاون تبلیغات و انتشارات)، مرداد ۱۳۷۴.
۵. ارسطو، سیاست ارسطو، دکتر حمید عنایت، چاپ سوم، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
۶. اصیل، حجت الله، آرمانشهر در اندیشه ایرانی، چاپ اول، تهران: نشر نی، ۱۳۷۱.
۷. افلاطون، جمهوریت، فؤاد روحانی، چاپ چهارم، تهران: معرفت، ۱۳۶۰.
۸. بابازاده، علی اکبر، سیمای حرکت امام علی (ع)، چاپ اول، قم: مؤسسه انصاریان، ۱۳۸۰.

۹. بازرگان، عبدالعلی، آزادی در نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: بازرگان، ۱۳۷۴.
۱۰. برزگر کلیشمی، روح الله، جامعه از دیدگاه نهج البلاغه، چاپ اول، قم: مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی، بهار ۱۳۷۲.
۱۱. بستانی، محمد، استراتژی نظامی امام علی (ع) در نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: سازمان تحقیقات خودکفایی بسیج، ۱۳۶۵.
۱۲. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه دکتر باقر ساروخانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۵.
۱۳. تامس مور، آرمانشهر یوتوپیا، داریوش آشوری، چاپ دوم، تهران: انتشارات خوارزمی، بی تا.
۱۴. توسلی، حسین، جزوه، تلخیص شده درس معارف اسلامی ۲، بی تا.
۱۵. جرداق، جرج، صدای عدالت انسانی، ج اول، سید خسروشاهی، چاپ اول، قم: نشر خرم، ۱۳۶۹.
۱۶. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی ۲، (تاریخ خلفا از رحلت پیامبر | تا زوال امویان)، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۷. جعفری تبریزی، محمدتقی، حکمت اصول سیاسی اسلام، چاپ اول، تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۳.
۱۸. جنیمز، حسین، سبحانی، جعفر، پیش درآمدی بر اصول و مبانی مدیریت در دیدگاه امام علی (ع)، چاپ اول، تهران: پیک دیران، ۱۳۸۰.

۱۹. حمیدی بهار، حبیب الله، امام علی (ع) در بیان هاشمی رفسنجانی، چاپ اول، تهران: فرهنگ آوران، ۱۳۸۰.
۲۰. خاتمی، سید احمد، سیره امام علی (ع)، چاپ اول، تهران: نشر مطهر، ۱۳۷۹.
۲۱. خمینی، روح الله، وحدت از دیدگاه امام خمینی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی، ۱۳۷۸.
۲۲. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۸.
۲۳. دشتی، محمد و محمدی، سید کاظم، معجم المفهرست الفاظ نهج البلاغه، چاپ دوم، قم: نشر امام علی، ۱۳۶۹.
۲۴. دلشاد تهرانی، مصطفی، دولت آفتاب، ج اول، چاپ اول، تهران: خانه اندیشه جوان، ۱۳۷۷.
۲۵. رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی (ع)، ج ۵ و ۶، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.
۲۶. زکریایی، محمدعلی، فرهنگ مطهر، چاپ اول، تهران: آذریون، ۱۳۷۸.
۲۷. سعیدی، سید ابراهیم حسینی، علی آئینه حق نما، جلد اول، چاپ اول، بی جا: احرار تبریز، ۱۳۷۲.
۲۸. شمس الدین، محمد مهدی، جنگ و صلح از دیدگاه امام علی (ع)، بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: نشر روشنگر، ۱۳۶۴.

۲۹. صافی گلپایگانی، لطف الله، امامت و مهدویت، جلد دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۵.

۳۰. صلیبا، جمیل، واژه نامه علوم اجتماعی، کاظم بزرگ بینی، صادق سجادی، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۰.

۳۱. طبعی، منصور، سیمای امنیت در نهج البلاغه، سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی دفتر سیاسی، ۱۳۷۹.

۳۲. علیخانی، علی اکبر، مبانی مشارکت مردم در حکومت در سیره امام علی (ع)، تهران: نشر سفیر، تهران: ۱۳۷۷.

۳۳. عمید زنجانی، عباسعلی، بنیادهای ملیت در جامعه ایده آل اسلامی، تهران: بنیاد بعثت، انتشارات واحد تحقیقات، ۱۳۶۱.

۳۴. عمید زنجانی، عباسعلی، جهاد از دیدگاه حضرت علی، چاپ اول، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵.

۳۵. فارابی، محمد بن محمد، آراء اهل مدینه فاضله، جعفر سبحانی، چاپ اول، تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۶۱.

۳۶. فارابی، محمد بن محمد، سیاست مدینه، دکتر جعفر سبحانی، تهران: انتشارات انجمن فلسفه ایران، ۱۳۵۸.

۳۷. قائمی، علی رضا، قیام مهدی از دیدگاه جامعه شناسی نهضت ها، قم: انتشارات هجرت، بی تا.

۳۸. قوچانی، محمد، فرمان حکومتی پیرامون مدیریت، چاپ دوم، تهران: مرکز آموزش و مدیریت اسلامی، ۱۳۷۴.

۳۹. کریمی، سعید، رسانه ها و راه حل های تقویت مشارکت مردم در صحنه های سیاسی و اجتماعی، چاپ اول، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

۴۰. مدرسی، محمدتقی، اهداف و آرمان های جامعه

اسلامی، چاپ اول، تهران: انتشارات امید، ۱۳۶۹.

۴۱. مصطفوی، سید جواد، کتاب وحدت، (مجموعه مقالات) چاپ اول، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۲.

۴۲. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، چاپ چهارم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۶.

۴۳. معادیخواه، مجید، فرهنگ آفتاب، چاپ اول، تهران نشر ذره، ۱۳۷۲.

۴۴. ناظم زاده قمی، سید اصغر، تجلی امامت و تحلیل حکومت امیر المؤمنین علی (ع)، چاپ اول، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۲.

۴۵. واعظ زاده خراسانی، محمد، ندای وحدت (مجموعه گفتارهای دبیر کل مجمع تقریب مذاهب اسلامی)، نماز جمعه، چاپ اول، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۷۴.

(ب) منابع پژوهشی

۴۶. دشتی، محمد، فرهنگ معارف نهج البلاغه، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۷۶.

۴۷. دشتی، محمد، کلید شناسایی نهج البلاغه، قم: نشر امام علی (ع)، ۱۳۶۸.

۴۸. دلشاد تهرانی، مصطفی، ماه مهرپرور (تربیت در نهج البلاغه)، چاپ اول، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۷۰.

۴۹. رهادت، عبدالمجید، تعلیم و تربیت در نهج البلاغه، تهران: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۵۰. شیخ الاسلامی، حسین، غرر الحکم، (گفتار امیرالمؤمنین)، جلد دوم، چاپ چهارم، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۷۸.

۵۱. نبوی، سید عباس، مردم سالاری در حاکمیت اسلامی، انتشارات تمدن و توسعه اسلامی، چاپ اول، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

۵۲. هیأت تحریریه بنیاد نهج البلاغه، مسائل جامعه شناسی از دیدگاه امام علی (ع)، چاپ اول، تهران: مدرسه مکاتباتی نهج البلاغه، ۱۳۷۳.

۵۳. یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.

(ج) منابع نشریاتی

۵۴. بشیریه، حسین، دین و عدالت خواهی در نظرخواهی دانشوران، مجله نقد و نظر، سال سوم، شماره دوم و سوم، ۱۳۷۶.

۵۵. قوامی صمصام الدین، نظام قضائی امیرالمؤمنین، نشریه حکومت اسلامی، ش ۱۸.

ص: ۱۶۰

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

